

دکوتایار در تهران

گفتگو پیرامون مناسبات ایران و عراق، گروهانهای فربهی، دستجات حزب الله و مسائل افغانستان اهداف سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران را تشکیل می‌دهند

هفته گذشته خاویز پرز دکوتایار دبیر کل سازمان ملل متحد در سفری به چند کشور خاورمیانه وارد تهران شد. دکوتایار در این سفر که بدعوت هاشمی رفسنجانی صورت گرفته است در باره چگونگی اجرای قطعنامه ۵۹۸ بدنبال برقراری آتش بس در جنگ ۸ ساله میان

ایران و عراق، گروهانهای فربهی در لبنان و نیز طرح صلح ۵ ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل برای حل سیاسی بحران افغانستان با مقامات تهران به گفتگو پرداخت.

با وجود گذشت بیش از سه سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی بقیه در صفحه ۳

سرشماری سراسری آغاز شد

دست یابی به ارقام جدید از مولفه‌های جمعیتی کشور و دریافت اطلاعات جمعیتی از مناطق غرب و جنوب کشور اعلام کرده است. (بخشی از این مناطق، در سرشماری سال ۱۳۶۵ بدلیل جریان جنگ ایران و عراق خالی از جمعیت بوده است).

در این سرشماری مأمورین آمارگیری به محل سکونت ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار شهری و روستایی مراجعه و فرم‌های آمارگیری را که شامل ۱۳ سؤال در مورد تعداد اعضا خانوار، ترکیب جنسی و سنی و توزیع جمعیت است، پر خواهند کرد.

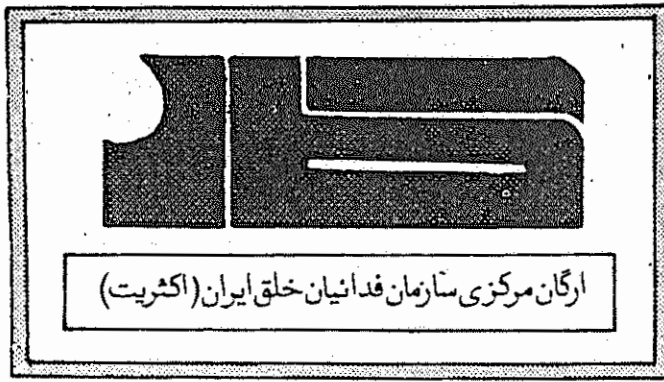
در همین حال از ۱۰ درصد خانوارها پرسش‌هایی در مورد تحصیلات، اشتغال، تعداد فرزندان زنده دنیا آمده، سن افراد هنگام نخستین ازدواج، سن زنان در نخستین زایمان، مرگ و میر کودکان و بزرگسالان صورت خواهد گرفت، هم چنین در مناطق محروم کشور، پرسش‌هایی در مورد امکانات آموزشی، بهداشتی، آب و برق، پست و تلگراف و تلفن و راه مطرح خواهد شد.

جمع‌آوری اسلامی سرشماری سراسری را از دهسال به پنج سال تقلیل داده است. نخستین سرشماری سراسری در دوره جمهوری اسلامی در سال ۶۵ صورت گرفت و دومین سرشماری امسال انجام می‌گیرد. جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران در مورد ضرورت اجرای این طرح می‌گوید که سرشماری سال ۶۵ نشان داد که جمعیت کشور در حال جوان شدن است بنابر این برای برنامه ریزی جهت تامین امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ضروری بود که دوباره جمعیت کشور مورد سرشماری قرار گیرد.

او در مورد افزایش جمعیت کشور می‌گوید: در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده بود که بقیه در صفحه ۲

طی ۵ سال گذشته بطور متوسط سالیانه ۲ میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده شده است.

از روز ۲۰ شهریور ماه آمارگیری جمعیت در سراسر کشور آغاز شده است. در این آمارگیری که ۲۵ روز طول خواهد کشید، اطلاعات ضرور در زمینه جمعیت خانوارهای سراسر کشور جمع آوری میشود. مرکز آمار ایران هدف سرشماری را



چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۷۰
۱۸ سپتامبر ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۱۹

اطلاعیه دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون برگزاری دومین کنگره سازمان

بعنوان راستاهای اساسی و مبنای تعیین سیاست سازمان تا کنگره بعدی تعیین نمود.

کنگره همچنین در زمینه آماج‌ها و اهداف سازمان

سندی را بعنوان مبنای عملکرد سازمان و رهبری آن مورد تأیید قرار داد. در زمینه کارپایه تشکیلاتی کنگره مقرر داشت که سند تشکیلاتی مصوب شورای مرکزی منتخب کنگره اول، همراه با اصلاحات مصوب کنگره دوم مبنای تنظیم روابط تشکیلاتی قرار گیرد.

کنگره در آخرین روز کار خود اعضای شورای مرکزی سازمان را برگزید. مشروح گزارش کار کنگره و اسناد آن در ارگان مرکزی سازمان انتشار خواهد یافت.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ شهریور ۱۳۷۰

در روزهای ۲۷ مرداد الی ۳ شهریور (۲۵-۱۸ اوت) دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با حضور جمع قابل توجهی از نمایندگان منتخب و تعدادی مدعو برگزار شد.

دومین کنگره سازمان، بررسی عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره اول، بررسی و تعیین خطمشی سیاسی سازمان، آماج‌ها و اهداف آن، موازین تشکیلاتی و نیز بحث پیرامون سیاست تشکیلاتی در داخل کشور را در دستور کار خود داشت. کنگره در تعیین راستاهای فعالیت سازمان در هرصه‌های فوق کار خود را با موفقیت به انجام رساند. شرکت‌کنندگان در کنگره گزارش فعالیت شورای مرکزی و گروه‌های کار در فاصله بین دو کنگره را مورد بررسی قرار داده در مورد آن اظهار نظر کردند.

بحث‌ها در کنگره دوم هم‌دستا پیرامون تعیین خط مشی سیاسی متمرکز بود. کنگره، سندی را

گزارش کنگره دوم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون خطمشی سیاسی

پیرامون دیدگاه‌ها و آماج‌ها

قطعنامه در باره فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور

در صفحه ۵

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

برگزاری کنفرانس حقوق بشر در ایران!

اسلامی هستند، شرکت دارند. این کنفرانس کار خود را با پیام رفسنجانی شروع کرد. او در پیام خود ادعا کرده است جمهوری اسلامی حتی بیش از کشورهای مدعی طرفداری از حقوق بشر به موازین حقوق بشر پایبند است و بعنوان شاهد مثال بر این ادعا، از حضور نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی یاد کرد.

مبلغین جمهوری اسلامی در مورد اهداف بر پائی چنین نمایشی به دو نکته اشاره می‌کنند: اول اینکه ترتیب چنین کنفرانسی نشانه احترام همیق جمهوری اسلامی به حقوق بشر است و دوم آنکه این کنفرانس امکان تبیین اسلامی مبنای حقوق بشر با استفاده از نظر کارشناسان اسلامی را میسر می‌سازد.

باید گفت ادعای دوم آنها فاقد پشتوانه و کاملاً پوچ است. چرا که نه جمهوری اسلامی و نه بسیاری دیگر از شرکت‌کنندگان این نمایش که همچون جمهوری اسلامی پیرونده‌های قطوری از جرم و جنایت علیه موازین و حقوق انسانی دارند، دنبال این نیستند که بدانند حقوق بشر چیست، مبنای آن کدام است و چگونه باید آنرا تامین کرد. مسئله آنها این است که چگونه چنگالهای خون آلود خود را از انظار جهانی بقیه در صفحه ۲

بشر آغاز بکار کرد. بنابر این گزارش در این کنفرانس کارشناسانی از ۴۰ کشور جهان که اکثراً عضو سازمان کنفرانس

انتقاد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

از جمهوری اسلامی

رسمی اعلام شده در سال ۱۹۹۰ بالغ می‌شود. طرح قطعنامه کمیسیون میانزاید علاوه بر اعدام‌ها، در ایران موارد نقض آزادی بیان و مذهب و حق برخورداری از محاکمه عادلانه روبه افزایش است. در همین حال، کمیسیون حقوق بشر از اظهارات مقامات قضایی جمهوری اسلامی و قوانینی که در آن، ادعا می‌شود که زندانیان و سایر مردم شکنجه را می‌پذیرند، ابراز نگرانی شدید کرده است.

انتقاد کمیسیون حقوق بشر از کشورهای مختلف، بسته به درجات مختلف شدت انتقاد، با لحن‌های متفاوت همراه است. انتخاب لفظ "نگرانی همیق" به معنای شدیدتر شدن انتقاد از جمهوری اسلامی در مقایسه با سال گذشته است. در سال گذشته کمیسیون حقوق بشر از همکاری جمهوری اسلامی با کمیسیون استقبال کرده و در همین حال خواستار بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران شده بود.

به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی روز دوشنبه هفته گذشته گردمایی در تهران تحت عنوان کنفرانس بین‌المللی مبنای حقوق

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد روز ۲۳ اوت (اول شهریور) طی طرح قطعنامه‌ای برای مجمع عمومی این سازمان از وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز "نگرانی همیق" کرد. در این طرح قطعنامه که در ژنوا انتشار یافت آمده است شمار موارد اعدامی که جمهوری اسلامی در هفت ماه نخست سال ۱۹۹۱ بدان رسماً اعتراف کرده است ۴۰ سه برابر کل اعدام‌های

اعدام‌های علنی است. افزایش روزافزون این اعدام‌ها، خود گواهی بر این واقعیت است که چوبه دار و شمشیرگردن زنی، نه تنها از جرایم هادی که بمانه ظاهری این اعدام‌هاست نمی‌کاهد، بلکه جو خشونت‌آمیز جامعه را باز هم خشونت‌آمیزتر می‌کند. جمهوری اسلامی با این اعدام‌ها منش خود را که خونریزی و آدم‌کشی است، همچون سمی مهلک به پیکر جامعه تزریق میکند.

* شواهد بسیار نشانگر قتل بختیار از سوی جمهوری اسلامی است

* محکومیت امضاء کنندگان نامه ۹۰ نفره

* قائم مقام وزارت خارجه عراق در تهران

* تشکیل هیات منصفه مطبوعاتی

در صفحه ۳

در صفحه ۳

در صفحه ۲

در صفحه ۲

گردن زدن علنی

در کرمانشاه

بدنبال وقوع یک جنایت نجیب در کرمانشاه که طی آن یک پاسدار، همسر باردار و فرزندان خود را کشته بود، قاتل را در برابر چشمان مردم در خیابان گردن زدند.

در سال ۶۸ همدان شاهد اجرای نجیب حکم اعدام در مورد دو نفر به نحو مشابهی بود. از هنگام گمارده شدن یزدی به سمت "رئیس قوه قضاییه" جمهوری اسلامی، شمار اعدام‌ها پس از محاکمات سریع به شدت افزایش یافته است. هر از چندی، یکی از شهرهای ایران شاهد نمایشی از سبعیت در شکل

زنان حزب الهی دفتر مجله گردون را

اشغال کردند

با اشغال دفتر مجله گردون و پیگرد عباس معروفی صاحب امتیاز و مدیر مسئول این ماهنامه، دور تازه‌ای از حمله و تبلیغ علیه جامعه هنری کشور آغاز شده است. اشغال دفتر این مجله توسط گروهی از زنان حزب الهی صورت گرفت که خود را خانواده شمیدان می‌نامیدند و در حقیقت از سوی سازمان تبلیغات اسلامی سازماندهی شده بودند. مستمسک این تعاجم برخی از نوشته‌ها و طرح روی جلد این مجله بود که در آن باورهای خرافی و رفتار عقب مانده به نقد کشیده شد.

بقیه در صفحه ۳

قائم مقام وزارت خارجه عراق در تهران

سعد عبدالمجید فیصل قائم مقام وزارت خارجه عراق در هفته نخست ماه جاری در تهران با مقامات وزارت امور خارجه ایران گفتگو داشت. دیدار فیصل از ایران نخستین دیدار مقامات بلند پایه دو کشور در سال جاری است. در دیدار فیصل از تهران پیرامون نحوه لایروبی اروندرود، میله گذاری خطوط مرزی و چگونگی مبادله باقیمانده اسیران جنگی تبادل نظر به عمل آمد. در مذاکرات، در برابر تقاضای هیات عراقی پیرامون استرداد هواپیماهای عراقی مستقر در ایران، طرف ایرانی تنها حاضر به گفتگو پیرامون هواپیماهای غیر نظامی گردید. متکی معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که ریاست هیات ایرانی

تشکیل هیات منصفه مطبوعاتی

مطبوعاتی از جمله موارد قانون ستیزی آنان بود که حتی اعتراض دست اندرکاران روزنامه های دولتی را نیز برمی انگیزت. تشکیل هیات منصفه از جمله مطالبات دائمی روزنامه نگاران و فعالین در امر نشر و مطبوعات بوده است که اخیرا حدت بیشتری یافت. حمله به نشریه گردون و پیگردمدیر مسئول آن باعث طرح دوباره جایگاه روزنامه نویسان گردید. یزدی رئیس توه تضاویه بی توجه به قانون مطبوعات اعلام داشت دادگاه انقلاب به جرایم مطبوعاتی در مواردی که مربوط به مسائل شرعی باشد رسیدگی خواهد کرد، در حالیکه وزارت

مذاکره کننده را بر همه دهه داشت از قائم مقام وزارت خارجه عراق خواست ایرانیان مستقر در آن کشور بازگردانده شوند. در این راستا طرفین توافق کردند کمیته ای از کارشناسان دو کشور برای بررسی راههای ممکن در جهت بازگرداندن شهروندان ایرانی مقیم عراق و نیز پناهندگان عراقی مقیم ایران تشکیل شود. سخنان متکی رئیس هیات ایرانی مذاکره کننده و عنوان اطلاق شده به کمیته تعیین شده این ظن را که مذاکرات تنها استرداد باقیمانده اسیران جنگی و همچنین پناهندگان عراقی بهنگام جنگ خلیج را شامل نشده و موضوع مخالفتین سیاسی و فعالیت آنها را نیز در بر می گیرد، تقویت می کند.

سرشماری سراسری آغاز شد

جمعیت کشور از ۴۹/۴۴۶ میلیون نفر در سال ۶۵ به ۵۹/۵۰۰ میلیون نفر در سال ۷۰ رسیده است یعنی در ۵ سال اخیر هر سال بطور متوسط دو میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده شده است. در حالیکه در دهه ۶۵-۱۳۵۵ هر سال بطور متوسط ۱/۵۷ میلیون بر جمعیت کشور اضافه میشد. این ارتقا نشان میدهد که در طی سالهای ۶۵-۱۳۶۵ نه تنها نرخ رشد جمعیت کشور کاهش نیافته بلکه بالاتر هم رفته است.

بقیه از صفحه اول تا پایان برنامه نرخ رشد جمعیت از ۳/۲ درصد به ۲/۹ درصد کاهش می توان حال و روز آتای رنسنجانی را درک کرد. او که گرفتار بحرانی همه جانبه و خطرناک است، برای جلب کمک جهانیان برای گریز از مهلکه بحران به مستمسک هایی هر چند دروغین نیازمند است. اما ایشان می بایست فهمیده باشند که نمی توان تمام واقعیات را پشت این افواگرها پنهان کرد. همین سه هفته پیش بود که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با تنظیم قطعنامه ای برای مجمع عمومی این سازمان، از وضعیت حقوق بشر در ایران همیقا ابراز نگرانی نمود و اعلام کرد که میزان اعدام های رسما اعلام شده توسط جمهوری اسلامی در ۷ ماه اول سال ۹۱ سه برابر میزان آن در سال ۹۰ بوده است. و یا ترور فجیع دکتر بختیار که دستان تبهکار ارگانه ای امنیتی و مقامات مسئول جمهوری اسلامی در این جنایت سفاکانه روز بروز هیاتر می شود چیزی نیست که در پرده بماند و تنگ این جنایت دامن رژیم اسلامی تهران را سیاه و سیاهتر ننماید.

اگر روند رشد جمعیت به همین ترتیب ادامه یابد در سال ۱۳۸۰ (۱۰ سال دیگر) ایران جمعیتی بیشتر از ۸۰ میلیون نفر خواهد داشت. رشد شتابان جمعیت در ایران نه تنها نسبت بدهه های قبل قابل توجه بوده، بلکه مقایسه آن با سایر کشورهای در حال توسعه و بخصوص کشورهای توسعه یافته جهان، ابعاد سنگین، فاجعه آور و مسئله ساز چنین رشدی را آشکارتر میسازد. چنین مقایسه ای نشان میدهد که میزان

رژیم های دنیا برهاند و در این راه اگر چه تن به عقب نشینی های معینی نیز داده، اما بطور قالب عملکرد نمایشی و ریاکارانه بقصد چهره آرائی داشته است. از جمله و دقیقاً بخاطر همین چهره آرائی جمهوری اسلامی بسیار تلاش کرد که به عضویت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در آید. زمستان سال گذشته در جریان چهل و هفتمین اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر در ژنو نماینده جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرد که دولت متبوعش اعلامیه جهانی حقوق بشر را می پذیرد و متعهد می شود این سند و تمام ملحقات آنرا به اجرا بگذارد. اما این مسئله در رسانه های رژیم کوچکترین انعکاسی نیافت و رژیم یک کلمه در این باره با مردم ایران سخن نگفت که این اعلامیه را پذیرفته و در قبال اجرای آن متعهد شده است. چرا؟ برای اینکه رژیم نه تنها نمی خواست و نمی خواهد آنرا به اجرا بگذارد بلکه حتی اعلام لفظی و خشک خالی پذیرش آن به مردم ایران هم برای رژیم غیر قابل قبول است. مقامات رژیم تنها دنبال این بودند که با این تعهد دروغین در اجلاس ژنو، به

برگزاری کنفرانس حقوق بشر در ایران!

پنهان دارند و بطور چهره ضد انسانی حکومت های استبدادی خود را آرایشی مقبول دهند. مبانی اسلامی حقوق بشر و این ادعا که جهان اسلام و دنیای غرب با دو دیدگاه کاملاً متفاوت به مسئله حقوق بشر پرداخته و این تفاوت ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ متفاوت اسلام و غرب دارد. از جمله این تلاشها برای توجیه استبداد خونین حاکم به این کشور است. شرکت کنندگان در نمایش تبلیغاتی تهران و بیست و دست اندرکاران اسلامی بر این واقفند که حضور هر هیچ ارتباطی به آداب و رسوم و فرهنگ ندارد. انسان صرف نظر از تعلق آن به مذاهب گوناگون و فرهنگ و سنن متفاوت، بمثابة انسان دارای یکسری حقوق مسلم و انکارناپذیر انسانی است و باید برسمیت شناخته و محترم داشته شود. از ایترو تبیین و تدوین چیزی جز آنچه در منشور جهانی حقوق بشر آمده حتی اگر فرض بر حسن نیت هم باشد- نمی تواند بمثابة منشور حقوق بشر بیانگر حقوق انسانها باشد. اما این نکته در توضیح هدف

فقدان تجهیزات ایمنی از کارگران قربانی میگیرد

می گیرند. علت ریزش بی توجمی مسئولین سازنده این بنا و اجتناب از نصب بست های ضروری بوده است. این قبیل حوادث که هر روزه جان عده ای از کارگران را می گیرد به کرات در روزنامه های تهران دیده می شود. همه این حوادث بخاطر اجتناب کارفرمایان از نصب و تامین تجهیزات ایمنی صورت می گیرد. وزارت کار نیز به رقم وظیفه ای که دارد هیچ اقدام موثری برای وادار ساختن کارفرمایان به تامین تجهیزات ایمنی انجام نمی دهد. از این رو این فجایع همچنان پی در پی تکرار می شوند.

بهره گیری از مترو تهران

بهره گیری از مترو تهران تا سه سال دیگر نیز متدور نخواهد شد. این مطلب را کرباسچی شهردار تهران اعلام داشت. اعلام این خبر خلاف تبلیغاتی کرباسچی دشواری اتمام کار مترو تهران را هزینه بالای ارزی آن دانست که به آسانی تامین نخواهد شد. شهردار تهران پیرامون معضل ترافیک تهران اظهار داشت که رفع این معضل تنها از طریق احداث اتوبان ها و خیابان های جدید عملی خواهد بود. به گفته کرباسچی، از سوی دولت در سال ۹۰ مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار ارز جهت خرید اتوبوس تخصیص داده شده که از محل آن تعدادی اتوبوس خریداری گردید و به خطوط اتوبوسرانی تهران تحویل داده شد.

سفر مقامات جمهوری اسلامی به کردستان

محل ای استان به مذاکره و تبادل نظر پرداخت. طی این ماه علاوه بر دکتر حبیبی، رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز از کردستان دیدار داشت. وی از چندین شهر این منطقه و از جمله شهرهای مرزی بازدید به عمل آورد. رئیس ستاد نیروهای مسلح وضعیت مناطق و مراکز نظامی را تحت بررسی قرار داد.

تیم کشتی ارتش از مسابقات جهانی اخراج شد

گرفت که نفراتی از سپاه پاسداران نیز عضو آن بودند. ندراسیون جهانی حاضر به پذیرش سپاه پاسداران به عنوان یک واحد نظامی نگردید. در واکنش نسبت به این رویداد، برخی مسئولین عنوان کردند که اخراج تیم ایران بخاطر برگزاری مراسم سینه زنی در اردوی محل اقامت تیم های شرکت کننده صورت گرفت!

تیم کشتی ارتش از مسابقات جهانی اخراج شد

مسئولین فدراسیون کشتی ارتش های جهان از حضور تیم ایران در مسابقات سال جاری که در ترکیه برگزار گردید جلوگیری کردند. اقدامات وزارت امور خارجه و مقامات تربیت بدنی نیروهای مسلح برای لغو این تصمیم به جایی نرسید و نفرات تیم اهرامی ایران بدون انجام مسابقه از ترکیه بازگشت. اخراج تیم ایران از این مسابقات به این دلیل صورت

بهره گیری از مترو تهران

بهره گیری از مترو تهران تا سه سال دیگر نیز متدور نخواهد شد. این مطلب را کرباسچی شهردار تهران اعلام داشت. اعلام این خبر خلاف تبلیغاتی کرباسچی دشواری اتمام کار مترو تهران را هزینه بالای ارزی آن دانست که به آسانی تامین نخواهد شد. شهردار تهران پیرامون معضل ترافیک تهران اظهار داشت که رفع این معضل تنها از طریق احداث اتوبان ها و خیابان های جدید عملی خواهد بود. به گفته کرباسچی، از سوی دولت در سال ۹۰ مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار ارز جهت خرید اتوبوس تخصیص داده شده که از محل آن تعدادی اتوبوس خریداری گردید و به خطوط اتوبوسرانی تهران تحویل داده شد.

سفر مقامات جمهوری اسلامی به کردستان

محل ای استان به مذاکره و تبادل نظر پرداخت. طی این ماه علاوه بر دکتر حبیبی، رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز از کردستان دیدار داشت. وی از چندین شهر این منطقه و از جمله شهرهای مرزی بازدید به عمل آورد. رئیس ستاد نیروهای مسلح وضعیت مناطق و مراکز نظامی را تحت بررسی قرار داد.

بهره گیری از مترو تهران

بهره گیری از مترو تهران تا سه سال دیگر نیز متدور نخواهد شد. این مطلب را کرباسچی شهردار تهران اعلام داشت. اعلام این خبر خلاف تبلیغاتی کرباسچی دشواری اتمام کار مترو تهران را هزینه بالای ارزی آن دانست که به آسانی تامین نخواهد شد. شهردار تهران پیرامون معضل ترافیک تهران اظهار داشت که رفع این معضل تنها از طریق احداث اتوبان ها و خیابان های جدید عملی خواهد بود. به گفته کرباسچی، از سوی دولت در سال ۹۰ مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار ارز جهت خرید اتوبوس تخصیص داده شده که از محل آن تعدادی اتوبوس خریداری گردید و به خطوط اتوبوسرانی تهران تحویل داده شد.

محکومیت امضاء کنندگان نامه ۹۰ نفره در

بیدادگاه جمهوری اسلامی

محکومیت دکتران دلا و یاران او نشانه ادامه سلطه استبداد و اختناق در ایران است

رژیم جمهوری اسلامی در جریان یک محاکمه غیر علنی گروهی از اعضای نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ایران را به زندان محکوم کرد. این عده بدنبال انتشار نامه سرگشاده ۹۰ نفره به هاشمی رفسنجانی رئیس حکومت اسلامی دستگیر شده بودند. علی اردلان چهره سرشناس نهضت آزادی به ۳ سال زندان محکوم شد و سایر محاکمه شدگان به ۶ ماه تا یکسال زندان محکوم گردیدند.

بی‌احتیایی کامل جمهوری اسلامی بر ابتدایی‌ترین موازین حقوقی شناخته شده و معتبر بین‌المللی است. گزارشهای واصله همه نشانگر آن است که زندانیان در زندان در وضع بسیار نامناسبی قرار دارند. علی اردلان که نزدیک به ۸۰ سال دارد، در اتاقکی انفرادی به سر می‌برد. از رساندن دارو و سایر لوازم مورد احتیاج به او و سایر دوستانش خودداری می‌شود و فشار مقامات رژیم برای وادار ساختن آنان به نوشتن "توبه نامه" و اجرای شوهای تلویزیونی ادامه دارد.

دستگیری این عده پس از انتشار نامه ۹۰ نفره به رئیس جمهور و اکنشهای اعتراضی وسیعی را در میان احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی و مراجع بین‌المللی حقوق بشر برانگیخت و موجی از همبستگی با آنان را پدید آورد. تقریباً تمامی نیروهای سیاسی غیر حکومتی بازداشت امضاء کنندگان نامه نوق را محکوم کردند و خواستار آزادی فوری آنان شدند. اما حکومت اسلامی به همه این اعتراضات و درخواستهای توجیه مآند و در شرایطی که با اهدافی

علیرغم درخواستهای مکرر نهضت آزادی و جمعیت دفاع که بیشتر دستگیرشدگان اعضای آنها هستند و همچنین تاکیدات سازمان عفو بین‌الملل و سایر مراجع بین‌المللی دفاع از حقوق بشر مبنی بر محاکمه علنی دستگیرشدگان، رژیم اسلامی در پشت درهای بسته و در بیدادگاهی فرمایشی، بدون حضور وکیل مدافع و روزنامه نگاران اقدام به محاکمه این عده نمود.

محکومیت دکتر اردلان و یاران او در دادگاه غیر علنی، پس از دستگیری آنان، نشانه

دکوتیار در تهران

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی و نیز گذشت یکسال از پذیرش شرایط ایران از سوی رژیم عراق، هنوز مسائل فیما بین در مورد جنگ فیصله نیافته و آتش بس اعلام شده میان طرفین به صلح دائمی بدل نشده است. در فرصتی که بدنبال پذیرش شرایط ایران از سوی صدام حسین برای حل و فصل مسائل فیما بین موجود آمد، بخشی از مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق حل و بخش قابل ملاحظه‌ای از اسرای جنگی آزاد شدند. اما با دخالت جمهوری اسلامی در شورشی داخلی عراق بدنبال شکست صدام در جنگ خلیج فارس، این فرصت از دست رفت و عدم اعتماد کمافی سابق بر مناسبات دو رژیم حاکم شد. تاکنون قریب به ۷۰ هزار نفر اسیر جنگی مجاهد شده‌اند اما چندین هزار نفر دیگر هنوز در اسارت بسر می‌برند. رژیم عراق از پاسخ صریح در این باره امتناع می‌کند. سران جمهوری اسلامی اینبار بیش از هر چیز روی اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ پانشاری نشان دادند. این بند دبیر کل سازمان ملل را ملزم به تعیین کمیته‌ای برای تحقیق و تعیین متجاوز و معرفی آن به شورای امنیت می‌کند. پیش از این اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ چندان مورد حساسیت سران جمهوری اسلامی نبود و تقریباً مسکوت مانده بود. گفته می‌شود که مقامات جمهوری اسلامی برآنند با اجرای این بند از رژیم عراق ادعای خسارت کنند.

موضوع گروگانهای قربانی در لبنان نیز یکی از مسائل مورد گفتگو در دیدار دکوتیار از تهران بود. تقریباً از یک ماه پیش نشانه‌هایی دال بر تمایل جمهوری اسلامی برای حل بحران گروگانها دیده می‌شود. آزادی دو گروگان

انگلیسی و امریکایی که حامل نامه‌ای از جانب سازمانی بنام "جهاد اسلامی" به دبیر کل سازمان ملل بودند از جمله این نشانه‌ها بود. همانوقت دکوتیار محتوای نامه جهاد اسلامی را مهم و قابل توجه خواند و گفت: استنباط من از پیغام سازمان جهاد اسلامی این است که آنها هلا تمندند در یک مبادله بزرگ میان گروگانهای خود و زندانیان شیعه در اسرائیل، مشارکت کنند.

دکوتیار پس از دریافت این پیام تلاشهای میانجیگرانه‌ای را در ارتباط با بحران گروگانها آغاز کرد. یکی از اهداف سفر وی به تهران را همین موضوع تشکیل می‌داد. رژیم اسرائیل همزمان با سفر دکوتیار به تهران ۵۱ زندانی لبنانی را آزاد کرد و اجساد ۹ چریک مسلمان را به صلیب سرخ جهانی تحویل داد و اعلام داشت با اینکار می‌خواهد به تلاشهای دبیر کل سازمان ملل برای حل مسئله گروگانهای قربانی کمک کند.

مسئله افغانستان و بررسی طرح ۵ ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل برای حل سیاسی بحران افغانستان نیز از جمله اهداف دیدار پرز دکوتیار از تهران بود. قرار است این موضوع همین روزها در نشست مشترکی در تهران با شرکت فلام اسحق خان و هاشمی رفسنجانی روسای جمهور پاکستان و ایران به همراه پرز دکوتیار مورد بررسی قرار گیرد. جمهوری اسلامی موافقت خود را با طرح دبیر کل برای حل بحران افغانستان اعلام کرده است. دولت دکتر نجیب‌الله نیز از هنگام انتشار طرح ۵ ماده‌ای سازمان ملل از آن جانبداری کرده است. اساس طرح ۵ ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل در مورد افغانستان برگزاری انتخابات در

سراسر آن کشور برای تعیین دولت آینده آن است. در این طرح پیش بینی می‌شود تا هنگام برگزاری انتخابات یک دولت موقت زمام امور را در افغانستان بر عهده گیرد.

در حال حاضر مسئله گری در دستیابی به راه حلی برای بحران افغانستان موضع پاکستان است که با حمایت از دستجات افراطی در صفوف مجاهدین افغان همچون گروههای وابسته به حکمتیار، یونس خالص و سیاف سد راه هر گونه راه حل سیاسی است. در این حمایت از گروههای افراطی شورشیان افغان حکام عربستان سعودی و محافظی از هیات حاکمه امریکا نیز دست دارند اما پاکستان نقش کلیدی را عهده دار است. اگر موضع دولت پاکستان نسبت به افغانستان قدری تغییر یابد و این کشور از نقشه‌های آشکارا توسعه طلبانه اش نسبت به افغانستان دست بردار دیا توجه به مواضع جمهوری اسلامی و بخش بزرگی از مجاهدین افغان که تمایل خود را به راه حل سیاسی و برگزاری انتخابات نشان داده‌اند و مجموعه اوضاع منطقه و جهان، می‌توان به برداشته شدن گام‌های عملی در جهت حل بحران افغانستان امیدوار بود.

با آنکه نشانه‌های جدی و محسوس از تغییر در مواضع دولت پاکستان هنوز قابل مشاهده نیست، اما همراهی اخیر دولت پاکستان با جمهوری اسلامی و تشکیل دو کنفرانس طی یکماه اخیر در اسلام آباد و تهران پیرامون مسئله افغانستان و با شرکت پاکستان و جمهوری اسلامی و بخش قابل ملاحظه‌ای از مجاهدین افغانی و نیز سفر اخیر فلام اسحق خان به تهران و شرکت وی در بررسی طرح صلح سازمان ملل به همراه رفسنجانی و پرز دکوتیار مواردی است که باید از آن‌ها بعنوان گام‌های مثبت از طرف دولت پاکستان یاد کرد.

شواهد بسیار نشانگر قتل بختیار از سوی جمهوری اسلامی

شبکه‌های گسترده تروریستی جمهوری اسلامی در ترکیه و سوئیس، سازمانده اعمال تروریستی این رژیم در خارج از کشور هستند.

پیگیری پرونده قتل دکتر شاپور بختیار، با صراحتی بیش از انتظار دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در این قتل را آشکار ساخته و گوشه‌هایی از فعالیت‌های شبکه‌های تروریستی آنرا در ترکیه و کشورهای اروپایی هیان کرده است.

به دنبال دستگیری "علی وکیلی راد" یکی از متهمین به قتل شاپور بختیار و سروروش کتیبه، سرخ‌های تازه‌ای برای پیگیری این جنایت وحشیانه در اختیار پلیس فرانسه قرار گرفت. علی وکیلی راد روز چهارشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد) در ساحل دریاچه لمان در سوئیس دستگیر شد و روز ۲۷ اوت تحویل پلیس فرانسه داده شد. علی وکیلی راد ضمن اظهارات خود در برابر "بروکیو" بازپرس فرانسوی پرونده به شرکت در قتل اعتراف کرد.

از سوی دیگر، پلیس ترکیه بر اساس اطلاعاتی که پلیس فرانسه در اختیار آن قرار داد، ۱۱ تن را دستگیر کرد که ۳ تن از آنها ایرانی هستند. گفته می‌شود یکی از این افراد که عضو مخفی سازمانهای امنیتی جمهوری اسلامی است اعتراف کرده است که دستور قتل بختیار مستقیماً از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صادر شده است. مقامات رسمی هنوز ارتباط مستقیم دستگیریهایی ترکیه با قتل بختیار را صریحاً مورد تایید قرار نداده‌اند. دستگیری این ۱۱ نفر در ترکیه ظاهراً در ارتباط با جعل پاسپورت صورت گرفته است. پاسپورتهای ترکیه‌ای که در هنگام عبور به فرانسه در اختیار وکیلی راد و محمد آزادی قرار گرفت از سوی همین عده صادر شده بود. سفر "بروکیو" بازپرس پرونده قتل بختیار به ترکیه این گمان را که دستگیری افراد نوق در ارتباط مستقیم با قتل

بختیار است، تایید می‌کند، گفته می‌شود که بدنبال این دستگیری‌ها ۳ تن از رابطین ترور بختیار از ترکیه به ایران گریخته‌اند. بر اساس مجموعه اطلاعات به دست آمده، وجود یک شبکه تروریستی گسترده جمهوری اسلامی در ترکیه قطعی به نظر می‌رسد. این اطلاعات حاکی از آن است که یک شبکه پشتیبانی تروریستی در خاک سوئیس نیز فعالانه اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور را پشتیبانی می‌کند. بسیاری از آگاهان، سفارتخانه جمهوری اسلامی در سوئیس و سفیر جمهوری اسلامی در این کشور را مرکز این شبکه تروریستی می‌دانند.

در حالیکه تلاشهای پلیس بین‌المللی برای دستگیری "محمد آزادی" متهم دیگر قتل که گفته می‌شود عضو سپاه پاسداران و رهبر عملیات بوده است و هم چنین فریدون بویر احمدی عضو نفوذی رژیم در نهضت مقاومت ملی به جایی نرسیده است، گفته می‌شود که محمد آزادی از طریق آلمان به ایران گریخته است. روزنامه‌های فرانسوی با قطعیت بیشتری دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در قتل شاپور بختیار و سروروش کتیبه را مطرح می‌کنند.

روزنامه "نیگارو" چاپ پاریس روز سوم سپتامبر با استناد به منابع بسیار موثق پلیس فرانسه خبر داد که نتیجه تحقیقات به جایی رسیده که "ژان لویی بروکیو" بازپرس پرونده، به زودی دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در این جنایت را تایید خواهد کرد. این روزنامه نوشت که احتمالاً قرار تعقیب بین‌المللی سران رژیم از سوی بازپرس فرانسوی پرونده صادر خواهد شد. روزنامه لوپوئن نیز نوشت که: "در قتل بختیار، تمام ردپاها به تهران منتهی می‌شود و حتی هویت سازمانی که از طرف پلیس مخفی ایران، مأمور قتل دکتر بختیار بوده است، شناسایی شده است." همزمان با آشکار شدن دلایل قتل قابل انکار دخالت جمهوری

اسلامی در قتل شاپور بختیار، سازماندهی آن، مسئله رابطه کشورهای غربی با جمهوری اسلامی بار دیگر به موضوع بحث محافل مختلف کشورهای اروپایی تبدیل شده است و دولت‌های غربی برای محدود ساختن روابط خود با رژیم تروریست و آدم کش جمهوری اسلامی تحت فشار قرار گرفته‌اند. هفته گذشته کاخ الیزه در پاسخ به پرسش‌های مکرر خبرنگاران پیرامون سرنوشت سفر میتران به تهران اعلام کرد که هر چند اصل پذیرش دعوت به جای خود باقی است، ولی هیچ تاریخی برای انجام این دیدار تعیین نشده است. قبل از آن، تاریخ این سفر روز ۱۱ اکتبر اعلام شده بود و هاشمی رفسنجانی نیز این تاریخ را مورد تایید قرار داده بود. منابع دولت فرانسه هم چنین اعلام کردند که سفر هیات فرانسوی مأمور تهیه تدارکات این دیدار نیز تا تاریخ نامعلومی به تعویق افتاده است.

دستگیری پیش بینی نشده محمد وکیلی راد و اطلاعاتی که بدنبال آن به دست آمد، نقش جمهوری اسلامی در وقوع این جنایت هولناک را روشن ساخت و در ارتباط با آن پرده از فعالیت‌های گسترده تروریستی آن برداشت. ما وظیفه خود و همه مدافعین حقیقت می‌دانیم که با استفاده از همه امکانات خود دولتهای غربی را برای روشن شدن کامل حقایق این جنایت و سایر فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی تحت فشار قرار دهند و نگذارند که مصالح و منافع سیاسی این دولتها برای برقراری روابط پر سود با جمهوری اسلامی پرونده این قتل را نیز مانند بسیاری از ترورهای پیشین به باگانی بسپارد. باید از مقامات کشورهای غربی خواست که تنها به این نیز بسنده نکنند و اکنون که سر نخ‌هایی از وجود و فعالیت شبکه‌های گسترده تروریستی جمهوری اسلامی، از جمله در ترکیه و سوئیس، به دست آمده است، به متلاشی ساختن کامل این شبکه که سازماندهی اصلی سیاست تروریسم جمهوری اسلامی هستند، اقدام کنند.

زنان حزب الهی دفتر مجله گردون را اشغال کردند

مهاجمین توسط سازمان تبلیغات اسلامی سازماندهی شدند

بقیه از صفحه اول

از مردم دارای فرهنگ ۱۴۰۰ سال پیش هستند. زنان سازماندهی شده توسط سازمان تبلیغات اسلامی پس از این اقدام، در محل دادستانی تهران حضور یافتند و در آنجا شکایتی علیه عباس معرونی طرح کردند. آنها مجله گردون را متعم به "درج مطالب اهانت آمیز نسبت به زن مسلمان و مقدسات اسلامی" کردند. تهاجم تشریون علیه جامعه هنری کشور با حمله وزارت ارشاد نیز همراه شده است. وزارت ارشاد در واکنش اطلاعاتی صادر کرد ولی آن اعلام داشت شکایت علیه نویسندگان و مطبوعات باید

مطابق قانون توسط هیات نظارت بر مطبوعات و هیات منصفه بررسی و تصمیم گیری شود. در این اطلاعیه برخی از اتهامات وارده به مجله گردون مردود شناخته شد. در مقابل وزارت ارشاد و در حمایت از این بلوا، یزدی رئیس توه قضائیه طی حمله‌ای شدیدالحن و هتاکانه علیه هنرمندان اعلام داشت شکایت علیه مدیر مجله گردون در دادگاه انقلاب مطرح خواهد شد. وی مدعی شد که مضمون مطالب منتشره در مجله گردون تنها یک تخلف مطبوعاتی نیست، اهانت به شئون اسلامی است که دادگاه انقلاب عهده‌دار رسیدگی به آن است. در دامن زدن به این جنجال؛ جنتی امام جمعه موقت قم و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی جامعه هنری کشور را مورد تهدید قرار داد و خواستار محدودیت‌های تازه و بیشتر و برای نشر کتب و مطبوعات گردید. جامعه مدرسین قم ا برخی دیگر از ارگانهای تشریور حکومتی با صدور اعلامیه‌های خواستار تحمیلات بیشتر علیه هنرمندان گردیدند. عباس معرونی از نویسندگان سرشناس کشور است که رها مشهور و پرفروش سمفونی بقیه در صفحه ۴

از رویدادهای ایران

گسترش دامنه درگیریهایی مسلحانه در بلوچستان

منطقه، در فرمانداری زاهدان نشستی برگزار گردید که عده‌ای از سران طایفه شهبخش و از جمله کریم شهبخش در آن شرکت داده شدند. سخنرانان این نشست اذعان داشتند که درگیری بخش وسیعی از استان بلوچستان را فرا گرفته است.

با گسترش بیشتر درگیری میان واحدهای نیروهای انتظامی و گروههای مسلح بلوچ، روزنامه‌های تهران برخی از خبرهای مربوط به تداوم این درگیریها را درج کردند. این بار برخلاف روال پیشین، گروههای مسلح بلوچ دسته‌های قاچاقچی نامیده نشدند. به منظور بررسی وضعیت

باعقب نشینی مجلس، اصلاح قانون انتخابات مسکوت ماند

مجلس موافقت کرده است که طرح جنجالی و تصویب شده اصلاح قانون انتخابات به مدت ۳ ماه مسکوت گذاشته شود. این طرح که از سوی جناح تندرو تنظیم و در مجلس به تصویب رسیده بود با توتوی شورای نگهبان مواجه گردید و به مجلس بازگردانده شد. این طرح که اساساً به منظور کاهش نقش شورای نگهبان در انتخابات آتی مجلس تهیه شده بود باعث افزایش بیسابقه تنش در مناسبات جناحهای حکومتی گردید. سخنگویان ائتلاف حاکم در مقابله با این طرح تهدید کرده بودند که به هیچ رو این مصوبه را نخواهند پذیرفت حتی اگر این امر به انحلال مجلس بیانجامد. اکنون با تمکین مجلس به پذیرش تعلیق ۳ ماهه بررسی دوباره این طرح، ائتلاف حاکم و بویژه جناح رسالت به پیروزی بزرگی دست یافته است. با این عقب نشینی جناح تندرو، این طرح در صورت تصویب هم دیگر نمی‌تواند ناظر بر انتخابات دوره آتی مجلس گردد.

تعرض ائتلاف حکومتی علیه جناح تندرو در هفته‌های اخیر شدت بیشتری گرفته است. اکنون حتی از تریبون مجلس نیز بیشتر نمایندگان پشتیبان دولت استفاده می‌کنند و جناح تندرو را می‌کوبند. با این تعرض، جناح تندرو چنان متشنج شده است که نتوانست بر سر اصلاح قانون انتخابات ایستادگی کند، قانونی که اصلاح آن برای بقای این جناح اهمیت حیاتی داشت. برخی از فعالین جناح تندرو اکنون حتی از

بیانیه موسوی اردبیلی علیه رسالت

سخنان موسوی اردبیلی در مراسم نماز جمعه تهران و تحریف آن توسط روزنامه رسالت باعث بروز جنجال تازه‌ای شده است. اردبیلی در نماز جمعه، ایران را از جمله کشورهای وابسته‌ای نامید که در آتش مشکلات اقتصادی می‌سوزند. وی هم چنین به شدت به سیاست تامین ارز از طریق اهرام کارگر به ژاپن حمله کرد. با سانسور سخنان اردبیلی توسط روزنامه رسالت، وی بیانیه شدیداللحنی علیه این روزنامه و گردانندگان آن صادر کرد. موسوی اردبیلی که از سرکردگان جناح تندرو است، اختلاف دیرینه‌ای با آذری قمی و جناح رسالت دارد. برکناری وی از ریاست قوه قضائیه که با فشار جناح رسالت صورت گرفت به این اختلاف دامن زده است.

با تضییقات ارتجاعی رژیم

در یاقربانی بیشتری می‌گیرد

در دو ماهه نخست تابستان تنها در منطقه ساحلی نوشهر ۱۵ تن که خارج از محدوده "طرح سالم سازی دریا" شنا می‌کردند، در آب فرود شدند و جان خود را از دست دادند. با این رقم می‌توان دریافت که در سرتاسر کناره دریای خزر چه تعداد زیادی در دریا فرود شده‌اند. آنها قربانیان تضییقات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی هستند که شنا را در بیرون از منطقه کنترل شده ممنوع ساخته و در محدوده تحت کنترل نیز با عذاب و دشواری همراه کرده است. به نوشته روزنامه هانیمی از مسافران شمال از حضور در مناطق تحت کنترل خودداری می‌کنند مردم با آگاهی به اینکه تنها در مناطق کنترل شده مأمورین نجات فریق مستقر هستند شنا در بیرون از این مناطق منع و مجازات قانونی دارد، حاضر به حضور در آنجا نمی‌شوند. زیرا در آنجا باید رفتار موهن مأمورین و حزب‌الهی‌ها را تحمل کنند و اعضای هر خانواده جدا از هم و دور از یکدیگر تن به آب بزنند.

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

بورس بازی، هر صه فار تگری سرمایه های سرگردان

بورس اتومبیل

بهر روز خلیق

مرزیک میلیون تومان نمونه‌ای از این مقوله است. در مورد اتومبیل‌های خارجی این مسئله با شدت بیشتری مطرح است. هر اتومبیل مدل بالای خارجی در شرایط فعلی میلیونها تومان سرمایه است. عده‌ای از صاحبان سرمایه ترجیح میدهند به جای فرضا ۵۰ اتومبیل داخل نقدینگی خود را به کمتر از ۱۰ اتومبیل تبدیل کنند تا در دسر تهیه جا و مشکلات نگهداری و فروش ۵ اتومبیل را نداشته باشند از افزایش نرخ اتومبیل‌های خارجی که بسیار بیشتر از اتومبیل‌های داخل است سود بیشتری ببرند.

در هر نمایشگاه ماشین‌های خارجی، حجم عظیمی از سرمایه کشور انباشته شده است. اگر به میزان نمایشگاه‌های اتومبیل در تهران و به عده دلایلهای اتومبیل توجه کنیم معلوم خواهد شد که دهها میلیارد تومان از سرمایه‌های کشور بجای اینکه چرخ تولید را به حرکت در آورند در چرخ واسطه‌گری و دلالی اتومبیل قرار گرفته و در پشت ویترین نمایشگاه‌ها حبس شده‌اند. بورس اتومبیل‌های خارجی با ایجاد تسهیلات جدید دولت برای ورود آنها بکشور، تشدید شده است. مزین شدن صفحات برخی از روزنامه‌ها به آگهی انواع اتومبیل‌های گرانبهای غربی و ژاپنی حاکی از این مسئله است.

بورس بازی هلاوه بر تاثیرات مخربی که بر اقتصاد کشور گذاشته است، تشدید شکاف طبقاتی، تمرکز سرمایه‌های عظیم در دست عده‌ای محدود و محروم تر شدن اقشار وسیعی از جامعه تاثیر داشته است. در دلدل‌های مردم این مسئله را نشان میدهد. کارمندی در مصاحبه با خبرنگار کیهان می‌گوید: "... کسی که ماشین زیرپایش ده پانزده میلیون تومان باشد حتماً خانه‌اش صدها میلیون تومان است و بقیه املاک و اموال و وسایل مورد استفاده‌اش هم به این صورت. " او اضافه می‌کند: "... من بعد از ۱۸ سال سابقه خدمتی دولتی در حد یک پیکان قراضه مدل پائین هستم. اگر من هم حقوقم را پس انداز کنم و هیچ نخورم و خرج نکنم بعد از ۱۰۰ سال میتوانم یکی از این اتومبیل‌ها را بخرم. بالنتیجه اگر نوه‌ها و نتیجه‌های من هم همین شغل شریف کارمندی را داشته باشند حتی آنها هم قادر نخواهند بود یکی از این مرکب‌های راهوار آهنین را ابداع کنند. "

بورس بازان بشدت رعایت میشود. یکی از صاحبان نمایشگاه به خبرنگار کیهان می‌گوید: "... این کاغذ و قلم را مخفی کنید و بعنوان خریدار وارد میدان بورس بازی بشوید. اگر این کار را بکنید به خیلی چیزها پی‌می‌برید مثلاً می‌فهمید که توی یکسری از نمایشگاه‌های هفتده شهر یور، تک و توک یک رنو گذاشته‌اند. بعد از اینکه چند روز به محل رفتید و فضا دستان آمد می‌توانید به صاحب نمایشگاه بگوئید که " رنویتان " را خریدارم هر چند تا که می‌خواهد باشد. وقتی طرف این را شنید گل از گلش باز می‌شود و بیست تار توی دیگر که معلوم نیست کجا قایم کرده است بشما می‌فروشد. اما ابتدا باید اعتمادش را جلب کنید. مهم‌ترین کار برای جلب اعتماد اینست که پولهای کلان‌تان را نشان بدهید و گرنه "... همکار او می‌گوید: " یکروز صبح زود بروید در برابر کارخانه فلان بایستید و ببینید چه خبر است؟ آقایان دلالهای محترم بورس بازی را می‌بینید که پاشنه در کارخانه را از جا در آورده‌اند، هر کدماشان حواله‌هایی بالاتر از ۱۰ دستگاه و ۳۰ و ۴۰ دستگاه دارند. قبلاً حواله با واریز ارز خارجی به کارخانه مربوطه به نام آنها صادر شده است. "

بورس اتومبیل‌های خارجی نیز در این سالها بشدت رونق داشته است. نمایشگاه‌های متعددی در تهران اتومبیل‌های لوکس خارجی را به نمایش می‌گذارند. نرخ اتومبیل‌های خارجی از ۵ میلیون تومان بیلااست. در مواردی حتی قیمت آنها به ۴۰ میلیون تومان هم میرسد. این گونه اتومبیل‌ها به هلت قیمت بالای آن‌ها، تبدیل به نوهی کالای سرمایه‌ای شده‌اند. تبدیل پول نقد به طلا، ارز، زمین، خانه و اتومبیل در سالهای گذشته با افزایش تورم و کاهش ارزش ریال رواج بسیاری یافته است. صاحبان سرمایه باین امر واقفند که در صورت نگهداری پول در بانکها بعلت بیشتر بودن شتاب افزایش نرخ تورم نسبت به بهره‌ای که بانکها در مقابل سپرده می‌پردازند، در نهایت سودی نخواهند کرد بلکه متحمل زیان هم خواهند شد. لذا آنها تمایل زیادی به تبدیل پول به یکی از کالاهای جانشین نشان میدهند. در این میان اتومبیل طی سالهای گذشته یکی از کالاهایی بوده است که نرخ آن جهش‌های بسیار داشته است. افزایش قیمت اتومبیل پیکان به

یکی دیگر از هر صه‌هایی که برای سرمایه‌های سرگردان جاذبه دارد، بورس اتومبیل است که در طی دهه ۶۰ از رونق بالایی برخوردار بود. اتومبیل در دست صاحبان سرمایه‌های سرگردان از حالت وسیله نقلیه بیرون آمده و بوسیله بورس بازی و سودجویی بی حد و حصر تبدیل شده است. در این دهه سرمایه‌های کلانی در بورس اتومبیل انباشته شد و نمایشگاه‌ها و معامله‌گران اتومبیل قارچ وار از زمین روئیدند. بنابر آمار رسمی که در سال ۶۷ اعلام شد فقط در تهران ۱۳۰۰ نمایشگاه اتومبیل وجود دارند که حدود ۵۰۰ واحد آن دارای جواز رسمی فروش اتومبیل هستند و تعداد کثیری جواز رسمی ندارند. علاوه بر نمایشگاه‌ها، معامله‌گران بی‌نام و کسان زیادی وجود دارند که پشت بازار رسمی اتومبیل پنهان هستند. برخی از آنها با اتکا به یک خط تلفن مشغول خرید و فروش اتومبیل هستند. در بین این معامله‌گران کسانی هم هستند که اصرار چندان بر دایر کردن نمایشگاه اتومبیل ندارند زیرا معاملات صفر کیلومتر اتومبیل داخل را روی حواله‌های نقدی انجام می‌دهند و آیین حواله‌هاست که بجای اتومبیل در دست دلالان بورس بازی می‌چرخد.

بورس بازی موجب افزایش سرسام آور قیمت اتومبیل‌ها شده است. بگونه‌ای که نرخ اتومبیل‌های مونتاژ داخل به رقم یک میلیون تومان رسیده است. در مقاطعی افزایش نرخ اتومبیل در طی چند هفته بطور غیرمنتظر شدیدا افزایش یافت. در نیمه دوم سال ۱۳۶۶ طی چند هفته به یک باره قیمت اتومبیل پیکان ۷۵ درصد افزایش یافت و از رقم حدود ۴۰۰ هزار تومان به مرز هفتصد هزار تومان نزدیک شد. در حالیکه در میزان تولید پیکان، قیمت رسمی و میزان تقاضا تغییری بوجود نیامده بود. در افزایش سرسام آور و یکباره نرخ پیکان صاحبان نمایشگاه‌ها، دلالها و واسطه‌ها نقش تعیین کننده داشتند. آنها بطور حساب شده قیمت اتومبیل‌ها را بالا بردند تا به سودهای کلان دست یابند.

بالا بردن ناگهانی و یکباره نرخ پیکان در آزمان موجب عکس العمل دولت موسوی شد و تعدادی از نمایشگاه‌های فاقد جواز کسب تعطیل شد. این اقدام تاثیر جزئی و موقتی در کاهش نرخ پیکان داشت و بعد از این جریان بار دیگر قیمت اتومبیل پیکان بر روند صعودی خود ادامه داد. صاحبان نمایشگاه‌ها و دلالان اتومبیل با توسل به شگردهای مختلف حواله اتومبیل‌ها را از کارخانجات کشور می‌گیرند و بجای ارائه اتومبیل‌ها به مشتریان در پارکینگ‌ها و گاراژهایی که دور از چشم مردم قرار دارند پنهان می‌کنند تا بموقع با قیمت‌های کلان بفروش برسانند. مخفی‌کاری در مورد چندو چون بورس بازی از جانب

آینده خویش نیز نگرانند. از جمله آنها بولحسن حاضر یزاده است. کلیشه‌ای را که مشاهده می‌کنید بخشی از سخنان اخیر وی در مجلس است. سخنانی که بازتاب دهنده هراس وی از فردای خویش است. او می‌داند که رژیم برای امثال او چه پرونده‌هایی ساخته است.

مشمولان گریخته از جنگ همچنان تحت پیگردند

مشمولانی که در سالهای جنگ از خدمت سربازی سرباز زند همچنان تحت پیگرد قرار دارند، شایعه منتشره پیرامون عنوان دسته از مشمولان، توسط معاون اداره وظیفه عمومی تکذیب شد. وی مشمولان فراری را متخلفین نامید که به وظایف شرفی خویش عمل نکرده‌اند لذا نباید با کسب معافیت پاداش بگیرند. وی در ادامه افزود البته عمو کسانی که قادر به پرداخت یک میلیون تومان باشند همچنان دارای اعتبار است و جریان دارد.

خبرهای کوتاه :

- هوای شهرهای جنوبی و غربی کشور در اثر دودهای حاصله از اشتعال چاههای نفت کویت هنوز با شدت اولیه آلوده است. به همین خاطر اخیراً آسمان بندر گنده یکبار دیگر به طور کامل از دود پوشانده شد بطوریکه همه منطقه در تاریکی فرو رفت.
- به گفته وزیر بهداشت و درمان نرخ ۵۰ قلم دارو تا میزان سی درصد افزایش خواهد یافت. در تهران بر بجای ماست نیز ۷۰ درصد افزوده گردیده است.
- به گفته نماینده هشترود در مجلس، خوانین این منطقه را بیارایا به زندان و شلاق و پرداخت خسارت محکوم می‌کنند. این خوانین با بهره‌گیری از قوانین قضایی رژیم جمهوری اسلامی، دهقانان را از زمین‌هایی که پس از انقلاب تصاحب کردند، بیرون می‌کنند. به گفته این نماینده در نتیجه این قبیل اقدامات منطقه، هشتروادکثون ملتعب و شدیداً نا آرام است.
- یکی از سربازان وظیفه‌ای که مأمور حفاظت یکی از تاسیسات بنیاد مستضعفان در خیابان مطهری تهران شده بود، طی یک درگیری مسلحانه چهار محافظ و یک سرباز را محل را به قتل رساند. بدنبال بسیج گسترده مأمورین انتظامی، این سرباز به فاصله کوتاهی دستگیر گردید.
- مجلس با اصلاح قانون گذرنامه تصویب کرد خروج انفرادی افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است و از این پس برای آنان گذرنامه صادر نخواهد شد.

دفتر مجله گردون

بته از صفحه ۳
مردگان از جمله نوشته‌های اوست. وی به منظور حرکت مستقل فرهنگی، سال گذشته ماهنامه گردون را پایه‌گذاری کرد که اکنون باتهاجم تشریون

فعالیت آن مختل گردیده است. کشاندن عباس معروفی به دادگاه انقلاب تعرض سنگینی علیه هنرمندان و تهدید خطر ناکی علیه فرهنگ کشور محسوب می‌شود. ذره‌ای پایبندی به بدیهیات فعالیت فرهنگی و حتی ضوابط پذیرفته شده از سوی رژیم تفسیرهای خودسرانه فقیهان است.

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از یکشنبه ۲۷ مرداد (۱۸ آگوست) تا یکشنبه ۳ شهریور (۲۵ آگوست) برگزار شد. با گشایش کنگره دوم تصمیم کنگره نخست سازمان دایر بر برگزاری دومین کنگره، حداکثر تا یک سال پس از آن، تحقق می‌یافت. کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به گرامیداشت یاد فدائیان شهید و شهدای راه آزادی و عدالت توسط مسئول هماهنگی شورای مرکزی افتتاح شد. سپس ۵ تن از سالمندترین نمایندگان به عنوان هیات رئیسه سنی اجلاس معرفی شده و اداره اجلاس را تا انتخاب هیات رئیسه کنگره به عهده گرفتند.

از این پس، برابر پیش‌بینی طرح آئین‌نامه اجلاس‌های کنگره، ابتدا مسئول ستاد برگزاری کنگره گزارش انتخابات واحدها و وضع اعتبار نامه نمایندگان را به سمع حاضران رساند. گزارش حاوی نام و تعداد نمایندگان منتخب هر واحد و سایر کسانی که طبق مصوبه کنگره نخست حق شرکت در کنگره را داشتند، شرح اعتراض صورت گرفته به انتخابات یک واحد و تعداد و نام نمایندگان حاضر در اجلاس بود.

با ختم گزارش مذکور و نظریه تأمین حدنصاب لازم از اعتبار نامه‌های تصویب شده برای رسمیت یافتن کنگره، هیات رئیسه سنی رسمیت اجلاس را اعلام کرد. سپس کنگره وارد انتخابات هیات رئیسه شد و تن از صاحبان بیشترین آراء از میان داوطلبان عضویت در هیات رئیسه، برگزیده شدند. به این ترتیب هیات رئیسه سنی پایان یافت و هیات رئیسه منتخب کار اداره اجلاس و پیشبرد دستور رابه عهده گرفت.

پیش از ورود به دستور کار، اجلاس می‌بایست به بعضی امور ابتدائی رسیدگی می‌کرد. این مقدمات شامل رسیدگی به مساله حق رای مدهوین، پذیرش یا عدم پذیرش رای وکالتی، تصویب طرح آئین‌نامه اجلاس، تعیین و تصویب دستور کار و انتخاب کمیسیون‌های ضروری می‌شد.

حق رای مدهوین: شورای مرکزی وقت عده‌ای از اعضای سازمان را به کنگره دعوت کرده و تصمیم‌گیری در مورد حق رای آنان را به کنگره سپرده بود. هیات رئیسه کنگره ابتداء همین مساله را به بحث و تصمیم‌گیری گذاشت. مسئول هماهنگی شورا در این باره گزارش داد: نظر به کیفیت توزیع جغرافیایی نیروهای سازمان، بنحوی که حصول نمایندگی جامع سازمان صرفاً از طریق انتخابات ممکن نمی‌شد، شورا تصمیم گرفته بود که عده‌ای از اعضا را با در نظر داشت تأثیر حضورشان در کنگره و زحماتشان، به کنگره دعوت کند. پیشتر در طرح آئین‌نامه اجلاس‌های منطقی‌ترین نمایندگان کنگره حق پیشنهاد دعوت از افراد به این اجلاس‌ها سپرده شده بود و شورایی بایست به این پیشنهادها رسیدگی کند. اما عدم برگزاری این اجلاس‌ها منجر به اقدام مستقیم شورا شده بود. شورا از میان لیست نمایندگان کنگره اول، تعدادی پیشنهاد تشکیل داد و یک لیست مکمل، عده‌ای معادل ۲۵ درصد نمایندگان کنگره دوم را از طریق رای مخفی انتخاب

کرده بود. سپس در جریان ابلاغ دعوت‌ها، بر اثر پیشنهادهای جدید و اعتراضات، تعداد مدهوین به ۳۵ درصد رقم مذکور افزایش یافته بود. پس از گزارش مسئول هماهنگی و پاسخگویی به سوالات نمایندگان، اجلاس به اظهار نظر پیرامون این اقدام شورا پرداختند. تقریباً به اتفاق سخنرانان اصل اقدام شورا را

که هدف گسترش دادن کم و کیف کنگره را تعقیب می‌کرده است تأیید کردند. اما به روش متخذه انتقاد داشتند. عده‌ای از آنان این روش را نوعی ارزش‌گذاری ناروا بر اعضا سازمان می‌دانستند و عده دیگری بر لزوم دعوت از شمار وسیعتری، از جمله تمامی اعضای کمیته مرکزی پیشین و اعضای گروه‌های کار داشتند.

بدنبال اظهار نظر نمایندگان و توضیح بعضی از اعضا شورا، چند قرار ارائه و پس از بحث موافق و مخالف به رای گذاشته شدند. قرار زیر با اکثریت ۷۱ درصد از تصویب کنگره گذشت:

«کنگره با حق رای قطعی رفقایی که با پیشنهاد رای از سوی شورای مرکزی به اجلاس دعوت شده‌اند موافق است.» نقاط مشترک سایر پیشنهادهای، توافق با حق رای مدهوین و لزوم پیش‌بینی روش‌های مناسب برای دوره‌های آتی بود.

به این ترتیب مدهوین نیز از این پس با حق رای در جریان مباحث و تصمیم‌گیری‌های کنگره شرکت جستند. درصد گروه‌های مختلف نمایندگان حاضر در اجلاس با احتساب مدهوین به شرح زیر بود:

نمایندگان منتخب ۶۹ درصد
اعضای شورا ۷ درصد
افراد واجد شرایطی که در یکساله اخیر از ایران خارج شده بودند ۳ درصد
کسانی که در ماموریت‌های حزبی بودند ۳ درصد

مدهوین ۱۸ درصد
رای وکالتی: عدم حضور تعداد از نمایندگان در اجلاس به دلیل غیر قابل‌پرهیز، کنگره را با مساله پذیرش یا عدم پذیرش اعتبار وکالتی مواجه کرد. در مراحل تدارک کنگره شورای مرکزی تفویض حق رای نماینده دیگر را نپذیرفته بود. از این رو در اجلاس کسی با رای وکالتی حضور نداشت. پیرامون این مساله نیز چند قرار - پارهای موافق اعتبار حق رای وکالتی و پارهای مخالف - به اجلاس پیشنهاد شدند. پس از سخنان موافق و مخالف، قرارها به رای گذاشته شدند و قرار زیر با ۵۲٪ آراء تصویب شد:

«آنکون که در کنگره هستیم و امکان گرفتن رای وکالتی بسیار محدود است و در صورت اجرا نیز تأثیر چندانی دل روند کنگره نخواهد داشت، رای وکالتی حذف شود.»
سایر قرارهایی که به نحوی از انحاء سمت پذیرش حق رای

وکالتی را داشتند، ضوابط مختلفی را در این باره پیشنهاد می‌کردند. * تصویب طرح آئین‌نامه اجلاس‌های کنگره: این طرح که بر مبنای طرح آئین‌نامه ارائه شده به کنگره نخست، پیشنهادهای مطرحه حول آن و تجربیات دیگری تدوین شده بود بیشتر در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود و در نشریه کار شماره ۱۱ نیز درج شده بود.

در اجلاس، ابتدا کلیات طرح به رای گذاشته شد که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان به آن رای مثبت دادند. منظور تسریع در... کار، اجلاس تأیید کرد که پیشنهادها حول جزئیات طرح توسط کمیسیونی جمع‌آوری شده و بعداً مورد رسیدگی قرار گیرد. پس اجلاس با اتکاب کلیات آئین‌نامه به کار خود ادامه داد. در زمان دیگری که تصویب آئین‌نامه در دستور قرار گرفت، کمیسیون مربوطه سخنوی داد و پیشنهادهای پذیرفته ورد شده را قرائت کرد. پس از آن آئین‌نامه به رای گذاشته شد که به اتفاق آراء تصویب رسید.

پس از تصویب کلیات آئین‌نامه کنگره به تعیین و تصویب دستور کار خود پرداخت. شورای مرکزی دستوری را برای اجلاس‌های کنگره به قرار زیر پیشنهاد کرده بود:

۱- مقدمات کنگره مطابق طرح آئین‌نامه کنگره
۲- بررسی و اظهار نظر پیرامون گزارش شورا و گروه‌های کار
۳- پیرامون هويت
۴- برنامه، خط‌مشی سیاسی
۵- کار پایه تشکیلاتی
۶- دستور قطعنامه‌ها
۷- دستگاه رهبری و اختتامیه

علاوه بر این پیشنهادهای دیگری نیز، همواره در همین چارچوب، از جانب نمایندگان در اجلاس مطرح شدند. بعضی از آنها مجموعه فوق‌الذکر را با این یا آن موضوع تکمیل می‌کردند و بعضی دیگر نظر به تغییر و یا حذف موضوعی از صورت موضوعات آن داشتند.

بررسی و اظهار نظر پیرامون گزارش شورا و گروه‌های کار: «خط‌مشی سیاسی»، «دستور قطعنامه‌ها» و «انتخاب دستگاه رهبری» بعنوان موضوعات در دستور کار کنگره اتفاق نظر وجود داشت، اما پیرامون دیگر موارد فوق‌الذکر، بشرح مختصری که در زیر می‌آید، تفاوت نظراتی وجود داشتند:

پیرامون «هویت»: در این باره سه‌گرایش وجود داشت. گرایش نخست بر آن بود که کنگره و بطور کلی هیچگونه ارگان سازمانی نمی‌باید درباره هويت اظهار نظر کند. گرایش دوم بیان فشرده آماج‌ها و آرمان‌های بلندمدت سازمان را در مقدمه سند خط‌مشی سیاسی کافی می‌دانست و گرایش سوم تأکید می‌کرد که این که ما که هستیم و چه می‌خواهیم باید در سندی مستقل

منعکس شود. این گرایش‌ها در دو پیشنهاد متفاوت متجلی شدند: ایجاد یک کمیسیون برای هويت و خط‌مشی سیاسی، و ایجاد دو کمیسیون مجزا هر یک برای یکی از این دو موضوع. دو پیشنهاد به رای گذاشته شدند. هیچیک واجد اکثریت مطلق نبود. در آئین‌نامه آمده است که همه‌موضوعات با اکثریت مطلق حاضران در

اجلاس به تصویب می‌رسند، مگر در مواردی که به جریان کار کنگره یا مواردی مانند اساسنامه و برنامه مربوط است... مواردی که به جریان کار کنگره مربوط است با اکثریت نسبی آراء مصوبه محسوب می‌شوند. آیا ایجاد یک یا دو کمیسیون موردی صرفاً مربوط به جریان کار کنگره است یا چارچوبی مضموناً فراتر از آن دارد. کنگره بر نظر اول قرار گرفت و موضوع «یک یا دو کمیسیون» در دور دیگری از کار اجلاس مجدداً به رای گذاشته شد. پیشنهاد دو کمیسیون ۴۱ درصد و پیشنهاد یک کمیسیون ۳۹ درصد آراء را بخود اختصاص دادند. به این ترتیب هويت نیز بعنوان یک موضوع مستقل در دستور کار کنگره قرار گرفت.

پیرامون برنامه: عده‌ای از نمایندگان پیشنهاد حذف «برنامه اجتماعی اقتصادی» را از دستور کار مطرح کردند. پیرامون این پیشنهاد رای‌گیری شد و پیشنهادها ۶۴ درصد موافق و ۱۲ درصد مخالف به تصویب رسید.

کار پایه تشکیلاتی: در این باره نیز دو نقطه نظر وجود داشت. عده‌ای تدوین و تصویب یک کار پایه تشکیلاتی را بنحوی که مناسبات درون سازمانی را حتی‌الامکان جامع‌تر بیان کند ضروری می‌دانستند و عده‌ای دیگر پیشنهاد می‌کردند که بجای کار پایه تشکیلاتی و وظایف و مناسبات نیروها و تشکیلات سازمان در خارج کشور و چند ترکیبی تشکیلاتی تدوین شوند. از آنجا که این دو نقطه نظر هر دو بر سر تدوین موازین تشکیلاتی توافق داشتند، این پیشنهاد که «تدوین موازین تشکیلاتی در دستور کار کنگره قرار گیرد و صاحبان نظر پیشنهادها ایشان را با کمیسیونی که به این منظور ایجاد می‌شود در میان بگذارند. آنگاه کمیسیون جمع‌بند کارش رابه کنگره ارائه دهد» به اتفاق آراء تصویب شد.

دستور کار به موارد فوق محدود نماند، در تکمیل موضوعات فوق پیشنهاد شد که «هر صدها و اشکال فعالیت در داخل کشور» نیز در دستور قرار گیرد و کمیسیونی نیز در این رابطه تشکیل شود. پیشنهاد به رای گذاشته شد و با اکثریت ۹۶ درصد به تصویب رسید. آراء مخالف ۳ درصد بود. به این ترتیب دستور کار کنگره، سواى مقدمات، به قرار زیر تعیین شد:

۱- بررسی گزارش عملکرد شورا و

گروه‌های کار،
۲- پیرامون هويت
۳- خط‌مشی سیاسی
۴- موازین تشکیلاتی
۵- هر صدها و اشکال فعالیت در داخل کشور
۶- دستگاه رهبری
۷- قطعنامه‌ها

و جز برای موضوع اول، برای هر یک از موضوعات دیگر کمیسیونی تشکیل شد.

برابر تصریح آئین‌نامه «کمیسیون کنگره، گروهی از اعضا داوطلب برای انجام وظایفی است که کنگره در دستور کار آن قرار داده است.» از این رو ترکیب کمیسیون‌ها نه از طریق انتخابات بلکه با شرکت افراد داوطلب کار در آن‌ها، تعیین شد.

پیشنهادهای دیگری نیز برای تکمیل دستور کار مطرح شدند که یا توسط اجلاس پذیرفته نشدند و یا یکی از کمیسیون‌های فوق‌الذکر احاله شدند. اهم این پیشنهادها عبارت بودند از:

- بررسی عملکرد رهبری اسبق، در رای‌گیری ۱۹ درصد نمایندگان به این پیشنهاد رای مثبت دادند.
- بررسی مسائل تشکیلاتی داخل کشور بین سال‌های ۶۲ تا ۷۰
- بررسی مسائل مالی سازمان بین سال‌های ۶۲ تا ۷۰

دو پیشنهاد اخیر توسط هیات رئیسه بعنوان جزئی از «بررسی عملکرد رهبری گذشته» تشخیص داده شدند.
- بررسی جوانب مساله ملی در ایران

پیرامون وظایف عملی رهبری در زمینه‌های وحدت صفوف فدائیان خلق و همگرایی نیروهای چپ
- پیرامون وظایف عملی رهبری در زمینه فعالیت‌های انتشاراتی
- سه پیشنهاد اخیر به کمیسیون قطعنامه‌ها احاله شدند.
در نیمه روز دوم مقدمات کنگره به انجام رسیده بودند و کنگره وارد دستور کار خود می‌شد. از این پس، به استثنای موضوع نخست، سایر موضوعات در نوبت‌های متعددی در اجلاس کنگره به بحث گذاشته شدند. در هر نوبت با بررسی هر موضوع و اخذ تصمیماتی درباره آن، موضوع برای انجام کار بعدی کمیسیون روی آن آماده میشد تا سرانجام به تضاوت نهایی کنگره گذاشته شود. در زیر شرح یکپارچه این بررسی‌ها و تصمیمات پیرامون هر موضوع، بدون ترتیب زمانی آمده است:

بررسی عملکرد شورا و گروه‌های کار: ابتدا بررسی عملکرد شورا در دستور قرار گرفت. گزارش تفصیلی فعالیت شورای مرکزی در دوره یکساله آن در نخستین روز کنگره در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود. مجموعه تصمیمات شورا که در آن‌ها اعضا شورا در باره هر موضوع منعکس شده بود نیز به کنگره ارائه شد. در گزارش مذکور تجربه یکساله کار شورا چنین چکیده شده است:

«شورا محصول دو روند اساسی در وضعیت پیش از کنگره نخست بود: جناح‌بندی و عدم اعتماد به رهبری پیشین. این دو روند تغییر رهبری را امری اجتناب‌ناپذیر کرده بودند. به این اعتبار آلترناتیو دیگری در مقابل کنگره وجود نداشت و انتخاب احتمالی رهبری با ترکیبی که رهبران پیشین سازمان در آن تسلط می‌داشتند می‌توانست به نتایج فوق‌العاده شکننده‌ای منجر شود. در همین حال ترکیب انتخاب شده آلترناتیو اثباتی و نظری - برنامه‌های رهبری پیشین نبود. کنگره با امید شکل‌گیری اندیشه‌ها و بر این بنیان رهبری، هدایت فقط یکسال سازمان را به آن سپرد و صراحتاً فقط یک وظیفه - راز آن خواست: «کنگره دوم»

«شورای مرکزی نه فقط به عنوان آلترناتیو ناگزیر رهبری پیشین، که در چارچوب هم‌وی‌ترین ممکنات نیز تجربه‌ای مثبت رابجای گذاشت که فشرده آن توانایی سازمان برای قلبه بر بحران رهبری، بدون توسل به انقلابیگری از سوی و ملتیدن به محافظه‌کاری از سوی دیگر است. کمبود تجربه، توان و جسارت برای پا گذاشتن به میدان بیرونی فعالیت سیاسی، ضعف‌های اساسی شورا بودند. این ضعف‌ها حمل سیاسی شورا را محدود کرده و شورا را به تحرک در هر صدهای درونی می‌کشاند. وزن نیروی پشتیبان شورا، که آن را آلترناتیو اثباتی - بالفعل و یا بالقوه رهبری پیشین می‌دانست و فعالانه از آن حمایت می‌کرد، در قیاس با دینوری دیگر، که یکی شورا و کل دوره یکساله را حمل حل بحران عدم اعتماد به رهبری پیشین می‌دانست و دیگری ناظر بی‌اعتنای کار بود، اندک بود. این کیفیت، ضعف پیش‌گفته در کار شورا را تکمیل می‌کرد.»

«محاصل این عوامل، یعنی مجموعه عوامل حاکم بر جنبش، پروسه شکل‌گیری شورا، محدودیت حمایت تشکیلات، مجموعه توانایی‌های شورا و ترکیب آن، هلیروم آگاهی و تأکید شورا بر لزوم هدایت سیاسی سازمان، ایفای این نقش را در خطوط استراتژیک میسر نکرد.» کنگره کار خود را در زمینه بررسی عملکرد شورا با پرسش از اعضا شورا پیرامون جهات مختلف فعالیت آن، حول گزارش ارائه شده، آغاز کرد. اعضا شورا هر یک به تناسب به سوالات مطرحه پاسخ گفتند. سپس نمایندگان به اظهار نظر درباره عملکرد یکساله شورا پرداختند. قریب به اتفاق نمایندگان عملکرد شورا را مثبت ارزیابی کردند. قبول مسئولیت در شرایط بسیار دشوار سازمان، برگزاری کنگره تدارک یافته دوم در زمان تعهد شده، توفیق‌های شورا در مناسبات با سایر سازمان‌های سیاسی به عنوان بعضی نقاط قوت کار شورا مورد تأکید سخنرانان قرار گرفتند. در همین حال نمایندگان ضعفها و خطاهای شورا را از نظر دور نداشتند. تمرکز فعالیت درونی و نتیجتاً محدودیت دامنه و تحرک در فعالیت بیرونی شورا، محدودیت مناسبات شورا با تشکیلات، عدم توجه به کار در داخل، عدم نظارت کافی بر کار بعضی گروه‌های کار، پیشبرد مشی سیاسی که واجد بعضی جهات چپ‌روانه بود و برخورد منفعلانه به هنگام تعطیل رادیو زحمتکشان، اهم انتقاداتی بودند که این یا آن نماینده بر این یا آن مورد از آنها تأکید داشت.

گزارش کنگره دوم

نمایندگانی نیز از تشکیلات به دلیل عدم حمایت کافی آن از شورا انتقاد کردند. در پایان این قسمت بعضی از اعضا شورا را دیگر توضیحاتی را درباره آنچه که در سخنان سخنرانان مطرح شده بود عرضه کردند.

سپس نوبت به بررسی عملکرد گروه‌های کار رسید. گزارش گروه کار شامل تدارک اسناد کنگره، تشکیلات خارج، خلق‌ها، رادیو، روابط عمومی- مالی و نشریه در خلال روزهای اول و دوم کنگره در اختیار نمایندگان قرار گرفته بودند. در این مورد کنگره به طرح سوالات نمایندگان، پاسخگویی مسئول هر گروه و اظهار نظر کوتاه نمایندگان اکتفا کرد. موضوع مالی، که گروه کار آن گزارش مفصلی به کنگره ارائه کرده بود و در آن نه فقط فعالیت مالی دوره یکساله اخیر بلکه وضعیت مالی از سال ۸۴ به بعد نیز بررسی شده و تراز آن استخراج شده بود، جدا از سایر موضوعات مورد رسیدگی اجلاس قرار گرفت.

علاوه بر موارد یاد شده شورا گزارش تفصیلی اوضاع سیاسی را نیز به کنگره ارائه کرد و بر آن پایه گزارشی را نیز پیشنهاد کرده بود. کنگره تصویب کرد که گزارش با امضای شورای مرکزی انتشار یابد و قرارگاه کمیسیون قطعنامه‌ها ارائه شوند.

به هنگام بررسی عملکرد شورا بود که خبر وقوع کودتای شوروی دستگیری گراباجف به کنگره رسید. این اتفاق در کنگره وجود داشت که پیرامون این وقایع باید اظهار نظر شود. چند تن از نمایندگان موضعگیری در این باره را زود هنگام میدانستند. کنگره تصویب کرد که اطلاعیه‌ای در این باره صادر شود. شورای مرکزی انجام این کار را به عهده گرفت. اطلاعیه تهیه و سپس به تعدادی از رسانه‌های گروهی مخابره شد. متن این اطلاعیه در همین شماره کار درج شده است. هم‌روز کار بررسی عملکرد شورا و گروه‌های کار خاتمه یافت. از این پس کار کمیسیون‌های مختلف که در شب دومین روز کنگره تشکیل شده و مخبر و تعدادی از رهبران تحریریه کمیسیون از میان خود برگزیده بودند، موضوع به موضوع دنبال می‌شود. هویت، دیدگاه‌ها و آماج‌ها

سند مصوب کمیسیون همراه پیشنهادی پذیرفته نشده در چهارمین روز کنگره به کنگره ارائه شد.

این سند بر مبنای سند دیگری که پیشتر توسط گروه کار تدارک کنگره تهیه و در کار شماره ۵ (دوره سوم) چاپ شده بود، فراهم آمده بود. از جمله پیشنهادهای پذیرفته نشده سند رفیق جواهری بود که در کار شماره ۸۲ (دوره دوم) چاپ شده است. پس از سخنان موافق و مخالف مبنای قرار گرفتن سند کمیسیون، روی سند رای گیری شد. ۵۸ درصد نمایندگان به سند رای موافق دادند، ۳ درصد مخالف، ۱۵ درصد ممتنع. ۲۴ درصد از نمایندگان در رای گیری شرکت نکردند. سند رفیق جواهری نیز به درخواست یکی از نمایندگان به رای گذاشته شد. نتیجه آراء به قرار زیر بود: ۶۰ درصد موافق، ۳۶ درصد مخالف، ۲۴ درصد ممتنع. سایرین در رای گیری شرکت نکردند.

به این ترتیب سند کمیسیون به عنوان مبنای کار پذیرفته شد و کمیسیون کار بعدی خود را روی آن متمرکز کرد و سند نهایی را همراه پیشنهادهایی که متوجه حذف، تغییر و یا تکمیل اجزایی از سند مینا بوده و توسط کمیسیون پذیرفته نشده بودند به کنگره آورد. موافقان و مخالفان هر پیشنهاد صحبت کردند و پیشنهادهایی از جمله پیشنهاد حذف واژه هویت از عنوان سند مورد پذیرش اجلاس قرار گرفتند. سرانجام سند مورد رای گیری قرار گرفت. نتیجه چنین بود: ۵۲ درصد موافق، ۵ درصد مخالف، ۴۳ درصد ممتنع. ۹۰ درصد در رای شرکت نکردند. (سند شماره ۱: دیدگاه‌ها و آماج‌های سازمان)

برابر آیین نامه، برای این که یک سند مصوبه کنگره محسوب شود می‌بایست اکثریت ۵۰ درصد رای داشته باشد. بعضی از نمایندگان که به سند رای ممتنع داده بودند اظهار تمایل به تغییر رای خود را کردند. این تغییر رای پذیرفته نشد. عده‌ای از نمایندگان پیشنهاد اخذ رای تمایل روی سند را کردند. رای تمایل مفهومی تعریف نشده در آیین نامه بود. از این رو پیشنهاد رای گیری مجدد مطرح و توسط اجلاس پذیرفته شد. نتیجه رای گیری مجدد به قرار زیر بود: ۵۸ درصد موافق، ۳ درصد مخالف، ۳۹ درصد ممتنع، بقیه در رای گیری شرکت نکردند. خط‌مشی سیاسی

موضوع تدوین و تصویب خط‌مشی سیاسی سازمان به جغات مختلف برجسته‌ترین موضوع در دستور کنگره بود. بیشترین وقت کنگره (۲ روز) به این موضوع اختصاص یافت، بیشترین تعداد اسناد حول این موضوع ارائه شده بود (۶ سند)، کمیسیون آن بیشترین تعداد اعضاء را داشت (۳۴ نفر) و بیشترین تعداد سخنرانان حول این موضوع سخنرانی کردند. اسناد ارائه شده به کنگره در این بازه عبارت بودند از:

سند مصوب شورای مرکزی مندرج در نشریه اکثریت شماره ۳۳۵، سند ارائه شده توسط رفیق جواهری (کار شماره ۸۲) سند رفیق خسرو شاهی (کتاب کنگره)، سند رفیق خلیق (کار شماره ۱۵)، سند ارائه شده توسط رفیق علی. ج. (کارون) که بر اساس نامه تعدادی از رفتای داخل (مندرج در کار شماره ۱۶) تدوین شده بود و سند رفیق نگهدار (کتاب کنگره) بیشتر سندی نیز توسط رفیق فرج الله ممینی به کنگره نخست ارائه شده و توسط گروه کار تدارک اسناد به عنوان یک سند به کنگره پیشنهاد شده بود. اما رفیق ممینی خود خواهان رسیدگی به سند توسط کمیسیون و کنگره نشد.

کمیسیون خط‌مشی سیاسی کار خود را با بررسی اسناد فوق آغاز کرد و در نخستین گزارش خود به کنگره دو پیشنهاد زیر را مطرح کرد تا کنگره یکی را برگزیند:

۱- با قبول این که اساساً خط‌مشی متفاوت وجود دارد یکی از اسناد مبنای کار کمیسیون قرار گیرد و کمیسیون این سند و سند مربوطه دیدگاه دیگر را همراه با جمیع ملحقات و پیشنهادهای مربوطه هر یک از آنها به کنگره ارائه کند.

۲- رئوس و محورهای اساسی خط‌مشی سیاسی تعیین گردد و پیشنهادها و آراء وارده مربوطه هر یک از رئوس بررسی و به کنگره ارائه شود. در کنگره بحث روی رئوس فوق متمرکز گردد. در این صورت یا:

الف- کنگره یک سند را مبنای کار قرار دهد و با ملاحظه پیشنهادهایی رسیده روی آن کار کند. و یا ب- کنگره بر روی محورها و رئوس اساسی کار کند، بدون آن که سندی را مبنای کار قرار دهد. تدوین سند پس از روشن شدن گرایش غالب کنگره در مورد محورهای اساسی صورت گیرد.

محورهای اساسی مورد نظر کمیسیون نیز عبارت بودند از: موضع ما نسبت به حکومت، هدف اصلی خط‌مشی ما، شیوه‌های مبارزه، مناسبات با نیروهای سیاسی کشور و شعارها و مطالبات.

هیات رئیسه دو پیشنهاد کمیسیون را به بحث گذاشت. اجلاس با اکثریت نسبی ۴۴ درصد به پیشنهاد ۲ رای داد. موافقان پیشنهاد یک ۳۴ درصد نمایندگان را تشکیل می‌دادند. پس از آن اجلاس به اظهار نظر پیرامون محورهای یاد شده پرداخت. به صاحبان اسناد وقت بیشتری داده شد تا هر کدام سند خود را توضیح داده و فرمول‌های مندرج در آن را پیرامون این محورها و محورهای احتمالی دیگر تشریح نمایند. سپس تعداد کمی از نمایندگان اظهار نظر کردند. بدینال یک دور اظهار نظر پیرامون محورهای اساسی خط‌مشی، موافقان و مخالفان یکی از دو شق پیشنهاد دوم صحبت کردند. موافقان شق اول پیشنهاد ۴۲ درصد و موافقان شق دوم ۳۹ درصد آراء را داشتند. به این ترتیب شق اول پیشنهاد یک یعنی انتخاب سند مبنای سازمان اسناد ارائه شده، تصویب شد.

برای انتخاب سند مبنای، مجدداً صاحبان اسناد از سند خود دفاع کردند. سپس موضوع انتخاب سند مبنای به رای اجلاس گذاشته شد. به دلیل عدم حضور رفیق خسرو شاهی در کنگره و عدم دفاع کسی از آن، سند او از مجموعه اسناد مورد بررسی حذف شد. سند دیگری توسط رفیق کیومرث به کمیسیون ارائه شده بود که به مجموعه افزوده شده بود. نتایج آراء به قرار زیر بود:

سند شورا: ۴۷ درصد موافق، ۳۴ درصد مخالف، ۱۵ درصد ممتنع. باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند جواهری: ۳۲ درصد موافق، ۳۷ درصد مخالف، ۱۵ درصد ممتنع. باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند خلیق: ۳۳ درصد موافق، ۱۱ درصد مخالف، ۳۲ درصد ممتنع. باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند علی. ج. ۹ درصد موافق، ۵۵ درصد مخالف، ۱۲ درصد ممتنع. باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند کیومرث: ۱۹ درصد موافق، ۱۹ درصد مخالف، ۳۹ درصد ممتنع. سایرین در رای گیری شرکت نکردند.

سند نگهدار: ۳۴ درصد موافق، ۴۲ درصد مخالف، ۹ درصد ممتنع. بقیه در رای گیری شرکت نکردند. هیچیک از اسناد رای اکثریت مطلق را نیاورده بود و نمیتوانست به عنوان سند مبنای کار کمیسیون معرفی شود. در این هنگام مسئول هماهنگی شورای مرکزی اعلام کرد که شورا نظر به نزدیکی‌های بین سند شورا و سند رفیق خلیق و به منظور گوشودن راه کنگره سند خود را پس می‌گیرد و پیشنهاد تجدید رای را دارد. دو پیشنهاد دیگر نیز مطرح شد: هر نظر کمیسیون هم‌نظران خود را تشکیل دهد تا روی سند کار تکمیلی کنند و نتیجه را به کنگره

ارائه دهند، دیگر پیشنهاد این که سند دارای اکثریت نسبی مبنای کار کمیسیون قرار گیرد. تا خط‌مشی سیاسی در نوبت دیگری در دستور قرار گیرد، رفقا جواهری و نگهدار بر پایه دو سند ذکر شده قبلی، سند واحدی را تنظیم کردند و رفیق کیومرث نیز سند خود را پس گرفت. نظریه تمایل تعدادی از نمایندگان به حفظ سند شورا در مجموعه اسناد و تغییرات فوق‌الذکر، اقدام به رای گیری مجدد روی همه اسناد شد. نتایج در زیر آمده‌اند:

سند شورا: ۴۸ درصد موافق، ۳۹ درصد مخالف، ۹ درصد ممتنع.

سند ارائه شده توسط رفقا جواهری و نگهدار: ۳۹ درصد موافق، ۴۱ درصد مخالف، ۸ درصد ممتنع.

سند خلیق: ۵۵ درصد موافق، ۲۷ درصد مخالف، ۱۵ درصد ممتنع.

هنوز سند مبنای تعیین نشده بود. مسئول هماهنگی شورای مرکزی پیشنهاد شورا دلیلی بر رای گیری مجدد روی سند رفیق خلیق را تکرار کرد و از نمایندگانی که به سند شورا رای داده بودند خواست که به سند مذکور نیز رای دهند. اجلاس با ۷۱ درصد آراء به پیشنهاد مذکور رای داد و در رای گیری مجدد سند مذکور ۵۹ درصد آراء آورد و به عنوان سند مبنای انتخاب شد.

با تعیین سند مبنای، داوطلبین کار روی این سند کمیسیون جدیدی تشکیل دادند و در نوبت دیگری سند تصحیح شده را همراه پیشنهادهایی پذیرفته نشده برای اظهار نظر به کنگره آوردند. پس از اظهار نظر و تدقیق سند، سند تصحیح شده به رای گذاشته شد. ۶۵ درصد موافق، ۲۷ درصد مخالف، و ۱۴ درصد ممتنع رای دادند. ۳ درصد نمایندگان نیز در رای گیری شرکت نکردند. (سند شماره ۲ رئوس خط‌مشی سیاسی)

این سند نیز رای توافقی اکثریت مطلق نمایندگان را داشت، ولی مجوبه کنگره محسوب نمی‌شد. هیات رئیسه ماده واحده‌ای را به کنگره پیشنهاد کرد. متن ماده واحده چنین بود:

«کنگره مقرر می‌دارد که دو سند "آماج‌ها و دیدگاه‌ها" و "رئوس خط‌مشی سیاسی" که به ترتیب ۵۸ درصد و ۶۵ درصد آراء کنگره را حائز گردیده‌اند راهنمای عمل و سیاست‌گذاری شورای مرکزی منتخب قرار گیرد.»

این پیشنهاد بدون مخالف، با ۸۹ درصد موافق و ۳ درصد ممتنع، در میان کف زدن نمایندگان به تصویب کنگره رسید.

موازین تشکیلاتی: پیشتر گفته شد که زیر عنوان موازین تشکیلاتی دو نظر وجود داشت: موافقان تدوین یک کار پایه تشکیلاتی که حتی الامکان جامعیت داشته باشد و موافقان تدوین تزه‌های تشکیلاتی که اساساً بر تعریف مناسبات و وظایف نیروها و تشکیلات خارج از کشور ناظر باشد. نخستین گزارش کمیسیون موازین تشکیلاتی حاکی از آن بود که اکثر اعضاء کمیسیون موافق تدوین کار پایه تشکیلاتی بوده و بر ضرورت یک سند مبنای که بتوان بر اساس آن نسبت به شرایط، هویت، حقوق و وظایف عضو، مبنای مناسبات درون سازمانی، مبنای ساختار تشکیلات، حقوق و وظایف شورای مرکزی، چگونگی انتخاب شورای مرکزی و گروه‌های کار،

پیام دومین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

هم میهنان!

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما هموطنان آزادیخواه درود می‌فرستد و برای میهنان ایران، آزادی و آبادی، امنیت و پیشرفت؛ صلح و سعادت آرزو میکند. در این کنگره، نمایندگان اعضاء سازمان گرد آمدند تا در پاسخ به تعهدات آزادیخواهان، تجدید طلبانه و عدالت‌جویانه خود به همفکری بنشینند و برای برون رفت کشور از سیطره استبداد و فلاتک عمومی چاره جویند. کنگره با پی‌گویی این وظیفه، بر این نتیجه‌گیری تاکید دارد که راه‌رهایی کشور از یوغ استبداد و بحران همه‌جانبه‌گونی، از پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی پارلمانی و فدرالیسم میگذرد. کنگره، فدائیان خلق و همه نیروهای دموکرات را دعوت می‌کند که بکوشند تا این اهداف از طریق انتخابات آزاد تحقق یابد.

هم میهنان آزادیخواه!

کنگره بر آن است که کشور ما کماکان در سیطره استبداد ولایت فقیه است؛ پیگرد، شکنجه، ترور و اعدام ادامه دارد و سرکوب خواست‌های آزادیخواهان همچنان سیاست رسمی رژیم جمهوری اسلامی است. اگر چه رژیم در تحمیل افکار ارتجاعی خود بر پهنه کشور و ادار کردن بخش عظیمی از مردم برای تمکین به تمایلات و مقررات زورگویانه آخوندی ناکام مانده است، اما هنوز هم زندان و تعزیر است که بر کشور فرمان می‌راند. رژیم که هر روز بیشتر پایگاه خود را از دست میدهد به هر منتقدی به چشم مخالف می‌نگرد. رژیم از استقرار آزادی‌های سیاسی در ایران و رهگشایی کشور به سوی دموکراسی بیش از هر چیز هراسان است و از این رو همه نیروی خود را صرف به قتل و زنجیر کشیدن آزادی‌کرده است. تأمین آزادی، بیش از هر زمان به خواست و وسیع‌ترین اقشار جامعه بدل شده و مردم در مطالبه حداقل آزادی‌ها بلافاصله رژیم را در برابر خود می‌بینند.

هم میهنان دردمند!

کنگره سازمان معتقد است که میهن ما در بحران همیق اقتصادی و اجتماعی فرو رفته و فلاتک عمومی گریبانگیر آن شده است. عدم توانایی دولت حاکم در چاره‌جویی حداقل برای رونق یابی اقتصاد کشور و جلوگیری از فقر فزاینده همگانی، به تضاد عمومی کشور بدل می‌شود. بیش از پیش آشکار میگردد که رژیم آخوندی صلاحیت اداره کشور را ندارد و نصیب کشور از این حکومت نه بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور، که تعمیق ورشکستگی اقتصاد ملی و تشدید فاصله فقر و ثروت است. مردم ایران بدرستی رژیم را مسئول فلاتک عمومی کشور می‌دانند.

هم میهنان!

کنگره سازمان با تحلیل اوضاع سیاسی کشور بر آن است که هر روز امکانات بیشتری برای عقب نشاندن رژیم و تحقق مطالبات روز مردم بوجود می‌آید. اتکای ایوب‌زیسیون دموکرات رژیم بر امکانات واقعی موجود حائز اهمیت جدی است. در این شرایط ضرورت دارد تا هر مبارزه برای آزادی، تجدید و ترقی، عدالت، آگاهانه در راستای تضعیف حاکمیت رژیم و تقویت پایگاه نیروهای جمهوریخواه دموکرات قرار گیرد و مبارزات مردمی علیه حاکمیت، هر چه بیشتر حول محور مبارزه بری استقرار آزادی‌ها و دموکراسی در کشور تمرکز یابد. کنگره، بر این باور است که شکل‌گیری جبهه جمهوریخواهان آزادیخواه و معتقد به دموکراسی و مرجعیت مردم یک ضرورت تاخیر ناپذیر است و تلاش اصلی همه نیروهای آزادیخواه و دموکرات باید متوجه تأمین همین هدف باشد. کنگره، در عین حال تاکید دارد که اتحاد عمل‌های گسترده و انواع همکاری‌های سازنده بین مخالفان و منتقدان آزادیخواه رژیم یک نیاز روز است و می‌تواند در خدمت شکل‌گیری، تحکیم و تقویت جبهه جمهوریخواهان آزادیخواه قرار گیرد.

نیروهای دموکرات و شخصیت‌های آزادیخواه!

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دست شما را به گرمی می‌نشارد و شما را به تشدید فعالیت مشترک برای شکل‌گیری جبهه جمهوریخواهان آزادیخواه فرا میخواند. کنگره، از شما دعوت میکند که همه کوشش خود را بخاطر عمل مشترک در راستای مبارزه برای آزادی و دموکراسی و مبارزه علیه مظاهر استبداد رژیم جمهوری اسلامی بکار گیرید. بر همه ماست که در این برهه خطیر، حساسیت تاریخی و وظیفه خود را درک کرده و مجدانه به این وظیفه عمل کنیم. کنگره، شورای مرکزی منتخب سازمان را موظف کرده و همه اعضاء و اداران سازمان را فراخوانده است تا هیچ امکان و ابتکاری را برای شکل دادن وسیع‌ترین و متنوع‌ترین اتحاد عمل‌ها از دست ندهند و با شما آزادیخواهان به همکاری و اتحاد برخیزند. برخیزند.

هم میهنان آزادیخواه و عدالتخواه!

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، شما را منبع نیروی تحقق آرمان‌ها و آماج سازمان و نیروی شما را پشتوانه پیروزی تلاش انسانی فدائیان خلق می‌داند. فدائیان خلق در مبارزه برای آزادی و بهروزی مردم ایران و رفع هرگونه ستم و اجحاف در ایران، از مبارزه به حق و شرافتمندانه شما الهام می‌گیرند. کنگره سازمان، به پیروزی اراده و خواست آزادیخواهان و عدالت‌جویانه شما بر رژیم استبداد و ستمگر باور دارد و با امید به آینده می‌نگرد. کنگره، یقین دارد که این روزهای سخت و دردآور خواهد گذشت، ایرانیان از جنگل سرکوبگران و ایران از سیطره ویرانگران رهایی خواهد یافت و پرچم آزادی، امنیت، پیشرفت، رفاه و سعادت بر فراز ایران به اهتزاز در خواهد آمد.

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سوم شهریور ماه ۱۳۷۵

گزارش سیاسی

شورای مرکزی منتخب کنگره اول به دومین کنگره سازمان

نگاهی بر جهان

«: جهان دوره گذار را طی میکند. دوران»
 دیروز که تقسیم جهان به دو قطب «سوسیالیسم» و «سرمایه داری» و «سنتز این دو بر بستر همزیستی آنها شاخص آن بود، به پایان خود رسیده است و جهانی که رو به آن داریم - جهان همیشه با عملکرد تضادجای نوین است که هنوز مولفه های اساسی آن روشن نیست. با اینحال در آینده دور گذار کنونی که با تحولات بزرگ سیاسی همراه است، سایه روشنائی از پدیده های در حال گسترش جهانی و برخی از جهات روندهای آتی را میتوان دید.

«: در نیمه دهه هشتاد شروع پروسترویکادر شوروی، بحران نظام «سوسیالیسم هملاموجود» را آشکار نمود. تحت تاثیر تحولات این کشور، روند فروپاشی «بلوک شرق» آغاز شد و کشورهای بحران زده اروپای شرقی، یکی پس از دیگری و به درجاتی متفاوت راه گذشته را ترک گفتند. با انحلال رسمی پیمان ورشو، روند فروپاشی مذکور به تدریج رسیده و اینک کشورهای عضو این پیمان در اشکال مختلف به اقتصاد بازار و مناسبات سرمایه داری روی آورده و می آورند. در این میان، آینده شوروی که اکنون درگیر بحران حاد اقتصادی، مناقشات شدید ملی و کشاکش بر سر گزینش راه است، در پرده اجام قرار دارد.

در پی تحولات شوروی، بخشی از نظامهای سیاسی در آسیا و آفریقا که در پیوند با بلوک شرق «راه سوسیالیستی» را در پیش گرفته بودند، یا فرو ریختند و یا تغییر صورت دادند. اکنون فقط تعداد معدودی از رژیمهای مصر بر تداوم راه گذشته در جهان باقی مانده اند. این کشورها که تحت فشار همه جانبه ناشی از تغییر جهت روندهای جهانی قرار دارند، بر سر تحولات جهانی تاثیر محدودی دارند. سخن از «شرق» بعنوان یک سیستم و یکی از دو قطب جهان دو قطبی و دارای نقش تاطع در روندهای بین المللی و منطقه ای، دیگر در میان نیست. با اینهمه شوروی بمثابه کشوری با توانایی عظیم نظامی، بنیادساز نیرومند، منابع طبیعی سرشار، بیش از ۲۷۰ میلیون جمعیت و وسعتی معادل یک ششم خاک جهان، همچنان یکی از قدرتمندترین بزرگ جهانی است. این کشور موقعیت جهانی گذشته خویش را بمثابه یکی از دو «ابر قدرت» از دست داده است، اما همچنان در تحولات جهانی نقش ایفا میکند.

پس از انحلال «اردوگاه سوسیالیسم» اینک کشورهای عضو این بلوک، با تنشهای اجتماعی بزرگی مواجهند. گذار از نظام سیاسی متمرکز به دموکراسی و پلورالیسم، با ظهور و رشد جریانات ناسیونالیست افراطی، پیدایی و گسترش مخاصمات ملی و شکل گیری آشکار جریانات ارتجاعی همراه شده است و گذار از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد بازار که نخستین تجربه در نوع خود به شمار میرود، با بحرانهای شدید، رکود، تورم و بیکاری گسترده مواجه است. هموم این کشورها که از ضعف بنیه مالی، عقب ماندگی اقتصادی و تکنولوژیک و عوارض سوءنظام متمرکز پیشین رنج میبرند، تادستیابی به ثبات سیاسی اقتصادی راه درازی در پیش دارند.

«: در جهان پیشرفته صنعتی، نظام سرمایه داری به اتکای انقلاب عظیم علمی و فنی دهه های اخیر، ظرفیت بالایی از خود نشان داد و در جهانی که در آن نقش اقتصاد و تکنولوژی هر روز برجسته تر میشود، سیادت خود را قطعیت بخشید. سرمایه داری برقم بحرانی گوناگون، اثبات کرد که هنوز از توانایی زیادی برای رشد همتی و گسترش مرضی برخوردار است. نظام سرمایه داری همچگاه به اندازه امروز جهانی نبود و امروز تحولات در مقیاس جهانی پیش از همه بیش از هر چیز از حرکت سرمایه تاثیر می پذیرد.

در جهان پیشرفته و صنعتی، تقسیمات رشته ای و مقوله ای سرمایه و ترکیب بفرنج آنها با یکدیگر، انشقاق و امتزاج سرمایه در سطح ملی و فراملی، حضور قدرتمند جنبشهای عظیم صلح، حفظ محیط زیست، دموکراسی و عدالت، نتایج انقلاب در ارتباطات و موقعیت برجسته رسانه های همگانی و شتاب دگرگونی در هر صده تکنولوژی، وضعیت پیچیده ای را پدید آورده اند که از درون آن هر دم تضادها و رقابتهای تازه ای سر بر می آورند. در مصلح حاضر که میتوان از آن بعنوان مجرای انتقال به سوی نظامی تازه یاد کرد، جهانیان پیرامون لزوم نابودی نظام فعلی و برپایی نظم نوین هم آوا هستند. اما در خصوص شاخص های آن، میان واحدهای تشکیل دهنده ساختار کنونی دنیا، و از جمله میان کانونهای مختلف متمرکز سرمایه، تمایزات و حتی تناقضات فاحش به چشم می خورد.

در شرایط جنگ سرد و مسابقه سهمگین تسلیحاتی، ضرورت مقابله مشترک با «بلوک شرق» از جمله عوامل مهمی بود که در جهت مهار تضادها و هم آوایی مراکز مختلف سرمایه داری تاثیر می بخشید. با فرو

پاشی بلوک شرق پایان جنگ سرد، کانونهای سیاسی و اقتصادی در جهان غرب، از آزادی عمل بمراتب بیشتری در پیگیری اهداف خاص خویش برخوردارند. امریکا، دول بزرگ اروپای غربی و ژاپن بمثابه کانونهای اصلی جهان پیشرفته و صنعتی و شوروی بعنوان یک قدرت نظامی دارای موقعیت ژئوپلیتیک می گویند تا مولفه های اصلی نظم تازه را بر اساس دیدگاه ها و منافع خویش سامان دهند.

تضاد و رقابت مراکز مختلف سرمایه داری بر سر انرژی، تکنولوژی، بازار و گسترش مناطق نفوذ، در قالب ارائه برداشتهای متفاوت و گاه متضاد از مولفه های نظم نوین رخ می نماید. در ایالات متحده در کنار گرایشهای انزواطلبانه و ابراز تردید نسبت به توانایی های واقعی این کشور، گرایش نیرومند حاکم بر مراکز سیاستگزاری، ایجاد نظمی یک قطبی را که در آن امریکا از موقعیت رهبری کهنه بر خور دار باشد، پی میگیرد.

طبقه بندی مسائل جهانی بر اساس منافع قدرتهای بزرگ و قبل از همه بر اساس منافع امریکا، بلاشکیر نجان مناسبات به شدت نامعادلانه و انفجار آمیز «شمال» و «جنوب» و تضمین تداوم این مناسبات هارتگرانه، تقویت بازهم بیشتر ظرفیت نظامی امریکا، حفظ ناتو و تداوم سرکردگی امریکا در آن از جمله شاخص های «نظم نوین» از دیدگاه کاخ سفید است.

در نظم مورد نظر جرج بوش، بخش بزرگی از جهان هملایچ جایگاهی ندارد و دنیای مورد نظر او تا امروز تنها شامل اروپا، خاور میانه، ژاپن، کانادا و بخشهایی از آسیای امریکای مرکزی بوده است. عموم دول اروپایی، به ویژه آلمان و فرانسه، به رسم هم پیوندیهای اقتصادی و سیاسی نیز و مند با امریکا و با وجود هم نوازی با آن در بسیاری از مسائل جهانی و تاکیدشان بر تداوم موجودیت ناتو، در مقابل این درک از نظم نوین مقاومت می کنند. آنها می گویند با تسریع روند وحدت اروپا، قطب نیرومندی را در کنار امریکا پدید آورند. در همین حال در شرایط فعلی که هنوز وحدت اروپا متحقق نشده، دول اروپایی تلاش می کنند بر سیاست هایی که سمت آن هملادر واشنگتن تعیین میشود، در جهت منافع خویش تاثیر بگذارند.

ژاپن به اتکای قدرت عظیم اقتصادی و تکنولوژی برتر خود، طالب سهم بیشتر در نظم آتی دنیاست. این کشور که در همسایگی شوروی و چین از موقعیت ژئوپلیتیک حساس و آسیب پذیری برخوردار است، به دلیل فقدان قدرت نظامی و تحولات پس از جنگ دوم، به شدت به امریکا وابسته است. درهم آمیزی گسترده سرمایه های امریکایی و ژاپنی و وابستگی متقابل این دو کشور را تشدید می کند. علاوه بر اینها، ژاپن در هر صده تسخیر بازارهای جهان همدتا با رقبای اروپایی روبروست. در نتیجه مجموعه این عوامل، حکومت ژاپن تا امروز افزایش سهم این کشور در معادلات سیاسی جهانی را ضمن تاثیر رهبری امریکا دنبال کرده است.

در شوروی، گارباچف که پرچمدار دگرگون سازی نظم گذشته بود، از انجام اصلاحات بنیادی در مناسبات بین المللی جانبداری میکند. حکومت شوروی که درگیر مشکلات حاد داخلی و تنشهای درونی است، ضمن تلاش برای دستیابی به تفاهم با امریکا، مشی نزدیکی بیشتر با اروپا دنبال میکند.

علاوه بر اینها در جهان پیشرفته صنعتی، گرایشهای نیرومندی در جهت تغییر یافت کنونی جهان از طریق انجام اصلاحات پایه ای و دموکراتیک در سازمان ملل متحد، تجدید نظر در منطق حق و توی اعضای دائم شورای امنیت، تقویت نقش سازمان ملل و دبیر کل آن، محدودیت تولید و فروش تسلیحات و انجام فرمهای مؤثر در مناسبات شمال و جنوب وجود دارد. کنفرانس مسئولیت مشترک در دهه ۱۹۹۰ که اخیرا در استکهلم برگزار شد و بیانییه نهایی آن که از سوی افرادی نظیر جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق امریکا و ویلی برانت صدر اعظم پیشین آلمان امضا شده است، نمودی از این گرایش است.

در نزاع بر سر نحوه سامان دهی جهان، کنترل بر تولید و فروش نفت، جای ویژه ای دارد. اشتراک دول صنعتی در تامین و تضمین جریان نفت، بر اساس شرایط مطلوب آنها، با مبارزه بر سر سهم بیشتر در کنترل تولید، توزیع و قیمت گذاری آن همراه است. این حقیقت که نظم نوین مورد نظر کاخ سفید، نخستین بار در خلیج فارس و در جنگی کثیف که بحق جنگ نفت نام گرفت - چهره نمود، بیانگر اهمیت نفت در استراتژی امریکای برای استقرار نظم یک قطبی در جهان است.

به عنوان نتیجه گیری میتوان گفت: صف افرای نیروهای تعیین کننده جهانی در اطراف مولفه های «نظم نوین» هنوز شکل نهایی نیافته است. اما سیر تا امروز روندها در جهت متمرکز تضادهای جهانی حول این امر بوده است.

در مقابل تمایل دولت امریکا برای تامین آتایی این کشور بر جهان، نیروی مقاومت عظیم و رشد یابنده ای وجود دارد و استقرار «نظم نوین» قطعاً بدان سمولتی میسر نخواهد شد که شاید برخی در کاخ سفیدی پندارند.

«: محصول عقب ماندگی تاریخی بخش بزرگی از جهان و عوارض استثمار و امپریالیسم، تقسیم جهان به «شمال» و «جنوب»، است. شاخص های عمده «جنوب»؛ عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی، گر سنگی و فقر فزاینده توده های صدها میلیونی، کم سودی، استبداد، انفجار جمعیت و تخریب مستمر محیط زیست در شرایط ضعف شعور اکولوژیک مردم است و «شمال» با دانش و تکنولوژی پیشرفته، رشد فزاینده اقتصادی، تولید انبوه و انباشت ثروت شناخته میشود.

«جنوب» در پی هارت متهمادی چند قرنی از سوی استثمار و امپریالیسم، همچنان محکوم است که تنها ثروت موجود خود، یعنی مواد خام را به جای پائین در اختیار «شمال» قرار دهد، از تکنولوژی و صنعت محروم بماند و زیر بار قیمت سنگین کالاها و وارداتی های گمر شکن مدام فقیر تر شود. اینک جهان به دو اردوی کشورهای غنی و فقیر تقسیم شده است و فاصله کشورهای عقب مانده با ممالک پیشرفته هر دم بیشتر میشود. هر نظمی که بر پایه نادیده گرفتن این واقعیت مدعش بنا گردد، نظمی غیر انسانی است که به تشدید مخاصمات، جنگهای پایان ناپذیر و انفجارهای خونین اجتماعی منجر میشود.

انسان جنوب دیربکار علیه این نظم نامعادلانه و در مبارزه برای رهایی از بن بست فقر و عقب ماندگی تنها نیست و هر روز که می گذرد، تعداد بیشتری از مردم کشورهای پیشرفته درک می کنند که مسئله «جنوب» مهمل کل جهان میباشد و بدون ایجاد تحولی بنیادی در مناسبات شمال و جنوب، ایجاد جهانی شایسته انسان ناممکن است.

«: در کره خاکی ما، دموکراسی روندی فراگیر و رو به مدتی است. جهان دیکتاتورها از هر نوع و شکل، مدام تنگتر میشود. نیروی پراکنده دموکراسی در جهان، هر روز بیشتر به سوی همگرایی و مقابله مشترک با رژیم های دیکتاتور و مستبد رو میکند. دستانهای بیشتری به سوی «مشاور حقوق بشر» دراز میشود.

در جهان همسته ما، خواست بشریت برای صلح و امنیت جهانی و کنترل و محو تشنجهای منطقه ای، نابودی سلاحهای گشتار جمعی و پیشبرد تدریجی روند خلع سلاح عمومی مدام قدرت بیشتری میگیرد. این خواست انسانی در سراسر جهان با آرزوی انحصارات نظامی و تمایلات سیاسی نمایندگان آنان که هنوز هم بس قدرتمندند، در تعارض است. جنبش صلح، یک جنبش سیاسی گسترده و دارای وزن در جهان امروز است.

«: در جهان ما، که بیش از هر زمان امکانات عینی و رایجی از خطی، گر سنگی، فقر، بیماری، بی مسکنی و بیسوادی وجود دارد، تامین رفاه و رشد همگانی، ذهن انبوهی از انسانها را به خود مشغول کرده است. ایجاد جهانی عادلانه با هدف رفع فقر و نپیده است. تلاش علیه آلودگی محیط زیست و مبارزه برای پاکیزگی آن، هر دم دامنه بیشتری می یابد. حفظ محیط زیست به شعار همگانی همه جریانات سیاسی بدل شده است و هیچ حکومتی نمی تواند نسبت به این مطالبه هموم بشری بی اعتنا بماند.

این جنبشها به همراه نهضت هایی برای رفع نابرابری بین زن و مرد، به منظور مبارزه با هر گونه تبعیض نژادی، و بطور کلی همه نهضت هایی که ایجاد جهانی انسانی را هدف خود میدانند، مولفه های یک سمت گیری عمومی برای بنای جهانی شایسته انسان به شمار میروند.

نگاهی بر تحولات در منطقه خلیج فارس

۱- بعد از جنگ خلیج فارس، آرایش سیاسی منطقه، دستخوش تحولات اساسی شد. امریکا کنترل بلامنازج خلیج فارس را بدست آورد. موقعیت خویش در گویت، عربستان و شیخ نشینها را بیش از پیش تحکیم نمود. کنترل بخش اعظم جریان نفت خلیج را در دست گرفت و حضور و نفوذ نظامی سنگین خود در منطقه را تثبیت کرد.

۲- بعد از جنگ، امکانات شوروی برای اجهال نفوذ در تحولات منطقه که در سالهای اخیر سیر نزولی را طی میکرد، به حد اقل ممکن کاهش یافت. روندی که بیشتر باحرانی داخلی شوروی، فروپاشی بلوک شرق و کاهش امکانات مسکو جهت حمایت سیاسی و تسلیحاتی از متحدانش در منطقه آغاز شده بود، با شکست عراق و جهت گیری سوریه به سوی غرب، تشدید شد و اینک شوروی از امکانات چندانی برای تاثیر گذاری بر تحولات خاور میانه بر خور دار نیست.

۳- اروپا و ژاپن به رسم مشارکت در جنگ خلیج فارس و حمایت از لشکر کشی امریکا، در پایان جنگ از ثروتهای عظیمی که تحت هتاوین مخارج جنگ، بازسازی گویت و تسلیح عربستان، شیخ نشینها و گویت هارت شد، سهم ناچیزی بردند و با ویرانی عراق که از طرفهای مهم بازرگانی ژاپن، فرانسه و آلمان در منطقه بود، دیگر این کشور ویرانه، مشمول تحریم و تحت کنترل نظامی امریکا، حداقل در کوتاه مدت نمی تواند بمثابه بازاری برای اروپا و ژاپن به حساب آید.

تسلط بیش از پیش امریکا بر نفت خاور میانه، موقعیت ژاپن و اروپا - بویژه آلمان - را که به شدت به نفت منطقه وابسته اند، به سود امریکا تضعیف کرد. جنگ، امریکارا در موقعیتی قرار داد که بتواند از حربه نفت برای تحویل آتایی خود بر جهان، در مقابل اروپا و ژاپن، بیش از پیش بهره جوید.

۴- شکست و ویرانی عراق و ضربات سنگینی که بر ماشین جنگی صدام وارد آمد، نقش این کشور را در معادلات استراتژیک منطقه به شدت کاهش داد. آینده عراق در هاله ای از ابهام قرار دارد و این کشور برای ثلثه بر عوارض وحشتناک جنگ به سالها وقت نیاز دارد.

۵- جنگ و تبعات آن، بر موقعیت بین المللی و منطقه ای ایران تاثیرات متفاوت و متضادی برجای نهاد.

از سویی شکست عراق، برکنار ماندن ایران از جنگ و دست نخورده ماندن نظامی اش و نیز نتایج سیاسی حاصل از اتحاد موضع «بیطرفی» به افزایش اعتبار بین المللی و نقش منطقه ای ایران منجر شد و کشور ما به عنوان بزرگترین کشور منطقه که تمام سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان را در اختیار دارد و از ذخائر عظیم نفتی و موقعیت ژئوپلیتیک برجسته برخوردار است، در موقعیت ممتازی قرار گرفت.

از سوی دیگر حضور نظامی بیسابقه امریکادر امتداد مرزهای جنوب و غرب ایران و نیز این واقعیت که در ترکیه و پاکستان نیز نیروهای وابسته و متحد امریکا کنترل امور را در دست دارند، کشور ما را از شرق و غرب و جنوب در محاصره امریکا و دست نشاندگانش قرار داد.

جایگاه منحصر بفرد ایران و حضور گسترده امریکای مدعی آتایی بر جهان در اطراف مرزهای کشور ما حساسیت و موقعیت ایران و نقش سیاستها و همکاری دموکراسی را به طرز بی سابقه ای افزایش داد.

۶- تا مقطع جنگ، سیاست امریکا در قبال ایران بر دکرترین برژنیسکی متکی بود. این دکرترین بر این پایه قرار داشت که «ناسوتالیسم ضد روسی و احساسات مذهبی ضد کمونیستی ایران و نیز تمایل آن به رشد اقتصادی، دیر یا زود تجران را به سمت یک رابطه نزدیک تر با غرب سوق خواهد داد». بر پایه نظریه برژنیسکی، امریکا سیاست دو جانبه ای را در مقابل ایران دنبال میکرد: از سویی اجهال فشار محدود و مستمر به ایران در هر صده های مختلف را ادامه میداد و از سوی دیگر موافق آن بود که متحدانش در ژاپن و اروپای غربی پیوندیهای محدود و فقیر مستقیم اقتصادی خود را با ایران حفظ کنند، به جلوگیری از فروپاشی اقتصاد آن کمک نمایند و «چشم انداز چرخش به سوی تعدیل در ایران را زنده نگه دارند».

دکرترین برژنیسکی که در شرایط جنگ سرد و پیش از فروپاشی بلوک شرق طراحی شده بود، بر این احتمال مبتنی بود که «پس از مرگ خمینی و کشاکش اجتناب ناپذیر سیاسی، یک روند هادی سازی تدریجی مناسبات به وقوع خواهد پیوست».

پایان جنگ سرد، فروپاشی بلوک شرق و کاهش چشمگیر نقش شوروی در تحولات جهانی و بویژه در تحولات خاور میانه، در سیاست امریکا در مقابل ایران تغییری پدید نیاورد. این هوامل تحمیل شد، الزامات مشخص دوره جدید نخواهد بود. اگر یگانگی نسبی غرب در سرکوب صدام حسین، طرز چشمگیر افزایش داد.

۸- جنگ خلیج فارس وحدت و تضاد سه کانون اصلی جهان سرمایه داری یعنی امریکا، اروپا و ژاپن را به وضوح به نمایش گذاشت. در تحولات خلیج وحدت این سه قطب تحت رهبری امریکا و چه غالب مناسبات آنها بود. در همین حال، حوادث خلیج فارس اثبات نمود که مبارزه و رقابت حادی میان این سه مرکز برسر انرژی و باز تقسیم جهان، مواد خام و بازار جریان دارد و دناله روی ژاپن و بویژه اروپا از امریکا در جریان جنگ که در شرایط ویژه ای بدانها تحمیل شد، الزامات مشخص دوره جدید نخواهد بود. اگر یگانگی نسبی غرب در سرکوب صدام حسین،

وحدت غرب را نشان داد، از جمله در مناسبات جدیدی که هر یک از سه کانون مذکور میروند تا با ایران برقرار سازند، عناصر تضاد منافع آنجا به روشنی قابل رویت است.

آلمان، فرانسه، ایتالیا و عموم کشورهای اروپایی از تسلط انحصاری آمریکا بر جریان حیاتی نفت خلیج فارس ناخرسندند و در شرایطی که آمریکا کنترل کامل شیخ نشینها، کویت و عربستان را در دست گرفته و عراق را نیز به عنوان نگاه نیر و های مسلح خویش تبدیل نموده، نگاه خود را متوجه ایران، یعنی تنها کشور بزرگ و معتبر منطقه که از جنگ اندازی آمریکا بدور مانده، معطوف کرده اند. اروپا سو بدرجاتی کمتر ژاپن - برای برقراری گسترده ترین مناسبات اقتصادی و سیاسی با ایران خیز برداشته اند و در هر چه های مهمی مناسبات متقابل تا آستانه امضای قراردادهای کلان پیشرفته است.

تعادل قوای معینی در ایران و جهان اتخاذ و تحقق این سیاست را ممکن ساخته است: تعادل قوا در ایران هنوز اجازه "عدای سازی" رابطه با آمریکا را نمی دهد. اما برای گسترش مناسبات با اروپا و ژاپن هیچ مانع قابل ملاحظه ای وجود ندارد و در تعادل قوای جهانی اعمال فشار به اروپا از سوی آمریکا با مشکلات زیادی روبروست. در همین حال گسترش مناسبات اروپا با ایران به معنی حذف آمریکا از این مناسبات نیست؛ در هم آمیزی سرمایه های جهانی و قدمهایی که حکومت ایران اجباراً در ادامه روند "عدای سازی" بر خواهد داشت، راه حضور موثر آمریکا را نیز هموار خواهد نمود. در نتیجه تضاد اروپا، ژاپن و آمریکا در رابطه با کشور ما در شرایط کنونی و در چارچوب کمیت سهم هر یک در اقتصاد و سیاست ایران فراتر قابل توضیح است و در مطمح نظر نیست. کنتونی از این حد فراتر نمی رود، اما در همین چندین برای کشورهای ما چالش اجتمعی جدی است.

۹- آمریکا نمی تواند به حضور نظامی گسترده و دراز مدت در خلیج فارس ادامه دهد. ایجاد بیجان امنیت منطقه ای با شرکت دولتی نیست نشانده کویت، عربستان، شیخ نشینها و کشورهای نظیر مصر و سوریه تمجیدی است برای جایگزینی یک قدرت نظامی منطقه ای بجای قوای نظامی آمریکا و تامین و تضمین تداوم سلطه کاخ سفید بر خلیج فارس، آمریکا با صرفاً "عربی کردن" این پیمان، علاوه بر جذب سوریه به بافت متحدان منطقه ای خویش و سپردن نقشهای تازه به مصر، در چارچوب آن قصد تسریع روند تحولات ایران به سود خویش و اعمال فشار بر کشورهای مارا نیز پی می گیرد. حذف ایران و عراق یعنی دو کشور مهم منطقه خلیج فارس از پیمانی که ظاهراً با اهداف تامین امنیت خلیج فارس ایجاد شده است و انزودن سوریه و مصر یعنی دو کشوری که در بطنی به خلیج فارس ندارند به ترکیب پیمان، نشان میدهد که حذف آمریکا سازماندهی نیروی ژاندارمی است که در قیاب قوای مسلح اش پاسدار منافع کاخ سفید و متحدان منطقه ای آن و حامی حکومتی قرون وسطایی شیوخ فاسد منطقه باشد.

۱۰- نظر به مجموعه روندهایی که بر شمرده شده، میتوان گفت که در ماههای آتی مناسبات ایران با اروپا و ژاپن با فراز و فرود گسترش می یابد. پایایی ثلبه بر مقاومت نیروهای مخالف، "چرخش به سوی تعدیل" زمینه جعبه دمناسبات با آمریکانیز فراهم خواهد شد.

نگاهی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور

الف - نگاهی همومی بر اقتصاد کشور
دهه ۶۰ دوزخی ترین و تاریک ترین سالهای تاریخ معاصر ایران بود که در حافظه تاریخی مردم چون لکه سیاهی نقش خواهد بست. محصول رویدادهای دهه ۶۰ بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همت و همه جانبه ای است که جامعه مارا فرا گرفته است و امروز آنچه در مقابل جامعه مارا قرار دارد، همدت نتیجه سلطه و هملگر در رژیم فقها در این دهه است.

کشور ما از زمره کشورهای نفت خیز و پردرآمد است. در طی حکومت جمهوری اسلامی بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار از فروش نفت نصیب رژیم فقها شده است. با وجود این در آمدسازار، اکثر شاخصهای اقتصادی در مقایسه با سالهای قبل از انقلاب منفی است. طبق آمارهای منتشره از سوی رژیم در سال ۱۳۶۷ تولید ناخالص داخلی در سطح ۱۵ سال قبل قرار داشت. ظرفیت بهره برداری از واحدهای تولیدی ۳۰-۲۰ درصد کاهش یافته است.

وابستگی و بخشهای تولید کالایی همچنان چشمگیر است. صنایع ایران بطور عمده در "زنجیره پایانی تولید" قرار دارد و صنایع مونتاژ و حساب می آید. وابستگی صنایع به مواد خام و مواد واسطه ای و نیم ساخته افزایش یافته است. وضعیت تولید کشاورزی نیز نامساعد است. سهم تولید محصولات کشاورزی در کل تولید ناخالص داخلی به سود بخش خدمات و واردات آن افزایش یافته است.

سهم تشکیل سرمایه در تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۶۷ به حدود ۱۵ درصد رسیده است. این رقم کمترین میزان نسبی تشکیل سرمایه در جامعه ایران طی سی سال

دفاعی کشور که در دوران جنگ بین ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومان بود در بودجه امسال به ۱۱۰ میلیارد تومان یعنی دو برابر زمان جنگ افزایش یافته است. جمهوری اسلامی با شتاب مشغول آنباشتن انبارهای خود از سلاحهای مرگبار و پیشرفته است.

قیمت کالاها و خدمات مرتباً افزایش می یابد. از نوروژ به این سو افزایش قیمتها شتاب گرفته است. دولت مرتباً و بطور شدیدتر خجا و بویژه نرخ خدمات را بالا میدهد. نرخ بنزین، بلیط هواپیما، اتوبوس بین شهری، قطار، اتوبسهای شرکت واحد، هزینه های پستی، مکالمات تلفنی، هزینه حمل و نقل، مواد غذایی، لوازم التحریر، وسایل بدکی و... شدیداً افزایش یافته است. محصولات کارخانه های داخلی گرانتر از گذشته به دست مردم می رسد. اجاره مسکن بطور بی سابقه افزایش یافته است.

سیاست دولت حذف تدریجی سوبسیدی از کالاهای اساسی و افزایش نرخ خدمات است. حرکت پرشتاب گرانی، آیدایش را از زندگی مردم و بخصوص اقشار کم درآمد سلب کرده و فشار غیر قابل تحملی را بر آنها تحمیل کرده است. در آمد اکثریت مردم به هیچ وجه کفایت هزینه زندگی حداقل آنها را نمی دهد. شغل دوم و سوم با وجود انبوه جوانان در جامعه گسترش یافته است. افزایش قیمتها هر روز کالای دیگری را از دسترس اقشار کم درآمد جامعه خارج میکند، امید به بر خورداری از امکانات فعلی در آینده، برای قشر وسیعی از مردم روز بروز بیشتر رنگ می یابد.

علیرغم اینکه سیاستهای دولت رفسنجانی در برخی زمینه ها موجب توقف رشد منفی و افزایش درآمد ارزی، افزایش واردات و مواد اولیه و کالاهای واسطه ای و بالنتیجه بالارفتن رخی تولیدات صنعتی شده است، ولی اقتصاد کشور با بحران همیتی روبروست و اقدامات دولت رفسنجانی در طی دو سال اخیر نتوانسته است آن را مجار نماید. رفسنجانی در درگیری با جناح تندرو و دست در دست رسالتهای و تجار بازار گذاشته است. این بندبازیا امکان اتخاذ سیاستهای تاطع و ضرور را در خورد با سرمایه تجاری و دولتی سلب کرده است. بعلاوه با فنول بوروکراسی کشور نمی توان تحولات جدی رابیش برد. اقدامات نیم بند قادر به حل مسائل و مشکلات اقتصادی نیست.

برای غلبه بر بحران، جامعه ما نیازمند تحولات بنیادین در هر چه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است.

ب (نگاهی به وضعیت اجتماعی کشور

۱- طبقه کارگر ایران در شرایط سختی بسر میرد. بحران اقتصادی و تورم فزاینده تأثیرات مخرب بی بر زندگی کارگران برجای گذاشته است. دستمزد آنها در مقابل هزینه های زندگی بسیار ناچیز است و کارگران روز به روز فقیرتر میشوند.

جنگ، استبداد و بحران اقتصادی تأثیرات مخربی در صفوف طبقه کارگر برجای نهاده است. روحیه همبستگی و تشکل تضعیف شده است و چ جنبش کارگری که در سالهای پس از انقلاب روندر شدراطی میگردد، دچار عقب گرد و رکود شد. بیکاری وسیع ناشی از بحران اقتصادی و نیز فساد مدیریت دولتی و روحیات منفی را تقویت کرد و گزیدن مشکلات دوم و سوم به تضعیف روحیه همبستگی کارگری منجر شد. این عوامل منفی به عقب نشینی جنبش کارگری انجامید و سرکوب نیروهای چپ در خدمت تشدید این روند قرار گرفت.

پایان جنگ، کاهش امکانات حکومت برای تداوم سرکوب مشغن مبارزات کارگری و تحرک در اقتصاد، شرایط مساعدی برای توقف روندهای منفی در مبارزات کارگری پدید آورده و این امید را تقویت میکند که با کاهش ابعاد بیکاری و پدید آمدن حداقلهایی در زمینه امنیت شغلی، سیر صعودی در جنبش کارگری آغاز شود.

۳- دوران دوازده ساله حکومت جمهوری اسلامی، دوران سطلایی برای بورژوازی تجاری ایران بود. بیش از ۱۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی بخش خصوصی که بخش اعظم آن در دست بازاریان بزرگ انباشته شده، حاصل فارتگری بورژوازی تجاری طی این دوران سیاه است.

بازار که پشتیبان پیگیر استبداد فقاچتی است، اینک در ک کنار دستگاه عظیم و پوسیده بوروکراسی، به موانع بزرگی در مقابل تحولات مترقی تبدیل شده است. عادت به کسب سودهای نجومی و برق آسا، تداوم سیاستهای که همچنان کسب سود سرشار از طریق تجارت رایج میسر می سازد و فقدان شجاعت و جسارت مدنی در میان تجار بازار، سبب میشوند که هیچ انگیزه و محرک نیرومندی برای انتقال سرمایه های انباشته در بازار به بخش تولید وجود نداشته باشد.

مادام که از طریق تحولات اساسی در سیاستهای اقتصادی دولت، محرکهای نیرومند اقتصادی برای انتقال سرمایه از بازار به بخش تولید فراهم نیاید، بر نامه های اقتصادی از پشتوانه مالی داخلی کافی برخوردار نخواهد بود. اتخاذ سیاستهای که این هدف را دنبال کنند، با مقاومت بازار روبرو میشود و مادام که حکومت به بازار متکی است، ناچار به عقب نشینی در مقابل مقاومت آن است.

۳- رشد افقی سرمایه در سالهای ۶۳-۵۸ به شکل گیری لایه کثیری لایه ای از کارفرمایان کوچک و متوسط منجر شد که با استفاده از حمایتهای دولتی و شریط مساعد بعد از انقلاب، روند رشد را طی میکنند. تشدید بحران اقتصادی و تنگناهای ارزی موجب توقف این روند گردید و سرمایه صنعتی در فاصله زمانی ۶۹-۶۴ دوران دشواری را پشت سر گذاشت.

آینده این لایه از سرمایه داری ایران که بخش قابل ملاحظه ای از افراد مستعد را درخ خود گرد آورده، به مقدار زیادی به سیاستها و برنامه اقتصادی دولت گره ورده است. سیاست "درهای باز" آنها را به رقابت نابرابر با سرمایه های بزرگ جهانی و امیدارد و حمایت نسجیده از آنها به نفع فساد، افت کیفیت و تولیدات داخلی و فشار به مصرف کنندگان منجر میگردد.

این لایه که از سیاست اقتصادی حمایت گرانه دولت موسوی، علیرغم برخی انتقادات در مجموع راضی به نظر می رسد، اینک به رفسنجانی چشم امید دوخته است و در مقابل رفسنجانی با جریانات تندرو، از او جانبداری میکند. در همین حال با یادآوری نتایج منفی سیاست "درهای باز" رژیم شاه، نگرانی هایی در این لایه نسبت به بازگشایی بی برنامه های کشور به روی سرمایه های خارجی ابراز میشود.

۴- کارورزان فکری ایران در طول دوازده سال حکومت فقها، فشار سهمگینی را تحمل کردند. بخشی از آنها که دارای درآمد ثابت هستند، بویژه در پنج سال اخیر بخش بزرگی از قدرت خرید خویش را از دست دادند.

روشنفکران کشور علاوه بر مسائل اقتصادی، از آثر سو استفاده صدمات بسیاری را متحمل شدند. خوار شدن علم، ارج یافتن خرافه و ضد علم و تبدیل پول به معیار اصلی ارزش، بیشترین لطمه را به جامعه روشنفکر ایران وار ساخت.

به رقم به رفسنجانی، روشنفکران ایران از مبارزه در راه آزادی باز نایستادند و امروز بخش بیشتر و جامعه روشنفکری کشور، بر چمدان جریان روشنفکری است. جریانی که میتوان از با عنوان نهضتی گسترده یاد کرد که پایه های فرهنگی و روانی اختناق را هفت گرفته است.

وجود صدها محفل ادبی، هنری و فرهنگی که در زیر تیغ سانسور و استبداد، برای شاهه فرهنگ مترقی تلاش میکنند و کوشش بوستندگان، شاعران، هنرمندانی که ایجاد و احیای تشکلهای صغنی خویش را به رفقم همه مخاطرات پی میگیرند، بیانگر تداوم حیات و رشد نهضت روشنفکران در کشور است.

تحرک در اقتصاد و عقب نشینی ناگزیر رژیم در هر چه حقوق فردی و اجتماعی مردم، به گسترش بیش از پیش نفضت روشنفکری می انجامد و روشنفکران پیشرو نقش بیشتری در حیات سیاسی کشور برعهده میگیرند.

۶- شرایط زندگی زنان ایران بیش از هر زمان دشوار و تحمل ناپذیر شده و بحران اقتصادی قبل از همه در زندگی آنان بازتاب فاجعه بار داشته است. آنها بانخستین امواج بیکاری بسیار بیشتر از مردان، مشاغل خویش را از دست دادند. درروستاهای، در نتیجه رکود در صنایع دستی وقالی بافی، بیش از چهارصد هزار زن بیکار شدند و در ش هر جا علاوه بر بحران اقتصادی، سیاستهای زن ستیزانه رژیم نیز، بسیاری از زنان راه کنج خانه هار اند.

ساعتها استادان در صف آرزاق و کار سطاقت فرسا برای اداره خانواده های همدتار جمعیت، در شرایط فقر شدید، زنان زحمتمکش کشور را از پای در آورده است.

حکومت بجای تدوین قوانین حمایتگرانه نسبت به زنان، مردسالاری را تبلیغ میکند و مشوق تعدد زوجات و صیغه است و خواهان تحمیل پوش اجباری بر زنان است. قوانین رژیم بر اساس نابرابری زن و مرد و برتری مرد نسبت به زن تدوین گردیده و ز زنان از تصدی بسیاری از مشاغل قانوناً محروم شده اند.

درصد بیسوادی در میان زنان بطور چشمگیری بالاتر از مردان است و رژیم با سیاست های زن ستیزانه این فاصله را افزایش میدهد.

انقلاب بهمین به بیداری زنان ایران و آشنایی توده های میلیونی آنان نسبت به حقوق خویش یاری رساند. اما سیاست های رژیم در مقابل روند بیداری زنان موانع جدی ایجاد نمود.

زنان آگاه و پیشرو جامعه هرگز در مقابل تحمیلات ارتجاعی و روحانیت حاکم تسلیم نشدند و به اشکال مختلف در مقابل آن مقاومت کرده و می کنند. عدم تمکین به حجاب اجباری یکی از مظاهر بارز این مقاومت است.

۷- نمودی نسبت به آینده، اکنون وجه مشخصه روحیه ملیونها جوان میهنمان است. بیکاری گسترده، تلاکتی که جامعه مان را گرفته، استبداد فراگیر و کمبود شدید امکانات آموزشی و تفریحی جوانان کشور باعث فشار شدید در آن داده است. آنها که سازندگان فرای جامعه هستند، هیچ آینده روشنی در مقابل خویش نمی بینند. امکانات آموزش عالی به هیچ وجه با نیازهای دم افزون جامعه تناسب ندارد و از همین جهت حدود نین بطور بی شرمانه ای به سو و وابستگی به رژیم سو استفاده میشود.

امکانات سرانه تحصیل در سطوح متوسطه و ابتدایی، در نتیجه افزایش سرسام آور جمعیت و عدم تخصیص بودجه کافی به آموزش و پرورش، روز به روز کاهش یافته است. بازار کار تا امروز نه تنها قادر به جذب جوانان نبوده، بلکه بسیاری از شاغلین پیشین را نیز به صف بیکاران رانده است.

جوانان با بهره جویی از هر فرصتی، خشم و اعتراض نسبت به رژیم را به نمایش می گذارند. طی ماه های اخیر، پس از سالها رکود در جنبش دانشجویی، شاهد شکل گیری شماری از حرکات اعتراضی جمعی از سوی دانشجویان بوده ایم. تداوم اینگونه حرکات میتواند نویدگر دوره تازه ای در حیات جنبش دانشجویی کشور باشد.

تشدید تضاد دو جناح حکومت به انشعاب در تشکل های دانشجویی وابسته به رژیم منجر شد و درگیری میان طرفداران جناحین در دانشگاه ها بالا گرفته است. این امر به دانشجویان مبارز امکان بیشتری میدهد تا در جهت دگرگون کردن فضای خفقان

زده دانشگاه جا گام بردارد و در راستای ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی و دفاع از حقوق خویش حرکت نمایند.

۸- بی تردید تحمیل فرهنگ ارتجاعی به جامعه و بزرگترین جبرالم رژیم فحجاست. در سایه دوازده سال حکومت روحانیون، روان جامعه به شدت تخریب گردیده و اینک مردمی که شبانه روز در تلاش برای تأمین معاشند، ناچار میشوند که با تلخی و تاسف لگدمال شدن همه ارزشهای انسانی را نظاره میکنند. آمار جنایت، فساد، زدنی، اعتیاد، طلاق، تجاوز، خودکشی، فساد و فحشاء در کشور به طرز وحشتناکی بالاست. در ادارات دولتی دریافت پول و هدیه از ارباب رجوع به امری همگانی بدل شده است. وجدان ملی به شدت آسیب دیده و کشور به بدترین نوع «جامعه آرتج» بدل گشته است. بجای شکل گیری فردیت به مفهوم رهایی از قیود و سنت های ترونی و سطیابی، نوعی انفرادی پستی بدوی، تنگ نظر و مایوس بر روان جامعه سایه افکنده است.

مردم از این پدیده های منفی با نفرت و انزجار یاد می کنند و رژیم را مسبب اشاعه فرهنگ نامردمی و ایجاد فساد و آلودگی معنوی در جامعه میدانند.

۱۰- روند مهاجرت اجتناب ناپذیر از روستا به شهر، در شرایطی که در شهر هیچ امکاناتی برای جذب مهاجرین در ساختار جامعه شهری ایجاد نشده، حاشیه نشینی را به شدت رشد داده است. اینک اطراف همه شهرهای بزرگ کشور با انبوهی از حلیله آباد و حصار آبادها پوشیده شده است و توده عظیمی از مردم، بدون حداقل هویت شهروندی در جستجوی لقمه ای نان، میان بیکاری و کارهای موقت سرگردانند. شهر حاضر نیست موجودیتشان را به رسمیت بشناسد و در کوتاه مدت هیچ برنامه ای قادر به جذب آنان در ساختار جامعه شهری نیست. از حیلله به خاطر کجاشی نقش روستا در عیات اقتصادی کشور و وابستگی بیش از پیش روستا به شهر، اکنون حرف روستا را نیز عمدتاً نیروی حاشیه نشین میزنند که همانند روستایی، جز با مذهب با هیچ اندیشه دیگری آشناییست.

۱۱- انتشار متوسط شهری که بر تعدادشان در دهه گذشته افزوده شد، در بخشهای خدمات، توزیع و تولید به کار مشغولند. آنها با سرسختی تلاش کردند تا از انت سطح زندگی خود جلوگیری کنند. اما در بخش اعظم خویش، موفق بدین کار نشدند و به ناچار به سطح زندگی پایین تر تن دادند. بدون آنکه آنها پذیرفته باشند. در این بخش از جامعه، آنهایی که از خده سرمایه ای برخوردار بودند و دست و پا زار سبانه و دلالی داشتند، از شرایط بحرانی جامعه در جهت ثروت اندوزی بهره جستند و خود را تا سطح اقتدار مرته جامعه بالا کشیدند. اما اکثریت بزرگ انتشار متوسط شهری فاقد چنین امکاناتی بودند و از لحاظ سطح زندگی به سوی انتشار فرودست رانده شدند.

۱۲- درصد نرخ رشد جمعیت، کشور را باخطر انفجار جمعیت در آینده نه چندان دور مواجه کرده است. رژیم نتوانست هیچ برنامه موثری را که بتواند نرخ افزایش جمعیت را مهار کند، به اجرا درآورد و اقدامات محدودی که تا کنون صورت گرفته نتیجه قابل ملاحظه ای نداشته است.

اگر افزایش جمعیت با نرخ مذکور ادامه یابد، در ۲۵ سال آینده جمعیت ایران به ۱۲۵ میلیون نفر خواهد رسید و اگر همین امروز نرخ رشد جمعیت به زیر ۲ درصد کاهش یابد، که بکلی غیر ممکن است - باز هم کشور بخاطر افزایش بی رویه جمعیت در ۱۲ سال گذشته، با دشواریهای عظیم روبرو خواهد بود.

فقر فرهنگی و مادی، تقویت روحیه مردسالاری از سوی رژیم و فقدان دانش و امکانات پیشگیری از جمله عوامل افزایش سرسام آور جمعیت کشور است. ۱۳- روند تخریب محیط زیست، با شتاب ادامه داد. آلودگی هوای تهران، مدتهاست که از مرز «خطرناک» گذشته است. هر روز از حجم جنگلها و مراتع کاسته میشود. کویر دانه در حال پیشروی است. فرسایش خاک با سرعت جریان دارد. به حجم آبهای آلوده روزانه افزوده میشود. روستاها و آبادیهای کوچک از سکنه تمی و اراضی اطراف در چنگال عوامل فرساینده، لم بزرع رها می گردند.

رژیم خود را نسبت به این روندهای مخرب که آب و خاک مفید کشور را مداوماً تحلیل میبرد و سر نوشت نسلهای آتی را با مخاطرات جدی مواجه میسازد، مسئول احساس نمیشد و تاکنون هیچ برنامه موثری برای منظم محیط زیست ارائه نکرده است.

عدم وجود برنامه های مناسب آموزشی و درگیری مردم با انبوه مشکلات روزمره، موجب شده است که جامعه ایفاد خطری را که از رهگذر تخریب مداوم محیط زیست کشور راتهدید میکند، در نیابد و نسبت به آن واکنش مطلوب را نشان ندهد.

فساد و بی تفاوتی در نهادهای دولتی که قانوناً وظیفه حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارند، به سودجویان امکان داده میدهد که به بجای نابودی جنگلها و مراتع و آلوده کردن آب و هوای کشور مال اندوزی کنند.



بحران عظیم اجتماعی که هم اکنون میهمان را فراگرفته و به جغاتی از آن فواقا اشاره رفت، محصول تسلط فقهی تاریک اندیش بر کشور است. رهایی از این بحران که تمام تار و پود جامعه را فراگرفته، بدون استقرار دموکراسی در کشور، بسنج همهامکانات ملی و انجام اصلاحات اساسی ناممکن است و این همه در گرو پایان دادن به رژیم ننگینی

است که به سد راه استقرار دموکراسی و پیشرفت و تکامل جامعه بدل شده است.

وضعیت خلتقهای ستمدیده و اقلیتهای ملی - مذهبی

ستم ملی بر خلق های تحت ستم کشور و گروه های ملی و قومی و تضییقات مذهبی بر اقلیت های مذهبی که دوازده سال است جملگی با تئوری «امت واحده» توجیه می شود، گماکان ادامه دارد. نظر به بالا بودن سطح خودآگاهی ملی و سنت دیرپای مبارزه سیاسی متشکل در میان خلق کرد، کردستان، همچنان کانون اصلی مقابله جنبش مطالبات ملی با رژیم سرکوبگر آخوندی است. در سال های اخیر با پایان گرفتن جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق حکومت از امکانات بیشتری برای خفه کردن جنبش ملی خلق کرد برخوردار شده است. در کنار این واقعیت، روندهای دیگری نیز جریان دارد. رژیم با دست بازتری سیاست عقب نشینی معین در مقابل مطالبات فرهنگی مردم کردستان را ادامه می دهد، از تحقیر خشن اهل تسنن بدانگونه که در سال های قبل از سوی نهادهای مذهبی رژیم و عناصر متعصب ارگان های حکومتی اعمال میشد احتیاط می کند، و نیز پاره ای زورگویی های غیر قابل تحمل در ادارات محلی کردستان تعدیل یافته است. با این همه، کردستان کماکان سابق یک پادگان بزرگ نظامی است و رژیم حضور سنگین نظامی خود را در آنجا حفظ کرده است، و جنبش ملی خلق کرد که همچنان دارای پایگاه وسیع توده ای است نیز در حیات اجتماعی، سیاسی و نظامی کردستان حضور دارد. در سه سال گذشته، با آنکه اشکال نظامی مبارزه ملی به حیات خود ادامه داده و مقبولیت خود را از دست نداده است، اما هر چه بیشتر جنبش ملی به اشکال سیاسی مبارزه گرایش پیدا کرده است. جنبش ملی خلق کرد، قوی و محمل شکل های هنوز قدرتمند و گسترده گردی است و بقا و دوام این تشکل های ریشه دار مردم کردستان، گماکان مسئله رژیم است.

در ترکمن صحرا، حاکمیت مطلق رژیم از یکسو و عوارض سنگین شکست جنبش دموکراتیک و ملی خلق ترکمن از سوی دیگر، مانع از بروز عیان ناراضی ملی ترکمن ها در برابر رژیم است. بعلاوه علائق و توجهات ویژه رژیم آخوندی نسبت به ترکمن های آنسوی مرز و سیاست های ناشی از آنها، و تقسیم توجه متقابل بخش هایی از اهالی ترکمنستان شوروی به رژیم مذهبی حاکم بر ایران، موجب افتخارهای فکری معینی در میان بخش هایی از خلق ترکمن ایران شده است. با اینحال، واقعیت اصلی در ترکمن صحرا همچنان احساس خصومت و بیگانگی بین رژیم و مردم ترکمن است. پشتوانه معنوی جنبش روشنفکری ترکمن ها، که در میان تشکلها و محافل متعددی تقسیم شده است، همین واقعیت است. در چند سال اخیر، گرایش عمده در میان اکثر مبارزان ترکمن فعال در سازمانها و احزاب سراسری چپ، بمانند اکثر اعضا و هواداران کرد تشکل های سراسری چپ، گرایش به جدایی و تشکیل گروه ها و محافل مستقل بوده است.

در بلوچستان نیز، خلق بلوچ رژیم را تماماً علیه خود می شناسد. فقدان جنبش ملی - دموکراتیک نیرومند و ریشه دار در بلوچستان و حضور نظامی رژیم در این منطقه و همکاری نر آینده آن با رژیم پاکستان در مقابله مشترک با بلوچ های دوسوی مرز از یکسو، و تداوم کما بیش سنت بهره گیری از ارتجاع از احساسات ملی بلوچ ها به سود منافع و مطامع سیاسی خود و وجود دستجات قدرتمند قاچاقچی محلی که تاسیونالیسم بلوچی را پشتوانه مقابله مسلحانه خویش با رژیم قرار داده اند از سوی دیگر، همچنان مانع از بروز اعتراض ملی بلوچ ها در چهره اصلی دموکراتیک آنست. جنبش کم توان ملی - دموکراتیک در بلوچستان هنوز مراحل نخستین سیاسی و سازمانیابی خود را طی می کند. فقر و فاقه عمومی و فقدان حداقل امنیت اهالی، همچنان مشخصه اصلی بلوچستان است. مردم بلوچستان و بویژه روستائیان مرزنشین، قربانیان بلاواسطه درگیری های نظامی روزمره بین رژیم و دستجات مسلح قاچاقچی هستند.

در آذربایجان، گرایش های ملی میان بخشی از روشنفکران رو به رشد است. این تمایلات با آنکه هنوز هم عملاً بار فرهنگی دارند و احیا و ترویج فرهنگ و زبان آذربایجانی را هدف گرفته اند، ولی اینجا و آنجا در شکل ارائه برنامه سیاسی - اجتماعی و شکل گیری کانون های مختلف در داخل و خارج کشور تعین سیاسی و سازمانی نیز پیدا کرده اند. این احساسات، به میزان زیادی تحت تأثیر تاسیونالیسم نیرومند در آذربایجان شوروی است. رژیم که فعالانه سیاست تقویت گرایش اسلامی در تاسیونالیسم چندسویه آذربایجان شوروی را در پیش گرفته است، نسبت به رشد کانون های فرهنگی در فرهنگ - سیاسی در آذربایجان که عموماً در متوله جنبش دموکراسی قابل تعریف هستند، حساسیت دارد.

در خوزستان، هنوز هم روند بازتجدید تدریجی به مناطق ویران شده جنگی را طی می کند و همچنان با مصائب و عوارض سهمگین جنگ دست به گریزند. آنها که سرکوب های وحشیانه رژیم آخوندی را در سال های نخستین استقرار آن با تمام وجود تجربه کرده اند، خاطرات تلخ جنایت ها، ویرانگری ها و تجاوزهای سربازان صدام حسین هری را نیز بیاد دارند. مردم عرب خوزستان که از فقر، بی مسکنی، در بدری و عقب ماندگی همه جانبه رنج می برند، مدتهاست از حداقل پیوند با معهود عناصر روشنفکر جامعه خود نیز محروم شده اند. احساسات ملی عرب های خوزستان در حال حاضر

تقریباً هیچ بروز سیاسی و حتی فرهنگی ندارد. در شرایط استمرار رژیم آخوندی، اقلیت های ملی - مذهبی و مذهبی کشور موقعیت نابینجاری دارند. اگرچه در مقایسه با سال های پیش، از دست درازی های غیر قابل تحمل رژیم در امور مذهبی و فرهنگی این اقلیت ها کاسته شده است، معجزاً اساس حاکمیت آخوندی های شیعه و نظام سیاسی غیر فنی در کشور فنی نفسه موجود تبعیضات و محدودیت های مضاعف نسبت به این اقلیت است. اقلیت های ملی - مذهبی و در درجه اول بزرگترین، متکثرترین و پیشرفته ترین آنها یعنی جامعه ارمنه در پاسداری از فرهنگ و مذهب خود ناچار شده اند تا عامل تمایلات استبدادی و ارتجاعی حکومتگران را در نظر بگیرند. رژیم بویژه نسبت به گروه ها و عناصر دموکرات و ترقیخواه ارمنی و زرتشتی حساسیت دارد. رژیم به وجودیان و هر فرد بجایی با دیده سوختن و خصومت مینگرد.

آزادیهای دموکراتیک

از انقلاب مشروطه بدینسو، همواره آزادی، خواست مشترک نخبه های مترقی کشورمان بوده است. در انقلاب بعون نیز آزادی، شعار مقدم توده های مردم بود.

رژیم ولایت فقیه که در ذات خود، ضد آزادی است، جز از طریق تلق و تمع آزادی های دموکراتیک و کشتار آزادی خواهان کشور، نمی توانست مستقر شود.

به رغم قتل عام و حشایشه آزادی خواهان، رژیم «ولایت فقیه» به مفهوم «دستگاه خلافت روحانیون شیعه» هرگز به تمامه در کشور مستقر نماند.

و همواره رژیم جمهوری اسلامی آمیزه متناقضی از نهادهای مدنی نظیر مجلس شورا، دولت، ریاست جمهوری، قانون اساسی، دادگستری و... از یکسو و نهادهای سنتی دستگاه خلافت نظیر «ولایت فقیه»، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، رساله های عملیه و کتب شرعی، حکام شرع و... از سوی دیگر بوده است.

تاوانی فقها در براندازی نهادهای مدنی ساختار حکومت، نتیجه تثبیت این نهادها در سایه بیش از یک قرن پیکار مردم ایران در راه آزادی و قانونیت است.

شکست روحانیت حاکم برای انبوه ساختن مذهب به عنوان محتوای اصلی انقلاب بعون، پس از تحمیل بحران عظیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی به جامعه، آشکار گردید. این شکست و تشدید روزافزون بحران همه جانبه، هوشتارترین نمایندگان رژیم را به چاره جویی واداشته است.

شکست رژیم در اداره امور کشور، تضادهای درون حکومت، تناقض فاحش رژیم ولایت فقیه با روحیه ای که جهان از سر می گذراند و تحولات فکری در میان مسلمانان خواستار عدالت، استقلال و ترقی کشور، بر بستر ساختار متناقض حکومت، بحث پیرامون آزادی را به محافل حکومتی متکی نمودند و دستجات مختلف حیات حاکمه در چاره جویی برای غلبه بر ناکامی ها و به منظور بسج نیرو علیه یکدیگر، به کشاکش علنی در هر صه «آزادی» کشانده شدند.

به رغم تلاش سران رژیم برای برکنار نگذاشتن کشور از تحولات عظیم جهانی، فروپاشی حکومت های تمامیت گرا و استبدادی در بخش های بزرگی از جهان و برآمد نیرومند «آزادی و دموکراسی» به تازگی روندی جهانی، در میان مردم ایران و سیاستپون کشور تأثیرات قاطع برجای گذاشت. رژیم حتی نتوانست کادری خود را از تأثیرات این رود جهانی مصون نگذارد.

بیش از انتخابات آزاد از سوی ساندینست های نیکاراگوئه و عقب نشینی ع عموم حکومت های تمامیت گرای اروپای شرقی در مقابل اراده مردم، در ایران بازتاب گسترده یافت و نظریه بی پایه «کسب مشروطیت از آسمان» را بیش از پیش بی اعتبار و غیر قابل دفاع نمود.

علاوه بر تأثیر عوامل جهانی، در نتیجه ظاهر شدن عوارض وحشتناک بیش از ده سال استبداد مذهبی و جذب تدریجی تجارب انقلاب بعون از سوی توده های مردم، اندیشه «آزادی» در میان مردم و پیشروان سیاسی جامعه بیش از هر زمان قوت گرفته است. در سراسر آموزش روشنفکران و نیروهای سیاسی ترقی خواه از تجارب فاجعه بار دهه ۶۰ و کارآگاهگران روشنگران در جهت تقویت این روند تأثیر بخشیده است.

تحت تأثیر مجموعه روندهای ملی و بین المللی، هر روز که می گذر د از آزادی به خواستی مقاومت پذیر در جامعه و حکومت بدل میشود. رژیم بالاچار به هم عقب نشینی های قابل ملاحظه هم در هر صه نظر و هم در میدان عمل تن داده و می دهد و جامعه به گونه ای دم افزون و نهادهای تازه و تازه تری را برای پیکار در راه آزادی و گسترش دامنه آن از درون خود بیرون میدهد. محافل علمی، فرهنگی و هنری مدام پدید می آیند و دامنه فعالیت خویش را گسترش می دهند. جراند مستقل موقعیت خویش را تحکیم می کنند و نشریات جدید به جرگه مطبوعات کشور می پیوندند. خردگرایی و برخورد علمی به جراند تحت کنترل رژیم راه میبرد و سیاستپون و قلمزنان مترقی بیشتری در صحنه مطبوعات حضور می یابند. مایهواره به عنوان نمودی از تکنولوژی عصر انقلاب عظیم علمی و فنی، مروجان خراشه و جمل رابه هراس می افکند و راه را برای تحمیل گشایش به نضای خفقان زده تلویزیون دولتی هموار می کند. ویدئو دیوار سانسور و حشایشه نیلم را می شکند و وجود دیوهای متعدد فارسی زبان، سانسور خبری را عقیم می گذارد.

از شمار حاضران در مراکز تبلیغی رژیم و نماز های جمعه دانه کاسته میشود و شمار مشتاقان نشریات و کتب افزایش می یابد.

این همه اما تا زمانی تداوم می یابد که تاوانی رژیم در قلمبه بر مشکلات و احیای سلطه مطلق بر امور کشور ادامه داشته باشد. سران حکومتی که «انحصار قدرت در دست روحانیت شیعه» اندیشه پایه ای آن است، خوبی درک می کنند که در جام رشد و رونق آزادی، پایان رژیم جمهوری اسلامی آنجاست. پس همواره در کمین اند تا نال آزادی را که میرود سر برآورد، بار دیگر

توجه به وضعیت متناقضی که اکنون در کشور وجود دارد، وظیفه دوگانه ای را پیش روی اپوزیسیون قرار میدهد: تلاش مشترک برای هر چه فراخ تر کردن منافذی که در دیوار بلند و قطور استبداد پدید آمده و می آید و پر هیز از اشاعه خوش بینی نسبت به لیبرال نمایی های این یا آن مقام یاجریان مملکتی.

درباره حکومت جمهوری اسلامی

۱- قبل از مرگ خمینی اصلاحاتی در قانون اساسی در زمینه ولایت فقیه و ساختار حکومت صورت گرفت. اجتماع و رهبری نظام از یکدیگر تفکیک شدند. پست نخست وزیری حذف شد و وظایف نخست وزیر برعهده رئیس جمهور قرار گرفت. این اصلاحات قانونی زمینه را برای تغییرات بعد از خمینی به وجود آورد. قبل از مرگ خمینی روشن بود که رفسنجانی پست ریاست جمهوری را اشغال خواهد کرد و موسوی نخست وزیر سابق - و کابینه او حذف خواهند شد.

با پیاده کردن طرح جدید ساختار حکومتی، موسوی و شمار بزرگی از وزرای کابینه او که در شمار پیروان تندرو خمینی بودند، از کار برکنار شدند.

۲- بعد از مرگ خمینی، مجموعه جریاناتی که در حاکمیت جمهوری اسلامی سقیم هستند، در هراس از سر نوشت خویش، تقسیم کاری را به سمت متحقق کردند. در جریان این تقسیم کار خامنه ای در مقام «ولی فقیه» قرار گرفت، رفسنجانی به ریاست جمهوری رسید، کروی پست ریاست مجلس را اشغال کرد و ریاست قوه قضائیه به یزدی سپرده شد.

کروبی به محافل موسوم به تندرو و یزدی به جامعه مدرسین قم و جریان رسالت داشتند و در حالیکه رفسنجانی به عنوان بیانگر مصلحت های نظام چهره میکرد، خامنه ای می کوشید تا خود را ماوای جناح بندها جلوه دهد.

۳- جنبش قدرتی که هم در زمان حیات خمینی شتاب گرفته بود و بیشتر به حذف منتظری منجر شده و در جریان تقسیم کار مذکور به کنار گذاشتن چهره هایی نظیر موسوی، اردبیلی، نبوی و... انجامیده بود، با این تقسیم کار تخفیف نیافت و اندکی پس از فروکش احساسات ناشی از مرگ خمینی، با شتابی مضاعف ادامه یافت و دسته بندیهایی با سیمای صریح تر در سیاست های داخلی و خارجی را موجب شد. این دسته بندیها گرچه در استخوان بندی اصلی خویش در زمان حیات خمینی شکل گرفته بودند، اما در دور جدید جنگ تشدرت دستخوش تحولات چندی شدند.

۴- سمتگیزی رفسنجانی در جهت حل و فصل مسائل بحران سرمایه داری و انزایش بخش خصوصی در اقتصاد و نیاز خامنه ای به حمایت روحانیون طراز اول، این دو شخصیت اصلی رژیم را به سوای ائتلاف با جناح راست افراطی حکومت که همدا تها به وسیله جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شورای نگهبان، روزنامه رسالت، سران اتحادیه های صنعتی وانجمن های اسلامی بازار نمایندگی می شوند، سوق داد و در زمانی کوتاه ائتلاف نیرومندی از خامنه ای، رفسنجانی و راست افراطی بسیاری از بستهای مهم را به انحصار خویش درآورد و دست بالا در حکومت را از آن خود کرد. این ائتلاف از گذشته، کنترل سیاه و انترشن را در مجموع در اختیار داشت.

۵- مخالفان سمت گیری رفسنجانی، کسانی که با شعار تداوم «راه خمینی» به میدان جنگ قدرت آمدند و ناراضیانی که در مراحل مختلف جنگ قدرت مشمول تشویه واقع شده بودند، به تدریج قاصله بیشتری نسبت به ائتلاف مسلط احساس کردند. آنها که بیشتر هموما در محافل مختلف تندرو گرد آمده بودند، در قالب اکثریت مجلس، سیمای مشخص تری یافتند و جناح نیرومندی را پدید آوردند. این جناح که امروز تندرو نامیده میشود، به رغم تنشهای درونی، همدا تها حول مخالفت با سیاست خارجی، برنامه اقتصادی و جغاتی از برنامه اجتماعی دولت رفسنجانی و تأکید بر تداوم راه خمینی متحد شده است.

جناح تندرو علاوه بر داشتن اکثریت در مجلس، در شماری از ارگانها، نهادها وانجمن های اسلامی از نیروی قابل توجهی برخوردار است. «دفتر تحکیم وحدت» و جامعه روحانیون مبارز و خانه کارگر از جمله تشکلهای مهم این جناح است.

۶- ائتلاف مسلط از همان ابتدا مصمم بود که بر مقاومت تندرو و جاد مقابل برنامه های خود فائق آید. بدنبال ضرباتی که در جریان تقسیم کار بعد از مرگ خمینی بر تندروها وارد آمد، انتخابات مجلس خبرگان نقطه عطفی را در مناسبات طرفین رقم زد. در این انتخابات ائتلاف مسلط با بهره جویی از موقعیت خویش در شورای نگهبان، به بجای آشکار حاشیه ای به سطح طرف دعوای مستقیم تندروها، از ورود آنها به مجلس خبرگان جلوگیری کرد. در جریان انتخابات خبرگان، گرچه ائتلاف مسلط

در جریان انتخابات خبرگان، گرچه ائتلاف مسلط

توانست از ورود تندرو و جاه طلبانه مجلس خبرگان جلوگیری و خطر تجدید مقام "ولایت فقیه" از سوی آنان را مرتفع سازد، اما خود نیز با خطر توسل به حربه یابی که حتی در عرف جمهوری اسلامی نیز بی سابقه و "رسوایی آور" بود، متحمل ضربات حیثیتی سنگینی بویژه در نزد افکار عمومی پایه اجتماعی رژیم شد.

انتخابات خبرگان به همه و بویژه به جناح تندرو ثابت کرد که ائتلاف مسلط برای تلبه بر مقاومت مخالفان برنامه دولت رفسنجانی، از توسل به هیچ وسیله ای ابا نخواهد داشت و پانشاری در مخالفت به حذف از مرکز تصمیم گیری خواهد انجامید.

۷- پیش از جنگ خلیج فارس، ائتلاف مسلط بر قم موقعیت برترش، هم به دلیل شرایط بین المللی و هم بخاطر موقعیت هنوز قابل توجه تندروها، برنامه خویش را به سختی و با سرهستی که به هیچ رو پاسخگوی بحران دم افزون جامعه نبود، به اجرا در می آورد و در موارد متعددی موفق به جری آن نمی شد.

در اوایل بحران خلیج فارس، رژیم عراق به قصد کسب اطمینان از نقش جمهوری اسلامی در بحران، مواضع سرسختانه خویش در مذاکرات صلح را تعدیل کرد و تن به اجرای قطعنامه ۵۹۸ داد. پدید آمدن گشایش در مناسبات ایران و عراق و پیشرفت مذاکرات صلح، منجر به تقویت مواضع رفسنجانی و ائتلاف مسلط شد.

در جریان بحران خلیج فارس و پس از شکست ماجراجویی فاجعه بار صدام، رفسنجانی و ائتلاف مسلط موقعیت جدید ایران را با ماجرات نتیجه تدبیر خویش جلوه دادند، جناح تندرو را که از زبان برخی از سران خواستار حمایت از صدام حسین شده بود، در معرض تحاجم تبلیغاتی قرار دادند و با بهره ججوی از شرایط مساعدی که پدید آمده بود، در جهت اجرای برنامه جای خویش گام برداشتند.

۸- شتاب دولت رفسنجانی در سمت گیری به سوی غرب و پیچیدن نسخه هایی که عمدتاً بین المللی پول و بانک جهانی برای اقتصاد بیچارگان تجویز کرده بودند، تقابل "راه رفسنجانی" با "راه خمینی" را آشکار نمود. این امر به تندروها امکان داد تا با شعار دفاع از تعادیم "راه امام" به تعرض دست بزنند. در نتیجه این تعرضات متقابل، تضاد جناحها از هم تشدید شد، تندروها که خود را در خطر حذف شدن می دیدند، ضمن تداوم انتشار ماهنامه "بیا" انتشار دو روزنامه "اسلام" و "دنیای اسلام" آغاز کردند.

این نشریات بمباره تریون های مخالف مختلف تند رو، منازعات شدید طرفین، دشنام گویی ها و افشاگریها را از مجلس شورای اسلامی به جامعه کشاندند.

۹- تشویق شدن درگیرها به جامعه، مبارزه و جناح وارد فاز تازه ای شد و اکنون در حالیکه جناح تند رو با استفاده از تریون های مذکور و سایر امکانات خویش، می کوشد تا نقشه حریف برای تسخیر مجلس در انتخابات دوره چهارم را خنثی کند، ائتلاف مسلط با چشم و نیت سران جناح مقابل ربه خیانت و نوکری بیگانه متهم میکند.

۱۰- تعرض تبلیغاتی شدید تندرو ها علیه سیاست خارجی و برنامه های دولت، سبب پدید آمدن تردیدهایی در میان بخشهایی از مولکترین رفسنجانی گردید. این امر دولت را که تا حد دعوت از بزرگ سرمایه داران فراری جهت بازگشت به کشور، پیش رفته بود، به عقب نشینی های موقتی و ادار نمود، اما به رغم این عقب نشینی های محدود، تلاش ائتلاف مسلط برای خنثی کردن مقاومت تندروها و اجرای برنامه های خویش به شدت ادامه دارد.

پیش تدارکات گسترده ای را برای انتخابات مجلس چهارم آغاز کرده اند و همه شاهد حکایت از آن دارند که این انتخابات به صحنه مبارزه حاد طرفین بدل خواهد شد. برای تندروها از کف دادن اکثریت مجلس، به معنی رانده شدن از آخرین مرکز مهم تصمیم گیری و پایان حیثیتشان بمباره جناحی ذینفوذ در رژیم جمهوری اسلامی است و برای ائتلاف مسلط تداوم کنترل مجلس بوسیله تندروها به معنی شکست برنامه های دولت و سقوط است. لذا انتخابات مجلس چهارم برای طرفین اهمیت حیاتی دارد و چنین به نظر میرسد که ائتلاف از شناسن بهراتب بیشتری برای قلبه بر حریف در این کارزار برخوردار باشد.

۱۰- ظاهر شدن آثار شکست قطعی در مقابل ائتلاف مسلط و روشن تر شدن بیش از پیش این حقیقت که "راه امام" به انتهای خویش رسیده است، مشخص شدن این نکته که با مخالف خوانی صرف نمی توان بنای یک جریان را تأمین کرد، بازتابهای متفاوت بحران اقتصادی در پایه اجتماعی رژیم، و سرانجام برجسته تر شدن جایگاه آزادی در جامعه و انعکاس آن در نیروهای جناح تندرو، امرها و دشواریهای تشنه ای درونی قابل توجهی کرده و گرایشهای متفاوت و گاه متضادی در درون این جریان در حال شکل گیری است.

مجموعه روندها و شواهد این فکر را تقویت می کنند که در ادامه جنگ قدرت، جناح تندرو دچار تلاشی شود، بخشی از آن با تمکین به ائتلاف مسلط ادامه حضور در حکومت را برای خویش تأمین کند، بخشی با شعارهای افراطی و ارتجاعی به روشهای تخریبی روی آورد، مناصری به خارج از گردونه سیاست رانده شوند و محافل نیز با شعارهایی نظیر "آزادی" و "امرجیت مردم" در مواضع اپوزیسیون آشکار رژیم قرار گیرند.

۱۰- ائتلاف مسلط گرچه در بخشهای مهمی از برنامه دولت رفسنجانی و در سیاست قلبه بر مقاومت تندروها اتفاق نظر دارد، اما موارد نه

چندان کم اهمیتی دستخوش تضادهای درونی است. رقابت ظریفی که میان رفسنجانی و خامنه ای جریان دارد و در نتیجه آن کاخ ریاست جمهوری و بیت ولی فقیه به دو کانون موازی قدرت بدل شده اند، عدم اعتدال در بین نه ای که میان رفسنجانی از یک سو و رسالت و جامعه مدرسین از سوی دیگر وجود داشته و دارد، تضاد بازار و سرمایه صنعتی بمباره دو پایه اجتماعی مهم ائتلاف، نا همخوانی شدید محافل بوروکرات و تکنوکرات حول و حوش رفسنجانی با روحانیون به شدت قشری شورای نگهبان و جامعه مدرسین هم از جمله عواملی اند که پایداری ائتلاف در دراز مدت را وارد تردید قرار می دهند و این فکر را تقویت میکنند که پس از حل مسئله تندرو، مولکترین امروز، رقابتی فردا خواهند بود و جنگ قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی با حذف تندروها پایان نخواهد پذیرفت.

۱۱- رفسنجانی که امروز با پشتیبانی گسترده راست افراطی، حذف مخالفان تندروی خویش را پی میگیرد، به منظور بسیج نیروی کافی و مناسب جهت اجرای برنامه های خود و نیز به خاطر براس از فرادای که ائتلاف خامنه ای و راست افراطی را در مقابل خویش ببیند، به ایجاد پایگاه اجتماعی کم و بیش متفاوتی با پایگاه سنتی رژیم تمایل نشان می دهد و در این جهت مدمات به جلب محافل تکنوکرات و بوروکرات و صاحبان سرمایه و فن می اندیشد.

مذاکره با سرمایه داران بزرگ فراری و دعوت از آنها برای بازگشت به کشور و ملاقات و مذاکره با جهره های سرشناس رژیم سابق بیانگر آنست گروه رفسنجانی مقدم بر همه به پایه اجتماعی اپوزیسیون راست سلطنت طلب نظر دارد. در همین حال تمکین موقت این گروه به برخی فعالیتهای فرهنگی، هنری و فرهنگی-سیاسی محافل دمکرات و مترقی نشان می دهد که گروهبندی رفسنجانی مایل است در عرصه جلب حمایت با بی طرفی پایه اجتماعی اپوزیسیون دمکرات رژیم - که اینک بیش از هر زمان گسترده است - نیز بخت خویش را بیازماید.

علاوه بر الزامات جنگ قدرت، رفسنجانی برای آنکه بتواند سیاست خارجی خویش را سریعاً متحقق سازد، ناچار است چهره تعدیل شده تری از رژیم جمهوری اسلامی به جهان غرب عرضه کند. این عامل نیز در لیبیل نهایی های او موثر است.

در همین حال او در کمیند که بدون جذب سرمایه و متخصصین، برنامه اقتصادی دولت شناس گمی برای اجرا خواهد داشت و متخصصین و صاحبان سرمایه نیز بدون وجود حداقل جایی در زمینه آزادیهای فردی و امنیت اجتماعی جذب نخواهند شد.

۱۲- همه دسته بندیهای رژیم، به رغم همه اختلافات و درگیریها، بر سر حفظ نظام مبتنی بر ولایت فقیه و مخالفت با آزادی فعالیت احزاب مخالف ولایت فقیه اتفاق نظر دارند. همه محافل مسلمین در قدرت در ضرورت سرکوب تشکلهای سیاسی دگر اندیش متفق القولند و معصفت تر نشان تنها قادرند فعالیت فرهنگی محدود و انفرادی عناصر دگر اندیش را موقتاندا دیده بگیرند.

در همین حال در شیوه برخورد با دگر اندیشان تغایرهای معینی میان محافل گوناگون هیات حاکمه به چشم می خورد. وزارت ارشاد که در اختیار محافل افراطی و راست افراطی است و محافل حوش رفسنجانی از شیوه های منطصلت تر مقابله با فعالیت دگر اندیشان جانبداری می کند، امام مولکترین راست افراطی رفسنجانی و بخشهای دیگری از محافل تندرو همچنان بر تدایم روشهای سرکوبگرانه پای می فشارند.

همچنین اشتراک نظر دسته بندیهای مختلف حکومت، در حفظ نظام مبتنی بر ولایت فقیه با تبیین های متفاوت نسبت به نظریه ولایت فقیه جهره است. نظریه پردازان ائتلاف مسلط مشروعهیت و حقانیت نظام را مستقل از نظر اکثریت مردم می دانند و محافل افراطی و تندروها عنوان می کنند که در چارچوب نظام ولایت فقیه، همه مقامات و از جمله ولی فقیه تا زمانی مشروعهیت دارند که رای اکثریت مردم را با خود داشته باشند.

نگاهی بر اپوزیسیون رژیم

۱- چپ ایران هنوز از زیر آوار ناشی از شکست در انقلاب بجم و فروپاشی "اروگاد سوسیالیسم" تد راست نگرده است. اما نشانه های امید بخشی که حاکی از به پایان رسیدن بحران ناشی از عوامل مذکور است، دیده میشود. روند واگرایی فکری و کسست از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی آهنگ کندی یافته و از متن روندهای منفی، جریان همکاریهای فکری حول آرمان خواهی سوسیالیستی و نگرش دمکراتیک سر بر آورده است. اندیشه "وحدت در تنوع" و مبارزه متحد بر پایه آرمان و برنامه مشترک هر روز نیروی بیشتری می گیرد و چپ ایران روند بازبینی هویت خویش را طی می کند.

روند تضعیف دکماتیسیم سنتی ادامه دارد و حضور آن هر روز نامحسوس تر میشود. سردرگمی در عرصه انتخاب اجتماعی رو به پایان است و هر روز شمار بیشتری از فعالین چپ بر ضرورت دفاع از ارادی گسترش یافته کار و زحمت و بیگانه علیه نظم نامعادلان حاکم بر جهان مهر تأیید دویاره می گویند و به موازات آن ثبات، اصول و اخلاق در برنامه سیاسی چپ جای بیشتری می یابد.

به رغم این روندهای مثبت، هنوز تارسیدن چپ به سطح یک جریان سیاسی نیرومند و تاثیر گذار، راه درازی مانده است. تلاشی که بویژه در طول یکسال اخیر از سوی عموم احزاب، گروهها و افراد چپ در جهت همکاری و نزدیکی با یکدیگر صورت گرفته، می تواند در کنار تداوم تلاشهای راه جویانه مبارزان چپ داخل کشور و تقویت

پیوندهای میمابین، در خدمت نیرومندی و یگانگی چپ و گشودن بن بست موجود در جنبش دمکراتیک کشور نقش شایسته ای داشته باشد.

۲- سازمان مجاهدین خلق ایران در دوران بهبود مناسبات دو رژیم ایران و عراق در بن بست سختی قرار گرفت و ناچار شد برای بقای خویش بهای سنگینی بپردازد و در مقابل جنایات فجاجه آمیز دیکتاتور بغداد سکوت کند.

پس از جنگ خلیج فارس، کشتار و حمله شیعیان عراق بوسیله ارتش صدام و مداخله پاسداران جمهوری اسلامی در حوادث جنوب عراق و مجموعه سیاستهای مداخله جویانه رژیم فقهی، موجب بکرتگی مجدد مناسبات دو رژیم شد. این امر مجال دیگری در اختیار مجاهدین گذاشت و به آنها امکان داد تا خطر وجه المصلحه شدن را موقتاندا پشت سر بگذارند.

متأسفانه تحولات عظیم جهانی، حوادث اخیر منطقه و آشکار شدن بیش از پیش نادرستی سیاستهای رهبری مجاهدین در پرتو تجربه بحران خلیج، هیچ یک تاثیر آشکاری در سیاستها، خط مشی و عملکرد بیرونی مجاهدین نداشته است.

مناسبات مجاهدین با سایر نیروهای اپوزیسیون همچنان تیره است و هیچ نشانه ای که حاکی از تصحیح مواضع و تمایل مجاهدین به نزدیکی و همکاری با دیگران باشد، دیده نمی شود.

به رغم عوامل محدود کننده ای که در مقابل تاثیر پذیری فعالین سازمان مجاهدین از روند عظیم تحولات فکری نیروهای مترقی جهان در سالهای اخیر وجود دارد، نمی توان پذیرفت که این سازمان بتواند به مقاومت در مقابل استقرار و نهادی شدن دمکراسی در حیات اپوزیسیون چون گذشته ادامه دهد. تحکک اخیر شماری از کادرهای منتقد رجزی سازمان مجاهدین که ستایش قهر، کیش شخصیت، نقدان دمکراسی در درون سازمان و نوع مناسبات رهبری مجاهدین با رژیم عراق را مورد انتقاد قرار می دهند، می تواند نشانه ای از اثر بخشی تحولات مذکور در میان مجاهدین خلق نیز تلقی شود.

۳- طیف میانه اپوزیسیون عمدتاً به وسیله جریاناتی نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی، جمهوری خواهان ملی و شماری از شخصیت های ملی و جریانات کوچکتری نظیر "حزب سوسیالیست" نمایندگی می شود. در این طیف نیز تحت تاثیر مجموعه تحولات جهانی و ملی، مواضع و بیش متفاوتی دیده میشود.

پس از جنگ خلیج فارس و افزایش امکانات رفسنجانی برای حرکت در راستای برنامه خویش، امید به استحاله رژیم در جهت یک حکومت کم و بیش عرفی و لیبرال در میان برخی از نیروهای میانه اپوزیسیون افزایش یافته است. اما این امید تا روز بایم و نگرانی همراه بوده است. ما حاصل این دوگانگی، به صورت تناقض در عمل سیاسی جریانهای مذکور رخ می نماید: برخی از آنها در آن واحد می کوشند هم به تعدد تقویت رفسنجانی با گفتگو با او را بکشایند و هم با اپوزیسیون خواستار پایان دادن به رژیم، در رابطه با همکاری متقابل مذاکره کنند.

گرچه در ماههای اخیر تمایل به پذیرش نظریه استحاله در نیروهای میانه اپوزیسیون رو به رشد بوده است، اما هنوز نمی توان از یک جهت گیری قطعیت یافته در میان آنها سخن گفت. تلاش رژیم برای جلب متخصصین که قسماً به احزاب میانه وابستگی دارند، در ظهور تناقضات مذکور تأثیر داشته است. روشن تر شدن جهت گیری رفسنجانی و نتایج عملی آن، ارائه سمت گیری های مشخص تر ربه احزاب و افراطیون میانه تحمیل میکند.

۴- کاهش شدید سسطح فعالیت جریانات سلطنت طلب، افزایش تنش در مطبوعات وابسته به آنها، مواضع سیاسی متفاوت و متضاد شکل گیری بیش از پیش جریانات مختلف نظیر از جمله روندها و عناصر شاخص این جریان است.

گذشت زمان و روشن تر شدن بی پایگی ادعاها و وعده های سران سلطنت طلب، برای هواداران نشان این حقیقت را هر روز عیان تر میکند که فکر احیای سلطنت در ایران توهمی بیش نیست. این امر از جمله زمینه های مهم تضعیف مستمر این جریان است.

به دنبال حرکت اخیر شدولت رفسنجانی در جهت حل فصل مسائل با جهان سرمایه داری و نیز جلب سرمایه داران بزرگ فراری، تشمت در صفوف سلطنت طلبان با هم بیشتر شده است. سیاست دولت رفسنجانی در جهت تأمین مطالبات اقتصادی و قسماً سیاسی سرمایه داران و مدیران وابسته به رژیم گذشته، و در همین حال ندادن امتیاز سیاسی به جریانات سلطنت طلب، آنها را در بن بست قرار داده است. اشارات دو ستانه آمریکا نسبت به دولت رفسنجانی این بن بست را تشدید کرده، امید به آینده را در میان سلطنت طلبان باز هم کاهش داده است.

جذب نیروی اجتماعی سلطنت در خارج کشور، در بافت جوامع اروپایی و آمریکایی بی تفاوتی آنها نسبت به آینده ایران، عامل دیگری است که روند تضعیف مستمر جریانات سلطنت طلب را توضیح میدهد.

فاصله گیری باز هم بیشتر بختیار از رضایجویی و تمایلاتی که به جریانات جمهوری نشان می دهد، خاصی است که سمت تحول در میان هواداران سلطنت را نشان میدهد.

۵- تحت تاثیر فروپاشی بلوک شرق و رشد تفکر دمکراتیک در سطح جهان و نیز متأثر از تجارب انقلاب بجم، روحیه انحصار طلبی در اپوزیسیون مترقی ایرانی به شدت تضعیف شده و اندیشه پلورالیسم سیاسی و فکری رشد کرده است. این امر دستیابی به تفاهم و همکاری احزاب، سازمانها و

شخصیت های اپوزیسیون ترقی خواه را تسهیل میکند.

برخی نتایج

۱- در طول ۱۲ سال حکومت فقهی، در نتیجه جنگ، استبداد خشن مذهبی، بی سیاستی، ماجراجویی، اجنبی ستیزی کور و جهل و نادانی هیئت حاکمه، اقتصاد کشور که پیش از انقلاب، ساختاری از هم گسیخته و وابسته داشت، در بحرانی عمیق و همه جانبه فرو رفت. اینک بیش از نیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کند و میهنمان دچار فلاکت عمومی است.

رهایی از این وضعیت فلاکتبار، محتاج بسیج عظیم ملی و اقدامات بنیادی است و این دودر و تحولات سیاسی اساسی قرار دارند.

۲- جنگ خلیج فارس بر موقعیت منطقه ای و بین المللی کشورمان تأثیرات تفاوتی برای گذاشت: ایران از سویی از امکانات قابل توجهی برای استفاده از تضادهای جهانی برخوردار گردید و از سوی دیگر خود را با حضور نظامی آمریکا - که سودای سلطه بلا مانع بر منطقه خلیج فارس را در سردارد - در مرزهای غرب و جنوب کشور مواجه دید.

۳- در تعادل شکننده موجود و در شرایطی که مناسبات تازه ای در سطح منطقه و جهان در حال شکل گیری است، سیاست دولت ایران، نقش بسیار مهمی در سرنوشت آتی کشور بازی می کند.

فقط با بسیج همه مردم ایران و تکیه بر اراده آگاه و متحد آنان می توان برای اتخاذ سیاستی ملی، قلبه بر فلات اقتصادی و هدایت گشتی توان زده کشور در اقیانوس پرتلاطم جهان، پایه های استواری فراهم کرد.

۴- سیاست های دولت رفسنجانی در جهت بسیج امکانات داخلی و بهره برداری از تحولات منطقه که به شدت با انگیزه حفظ قدرت به هر قیمت و الزامات جنگ قدرت در درون هیات حاکمه جهره است، با استبداد فراگیر، درگیریهای درون حکومت و بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم محدود و کم توان می شوند. این سیاستها را بهترین حالت تحکک محدودی در اقتصاد کشور پدید می آورد و به هیچ رو پاسخگوی وضعیت فلاکتبار اقتصاد ایران و بحران عمیق اجتماعی نیستند.

۵- درس آموزی مردم از تجارب انقلاب بجم و تحولات سالهای پس از آن، و رشکستگی روشهای استبدادی و تمامیت گرای رژیم ج.ا. و فروپاشی و تغییر رژیم های دیکتاتوری در اروپای غربی و آمریکا انگیزه و خواستی مقاومت ناپذیر در کشور ما بدل کرده است. رژیم دیگر قادر به نادیده گرفتن این خواست همگانی و نیرومند مردم ایران نیست و اینک "آزادی" به عرصه نوین کشاکش در جامعه و به تبع آن موضوع برخورد در محافل گوناگون هیات حاکمه بدل شده است.

۶- در شرایط پراکندگی اپوزیسیون مترقی رژیم و عدم وجود تشکلهای مردمی و فراگیر، تحولات کشور اساساً تحت تاثیر تضادهای درون حکومت و عوامل جهانی سمت می گیرد. رشد حرکات اعتراضی و اقدامات مطالباتی مردم، تاثیر گذاری نقش مردم در حیات سیاسی کشور را افزایش داده است. تلاش در جهت شکل گیری تشکلهای توده ای و افزایش نقش این تشکلهای شکل های متابه عامل قطعی در تحولات سیاسی کشور بیش از پیش ضرورت یافته است.

تضادهای درون حکومت که اینک در تقابل شدید میان ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای - راست افراطی با جناح موسوم به تندرو متمرکز شده است، در جهت کم اثر کردن عموم سیاستهای دولت، کم رنگ شدن مصالح ملی در مقابل منافع دستجات طالب قدرت و تشدید بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می بخشد و عوامل خارجی ع عمدتاً به صورت وحدت کانونی اصلی جهان سرمایه داری در به زانو در آوردن ایران از یکسو و تضاد این کانونها برای کسب نفوذ برتر در کشور ماز سوی دیگر، عمل می کنند. این عوامل در شرایط فقدان سیاستی ملی و متکی به مردم، علیه منافع ملی مردم میهنمان و در جهت تحدید استقلال سیاسی کشور تأثیر می گذارند.

۷- این حقیقت که پایان دادن به استبداد فراگیر مذهبی، با پایان دادن به رژیم ولایت فقیه ملازم است و نیز ناتوانی رژیم در قلبه بر بحران و فلاکت اقتصادی، در نوع خوش بینی نسبت به آن را زائل میکند. در همین حال مقاومت ناپذیر شدن در برابر خواست آزادی، کاهش امکانات سرکوب حکومت و ضعف رژیم در قلبه بر نارضایتی فزاینده مردم، امکانات تازه و تازگی تری در اختیاری اپوزیسیون مترقی قرار میدهد تا به کار آگاهگرانه خویش ابعاد گسترده تری ببخشد و به مردم در امر تشکل که فقدان آن معضل بزرگ مبارزات آزادیخواهانه در کشورماست، یاری رسانند.

پرهیز از اشاعه خوش بینی نسبت به این یان جناح و گروهبندی رژیم از یکسو و دیدن امکانات واقعی برای گسترش فعالیت آگاهگرانه و سازمانگری مبارزات توده ای از سوی دیگر، مهمترین عناصری هستند که باید در تدوین مشی سیاسی ما مورد توجه اکید قرار گیرند.

۸- در شرایطی که هیات حاکمه قادر به نجات کشور از منقلب فقر و رشکستگی اقتصادی نیست و در حالیکه موقعیت کشور در تعادل قوای جهانی و منطقه ای به شدت حساس و شکننده است، اپوزیسیون مترقی رژیم وظایف بس خطیری بر عهده دارد. ائتلاف بزرگ همه نیروهای دمکرات ملی با اهداف استقرار دمکراسی در کشور، بسیج همگانی و نجات میهن، میتواند فضای سیاسی کشور را در راستای تحولی بنیادی، به سود دمکراسی، حفظ استقلال و پیشرفت میهن دگرگون نموده، زمینه را برای پایان دادن به رژیم استبدادی جمهوری اسلامی فراهم سازد.

خط مشی سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جامعه ما به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بحران عمیق و همه جانبه ای بسر می برد. رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی حل بحران، تامین حقوق بشر و استقرار دموکراسی در کشور و پیشبرد سیاست های ضرور در هر صحنه های مختلف اجتماعی است. ما خواهان پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی پارلمانی و فدرالیسم هستیم و می گوئیم از طریق انتخابات آزاد به این هدف برسیم.

خط مشی سیاسی ما

مبارزه علیه استبداد برای تامین آزادی های سیاسی- اجتماعی نقش محوری در مبارزه ما علیه رژیم دارد که باید تمام مبارزات حول آن متمرکز گردد. در همین حال ضروری است کار فرهنگی وسیعی برای ایجاد زمینه های تحول دموکراتیک در جامعه و دگرگونی فرهنگ سیاسی کشور صورت گیرد. در این راستا باید مبارزه فرهنگی- سیاسی را که در میمنه ما جاری است، تقویت کرد.

ما در راه پیشبرد خط مشی سیاسی بر تقویت ارتباط با مردم و بسیج و تشکل آنها متکی بوده و مروج و مبلغ حقوق بشر، دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی هستیم. ما در این راستا از خواست ها و مبارزات مردم حمایت می کنیم.

سازمان ما در مبارزه سیاسی علیه رژیم تنها بر کار بست اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه تاکید دارد و بکارگیری قهر، خشونت، شیوه های غیر انسانی و غیر اخلاقی را برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی مردود می شمارد. سازمان استقامت و مقابله مردم در شرایط ناگزیر علیه قهر و سرکوب رژیم را موجه می داند.

ما برای تامین حاکمیت مردم و گذار از استبداد به دموکراسی بر خواست انتخابات آزاد تاکید کرده و برای تحقق آن مبارزه می کنیم. شرایط تحقق انتخابات آزاد در سایه گسترش جنبش توده ای و قدرت گیری اپوزیسیون می تواند فراهم شود. از جمله پیش شرط های تحقق انتخابات آزاد در کشور، تامین آزادی های سیاسی بویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی است.

سازمان ما خواهان تشکیل جبهه گسترده از شخصیت های سیاسی و اجتماعی، احزاب و سازمان های ملی- دموکرات برای پایان دادن به حاکمیت رژیم کنونی و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی در کشور است. سازمان مبارزه برای اتحاد نیروهای طرفدار استقرار جمهوری پارلمانی و دموکراسی در کشور را جزو وظایف خود می شمارد و می گوید این جبهه به آلترناتیو رژیم موجود تبدیل شود. سازمان مخالف نظام سلطنتی و حکومت ایدئولوژیک و مذهبی است. ما خواهان همکاری و اتحاد همه نیروهای میهن دوستیم که علیه استبداد و برای آزادی های سیاسی و حقوق بشر مبارزه می کنند. ما از هر نوع همکاری و اتحاد عمل با نیروهای ملی، ملی- مذهبی طرفدار مرجعیت مردم و مخالف ولایت فقیه استقبال می کنیم.

سازمان از حق موجودیت و فعالیت آزادانه تمام نیروهای سیاسی کشور صریحاً نظر از عقاید آنها دفاع می کند و حق و سهم هر یک از آنها را برای حل و فصل مسائل اجتماعی و در اداره کشور به رسمیت می شناسد. سازمان در مناسبات با نیروهای اپوزیسیون کشور بر اصل مذاکره و گفتگو با هدف تقویت دموکراسی تکیه دارد و خواهان زودن مناسبات خصمانه و مقابله جویانه میان نیروهای سیاسی کشور و دموکراتیزه کردن این مناسبات بین آنهاست.

ما معتقد به نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ ایران در راستای ایجاد یک تشکل چپ که می تواند بر اساس آرمان مشترک و توافق کلی دیدگاهی و برنامه های تامین شود، هستیم و در راه تحقق آن مبارزه می کنیم.

قطعنامه در باره فعالیت

فدائیان خلق در داخل کشور

دومین کنگره سازمان با اعتماد بر اینکه تصمیم در باره هر صحنه ها و اشکال فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور متناسب با شرایط داخل باید توسط خود آنها اتخاذ گردد، توجه فعالین فدائی در داخل کشور را به موارد زیر جلب می نماید:

- ۱- با استفاده از امکانات ملنی و قانونی و فعالیت در تشکل های توده ای و دموکراتیک، در تقویت زمینه برای استقرار دموکراسی در کشور کوشش نماید. در این میان حضور موثر در نهضت روشنگری در راستای ترویج افکار ترقی خواهانه از اهمیت جدی برخوردار است.
- ۲- فعالیت های مشترک خود را بر مناسبات محدود، غیر متمرکز و طبیعی متکی سازد. از حفظ و ایجاد هر گونه تشکیلات حرفه ای و مخفی، و سطوحی از فعالیت که نتیجه آن گزینش زندگی مخفی است پرهیز نماید.
- ۳- سازمان در خارج از کشور ارگانهایی چون کمیته ارتباطی یا کمیته های مرزی ندارد.

دیدگاه ها و آماج های

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ما می دانیم. ما از آزادی افراد در باور به مکاتب فلسفی و ادیان و مذاهب مختلف جانبداری می کنیم و از آزادی فعالیت دگراندیشان و مخالفین سیاسی دفاع نموده و برای تامین حقوق دموکراتیک آنها تلاش می کنیم.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

هدف اساسی سازمان تامین گسترده عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هرگونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره کشی فرد از فرد، تامین رفاه انسان ها و رشد آزادانه و همه جانبه آنهاست.

ما دموکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند نزدیک با هم می دانیم، تامین عدالت اجتماعی پشتوانه دموکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دموکراسی و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

ما به اولویت منافع رشد اقتصادی بر منافع گروه بندی های اجتماعی و به درهم آمیزی عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی معتقد هستیم. عدالت اجتماعی بر بستر رشد اقتصادی، رفاه مردم قلبه بر عقب ماندگی و اعتلاء فرهنگی می تواند تامین شود. ما تامین عدالت اجتماعی را روندی طولانی می دانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابری های اجتماعی و

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما یک سازمان ایدئولوژیک یعنی سازمانی که از نظام فکری فلسفی خاصی پیروی می کند نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود از مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می گیرد.

سازمان مدافع حقوق بشر و دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و رفاه مردم ایران است و در راستای باور به ارزش های انسانی و هموم بشری و خواهان تامین منافع ملی و استقلال کشور، صلح و ارزش های سوسیالیستی می باشد.

سازمان بر آن است که برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی کشور باید جهل، سنن و ارزش های خرافی، و فیرانسانی و خوار داشت دانش و اندیشه، مبارزه های پیگیر داشت ما مرد سالاری، نابرابری حقوق زن و مرد و ستم ملی، نژادی، مذهبی، عقیدتی را از نمودهای بارز عدم تعادل و ناهنجاری جامعه می شناسیم و مبارزه در راه رفع آنها را از اهداف والای خود می دانیم.

به باور سازمان بنیاد آزادی، آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. مادر راه جامعه ای پیکار می کنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادی های سیاسی و اجتماعی را جزو ارزش های هموم بشری به شمار آورده و آنها را محصول پیکار آزادیخواه جهان در طی ترنهای مبارزات جنبش کارگری و دموکراتیک در دو قرن اخیر

سازمان ما یک سازمان ایدئولوژیک یعنی سازمانی که از نظام فکری فلسفی خاصی پیروی می کند نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود از مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می گیرد.

سازمان مدافع حقوق بشر و دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و رفاه مردم ایران است و در راستای باور به ارزش های انسانی و هموم بشری و خواهان تامین منافع ملی و استقلال کشور، صلح و ارزش های سوسیالیستی می باشد.

سازمان بر آن است که برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی کشور باید جهل، سنن و ارزش های خرافی، و فیرانسانی و خوار داشت دانش و اندیشه، مبارزه های پیگیر داشت ما مرد سالاری، نابرابری حقوق زن و مرد و ستم ملی، نژادی، مذهبی، عقیدتی را از نمودهای بارز عدم تعادل و ناهنجاری جامعه می شناسیم و مبارزه در راه رفع آنها را از اهداف والای خود می دانیم.

به باور سازمان بنیاد آزادی، آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. مادر راه جامعه ای پیکار می کنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادی های سیاسی و اجتماعی را جزو ارزش های هموم بشری به شمار آورده و آنها را محصول پیکار آزادیخواه جهان در طی ترنهای مبارزات جنبش کارگری و دموکراتیک در دو قرن اخیر

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

طرح ساختار دستگاه رهبری

تبصره ۱- بند ۵ در صورت فقدان کار پایه تشکیلاتی و یا عدم پیش بینی کنفرانس سراسری در آن معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- اجلاس وسیع اختیار دارد اصلاحات لازم در مصوبات کنگره را در چهار چوب کلیات آنها بعمل آورد. در سایر موارد در چارچوب مصوبات کنگره، تصمیمات اجلاس در صورتی قانونی است که به تأیید شورا برسد.

تبصره ۳- اجلاس وسیع می تواند با وعده صدور تصمیمات شورای مرکزی در ترمیم خود و ترمیم گروه های کار را به تأیید برساند.

بند ۶- در جنب شورای کار یا کمیسیون خلقها ایجاد می شود.

شورای مرکزی برسد. گروه های کار در پیشبرد آن از استقلال عمل برخوردارند.

تبصره ۲- در صورت ضرورت، با پیشنهاد گروه کار مربوطه و تأیید شورای مرکزی و یا بنابر تصمیم شورای مرکزی و توافق گروه کار ترمیم میگردد.

تبصره ۳- هر یک از اعضای گروه های کار می توانند با حق رای در کنگره آتی شرکت نمایند.

بند ۵- شورای مرکزی موظف است هر سال یکبار و یا در فاصله یکسال بنابر ضرورت اجلاسی وسیع متشکل از شورای مرکزی و اعضای گروه های کار و مسئولین کشورها با حق رای برابر را فرا خواند. اجلاس وسیع پس از استماع گزارش شورای مرکزی به اظهار نظر و تصمیم گیری در موارد لازم می پردازد.

بند ۳- جلسات شورای مرکزی حداقل هر سه ماه یکبار تشکیل می شود. در فاصله دو اجلاس شورای مرکزی هیئت اجرایی منتخب شورای مرکزی که متشکل از مسئول شورا و مسئولین گروه های کار است مسئولیت پیشبرد وظایف سیاسی و اجرایی را بعهده خواهند داشت. تبصره ۱- هیئت اجرایی در برابر شورای مرکزی مسئول خواهد بود.

بند ۴- گروه های کار شامل نشر و مالی، روابط همومی، تدارک اسناد و پژوهش، نشریه و گروه کار خارج می باشد. اعضای هر یک از گروه های کار توسط شورای مرکزی از میان داوطلبان به کنگره پیشنهاد شده و به تأیید آن میسرند.

تبصره ۱- سیاست و برنامه های گروه های کار باید به تصویب

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۵ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان و تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی ایران بوده است.

سازمان مادر طی دو دهه پیکار خود فرزان و فرودهایی بسیار راپشت سر گذاشته، تجارب بسیار اندوخته و برای تصحیح و تکامل دیدگاه ها، برنامه و سیاست خود کوشیده است. سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجارب انقلاب بهمن ۴۴ و مرز بندی با دیدگاه هایی که منجر به حمایت سازمان از رژیم ضد دموکراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی گردید و نیز با بهره گیری از تجارب ناشی از فروپاشی "دوگانه سوسیالیسم" و تحولات چپ در هر صحنه بین المللی می گوید برنامه، سیاست و عمل خود را منطبق با واقعیات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید.

در دو دهه اخیر هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادی های سیاسی، استقلال، عدالت اجتماعی و تامین رفاه زحمتکشان در صفوف سازمان پیکار کرده، رنجها کشیده و جانها باخته اند. ما سازمان و پیکاران را بخشی از جنبش چپ ایران و پیکار تاریخی آن در طول بیش از ۸۵ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی می دانیم.

بند ۱- شورای مرکزی سازمان مرکب است از یک جمع ۱۱ تا ۱۵ نفره که از بین داوطلبان عضویت در شورای مرکزی توسط کنگره برگزیده می شوند.

تبصره ۱- شورای مرکزی می تواند در صورت مخروم شدن از همکاری برخی از اعضای خود با دو سوم آرا اقدام به ترمیم خود نماید و سپس آرا به تصویب اجلاس وسیع برساند.

تبصره ۲- تا موهبت تشکیل اجلاس وسیع اعضایی که شورا توسط آنها ترمیم شده است دارای حق رای مشورتی خواهند بود.

بند ۳- شورای مرکزی از میان اعضای خود یک نفر را بعنوان مسئول شورا انتخاب می کند. وظیفه مسئول شورای مرکزی برنامه ریزی و هماهنگی شورای مرکزی و هیئت اجرایی است و دبیر خانه شورا تحت مسئولیت وی فعالیت مینماید.

گزارش کنگره

بقيه از صفحه ۱۰

مرسه ماده
از عنوان حقوق عضو ماده ۵
از عنوان وظایف عضو ماده ۹ و
تفسیر ماده ۴۸
از عنوان ساختار تشکیلات
ماده ۲۳
و از عنوان مناسبات درون
سازمانی ماده ۴۸
پیشنهاد کمیسیون پذیرفته
شد و اجلاس تنها موفق شد که
در باره شرایط عضویت
تصمیم گیری کند. به موجب
تصمیم کنگره ماده ۳۵ از عنوان
عضویت و شرایط آن حذف شد و
دو ماده دیگر باقی ماندند.
مرصه ها و اشکال فعالیت در داخل
توسط گروه کار داخل طرح
تظننانه ای درباره مرصه ها و
اشکال فعالیت در داخل کشور به
کنگره ارائه شده بود. کمیسیون
داخل طرح مذکور و پیشنهادهای
رسیده را مورد رسیدگی قرار
داده و طرحی همراه
با پیشنهادهای پذیرفته نشده، از
جمله یک طرح کامل دیگر به امضا
سه نفر از نمایندگان زیر همان
عنوان، رابه کنگره ارائه کرد.

کنگره پس از بحث کافی و
رسیدگی به پیشنهادها طرح
کمیسیون و طرح مذکور را به
کمیسیون بازگرداند تا مجدداً هر
دو طرح را مورد رسیدگی قرار
داده و در صورت امکان طرح
واحدی را به کنگره ارائه دهد.
طرح واحد تهیه و مجدداً در
دستور کار اجلاس قرار گرفت. پس
از رسیدگی به پیشنهادهای
مختلف حول طرح سرانجام طرح
به رای گذاشته شد و با اکثریت ۶۷
درصد به تصویب رسید. (سند
شماره ۳).
در خلال اوقاتی که موضوع
مرصه ها و اشکال فعالیت در
داخل کشور در دستور کار قرار
داشت، ماده واحده ای به اجلاس
پیشنهاد شد که با ۶۴ درصد آرا از
تصویب کنگره گذشت. متن ماده
واحد چنین بود:
"گروه کار داخل وجود
نخواهد داشت و شورای مرکزی
سازمان مسئولیت پیشبرد امور
داخل رابه عهده خواهد داشت."
انتخاب دستگاه رهبری:

انتخاب دستگاه رهبری مدمتا
مستلزم تصویب طرحی برای
ساختار دستگاه رهبری بود. از
این رو کمیسیون دستگاه رهبری
وظیفه داشت چنین طرحی را به
کنگره ارائه کند و تاو اما در گفتگو
با افراد مختلف امکانات مناسب
برای انتخاب یک دستگاه رهبری
را به نحوی که دشواری های
موجود در کار شورای مرکزی

سرمسازای سراسری

بقيه از صفحه ۲

است. همزمان بودن افزایش این
گونه تقاضا با کاهش میزان
تولیدات کشور، موجب افزایش
بیکاری و فقر، تقلیل درآمد و
بهره دوری سرانه، کاهش سطح
خدمات اجتماعی، رشد سرطانی
و کنترل نشده شهرها، تشدید
نابرابریهای منطقه و نابودی منابع
طبیعی کشور شده است. سیر
فزاینده جمعیت موجب شده است
تا بخش قابل توجهی از منابع
توسعه ملی بجای اختصاص یافتن
به فعالیت های تولیدی، صرف
جوابگویی به تقاضای مصرفی
جمعیت رشد یافته گردد.
رشد سریع جمعیت در شرایط
فقدان منابع لازم برای توسعه

جایگاه کنگره سازمان و... اظهار
نظر کرد، تاکید داشته اند.
همچنین اکثریت بر این نظر بوده
است که سند مصوب شورای
مرکزی میتواند مبنای کار قرار
گیرد. علاوه بر سند شورا سه سند
دیگر به کمیسیون ارائه شده بود.
سند ارائه شده توسط رفیق
اردشیر، این سند در کنگره به
کمیسیون ارائه شد و شامل چندتر
پیرامون مناسبات و وظایف
تشکیلات سازمان در خارج از
کشور می شد.
سند ارائه شده توسط رفیق
طاهری پور، مندرج در کار شماره
۱۳ دوره سوم.
سند ارائه شده توسط رفیق
نگهدار، مندرج در کار شماره ۸۲
دوره دوم
لازم بود سند مبنای کار
کمیسیون موازین تشکیلاتی نیز
توسط کنگره تعیین شود.
مدافعان اسناد از سند مورد نظر
خود دفاع کردند و انتقادات خود
را به دیگر اسناد مطرح کردند.
سپس رای گیری برای انتخاب سند
مبنای انجام شد:
سند شورا با ۴۸ درصد موافق،
۲۶ درصد مخالف، ۱۶ درصد
ممتنع.
سند رفیق اردشیر با ۲۸ درصد
موافق، ۲۲ درصد مخالف و ۳۳
درصد ممتنع.
سند رفیق طاهری پور با ۱۵
درصد موافق، ۱۸ مخالف و ۴۳
درصد ممتنع.
سند رفیق نگهدار با ۳۳ درصد
موافق، ۳۹ درصد مخالف و ۱۹
درصد ممتنع.

هیچکدام از اسناد رای کافی را
برای آن که مبنای کار کمیسیون
قرار گیرد نیاورده بود. تکرار
رای گیری روی اسناد نیز به نتیجه
نرسید. اجلاس با پیشنهاد
کمیسیون دایر بر این که سند
شورا مبنای کار قرار گیرد و
ترکیب جدیدی به کار روی سند
بپردازد موافقت کرد. کمیسیون
موقت به تهیه سندی بر پایه سند
شورا شد و آن را به کنگره ارائه
کرد. اما جهت پیشرفت سریع تر
کار به اجلاس پیشنهاد کرد که نه
روی تک تک مواد سند بلکه تنها
درباره چند ماده که در کل آن
دارای بیشترین اهمیت بودند
اظهار نظر و تصمیم گیری کند.
مواد پیشنهادی عبارت بودند از:
از عنوان عضویت و شرایط آن

پیشین رانداشته و خاصه بر مشکل
پراکندگی اعضا فائق آمده باشد
جستجو کند. توسط شورای
مرکزی پیشین طرحی برای
ساختار دستگاه رهبری به کنگره
ارائه شده بود. دو طرح یکی
توسط رفیق آتا و دیگری توسط
رفیق خلیق (کار شماره ۱۵) تهیه
و در اختیار کمیسیون قرار گرفته
بودند.

کمیسیون هیچیک از طرح ها
را مبنای کار خود قرار نداده بلکه با
اتکاء به همه آن ها طرح چهارمی
تهیه کرده. کنگره در نخستین
دور بحث به مساله سند مبنای
پرداخت. نظر به مشابهت های
اساسی بین طرح کمیسیون و
طرح شورا، اعلام کرد پیشنهاد
بحث روی طرح خود را ندارد و
طرح کمیسیون را منطبق بر
ایده های منعکس در طرح خود
می داند.

پس از تشریح طرح ها و بحث
موافق و مخالف طرح ها به رای
گذاشته شدند که در نتیجه طرح
کمیسیون با ۶۱ درصد آرا به
عنوان سند مبنای انتخاب شد. بر پایه
این سند کار ادامه یافت و سند
مصوب کمیسیون جهت تصویب
نهایی به کنگره آورده شد و پس از
تکمیل جزیی با ۸۰ درصد آرا از
تصویب آن گذشت (سند شماره
۴). از جمله تکمیلات سند آن بود
که در سند گروه کار خلق ها
پیش بینی نشده بود. پیشنهادی
دایر بر این که در جنب شورای
مرکزی گروه کار یا کمیسیون
خلق ها نیز ایجاد شود مطرح شد و
با ۶۸ درصد آرا به تصویب رسید
ضمناً پیشنهادی نیز دایر بر
برگزاری کنگره سوم حداکثر پس
از یکسال طرح شد. این پیشنهاد
تصویب نشد.

کنگره به پایان وقت خود
نزدیک می شد. بخش اعظم و مهم
دستور کار به انجام رسیده بود،
اما نه همه آن. مهمترین بخش
باقیمانده از دستور انتخاب
دستگاه رهبری بود. از روز نخست
کوشش برای تعیین شورای
مرکزی صورت می گرفت. در
ساعات پایانی کنگره شورای
مرکزی انتخاب شد.
مجالس برای پیشنهاد اعضای
گروه های کار به کنگره و اخذ تایید
آن باقی نمانده بود. شورای
منتخب تشکیل جلسه داد و به
عاجل ترین مسائل خود رسیدگی
کرد. سپس به کنگره گزارش داد و
به اطلاع کنگره رساند که "بنا به
ضرورت های موجود دوره تناوب
انتشار نشریه تغییر خواهد
یافت." در ادامه، کنگره بر مبنای
این گزارش و نیز برای راه گشایی
برای دستوراتی که به انجام
نرسیده بودند چند قرار زیر را
تصویب کرد:
"کنگره به شورای مرکزی

دشور بیکی از اصلی ترین موانع
رشد اقتصادی- اجتماعی تبدیل
شده و موجب افزایش
ناهنجاریهای اجتماعی و تنزل
کیفیت زیست گشته است.
رژیم جمهوری اسلامی که
نقش جدی در افزایش جمعیت
کشور را دارد، بعد از اتمام جنگ
متوجه عواقب فاجعه بار آن گشته
و برنامه هایی را در جهت کاهش
نرخ رشد جمعیت پیش برد. ولی
آمار ارائه شده توسط رئیس مرکز
آمار ایران نشان میدهد که
اقدامات دولت تأثیرات آنچنانی
نداشته است. و منی بایستی
اقدامات جدی تر و قاطع تر
صورت گیرد.

منتخب اختیار می دهد که بنا به
نیاز، خود را از میان داوطلبان با
دو سوم آرا حداکثر تا ۳ عضو
دیگر گسترش دهد. هر مورد تنها
در صورت تائید اجلاس وسیع
(پیش بینی شده در مصوبه ساختار
دستگاه رهبری) رسمیت خواهد
یافت."

کنگره اختیار می دهد: ۱-
شورای مرکزی با مشاوره و
صحت با داوطلبین هر گروه کار
اعضای گروه های کار را تعیین
نماید، ۲- در اولین جلسه اجلاس
وسیع اعضای گروه های کار به
تائید اجلاس خواهند رسید، ۳- در
هر مورد که شورا با هر یک از
داوطلبین به توافق نرسد، اجلاس
وسیع با حضور آن رفیق به مساله
رسیدگی می کند."

پیرامون مساله گروه های کار
پیشنهاد دیگری نیز مطرح شد که
به تصویب نرسید. پیشنهاد چنین
بود: "اولین اجلاس وسیع برای
آستانه سال نو مسیحی، با در نظر
گرفتن امکانات مالی و با شرکت
همه داوطلبین (گروه های کار)،
شورا و مسئولین کشورها
فراخوانده شود و طرح گروه های
کار و ترمیم شورا و طرح
ساختاری دستگاه مرکزی
سازمان رابه تصویب برساند."

همچنین دو قرار زیر نیز از
تصویب کنگره گذشت:
"کنگره به شورای مرکزی
اختیار می دهد که بر پایه اسناد
ارائه شده به کنگره، طرح مصوب
کمیسیون جنب کنگره و مصوبات
کنگره، طرح کار پایه تشکیلاتی را
تهیه کند و آن رابه تائید اجلاس
وسیع آتی برساند. تصویب طرح
توسط اجلاس وسیع، کار پایه
تشکیلاتی مصوب شورای مرکزی
پیشین و مصوبات کنگره مبنای
کار آن قرار خواهد گرفت."

کنگره به شورای مرکزی
منتخب اختیار می دهد که دو پیام
به مردم ایران و نیروهای هوادار
و اعضای سازمان با امضای کنگره
سازمان صادر کند."
در اینجا هیات رئیسه ضمن
تقدیر از رفقای که در امور
تدارکاتی کنگره و در طول آن
بی دریغ کوشیدند و با آرزوی
موفقیت برای شورا و سایرین
خاتمه کنگره دوم سازمان را
اهلام داشت. نمایندگان نیز با
آرزوی پیروزی برای شورا بر
حمایت از آن تاکید کردند، آنگاه
دمی را در جشن کوچکی سپری
کرده و بعد به قصد محل زندگی
خویش بایکدیگر وداع کردند.

دومین کنگره سازمان برگزار
شده بود. شاخص این کنگره تلاش
اندیشه و رودر روی اندیشه ها
برای یافتن راه برون رفت از
بحران همه جانبه جامعه مان بود.
اختصاص سهم در خوری به
سیاست در این کنگره، انعکاس
نیازهای امروزی ما و درک درست
کنگره از این نیازها بود.

کنگره دوم در تداوم نخستین
کنگره، گامی دیگر برای نهادی
کردن دموکراسی و مبین یک
دموکراسی نهادی شده در
سازمان ما بود. بسط و تعمیق
دموکراسی، اگر بر هر چه و مرجع نام
دموکراسی نهاده نشود،
نمی تواند با مرضه و استحکام
مبنای نو در مناسبات انفرادیه جای
مناسبات آمرانه پیشین همراه
نباشد. اندیشه احترام و تعهد
مقابل در این کنگره مرز گردید
تا کنگره تداومی باشد در حصول
این مبنای نو.
شورای مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)
۱۷ شهریور ۷۰

پیام دومین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به اعضا و هواداران سازمان

رفقا!

دومین کنگره سازمان که به همت مسئولان سابق سازمان و همه
فعالان دست اندر کار در موادمقرر برگزار گردید و در سوم شهریور ماه
۱۳۷۰ باسرافرازی به کار خود پایان داد، به شما رفقای گرامی درود
می فرستد. کنگره، کار خود را با یک دقیقه سکوت به احترام رفقای شهید
و همه شهدای راه آزادی و بهروزی مردم ایران آغاز کرد. و در تجدید
پیمان با آرمان های انسانی همه مبارزان جانباخته و در فضایی مشحون از
عزم به ادامه راه، کار خود را پایان برد. در کنگره، اعضای منتخب شما
اراده سازمان را تجلی دادند و به وظایفی که پیش روی کنگره قرار داشت
با موفقیت عمل کردند. کنگره، از غیاب عده ای از رفقا در اجلاس عالی
سازمان اظهار تاسف کرد و از شورای مرکزی سازمان خواست تا با
تمهیدات ضرور کنگره سوم را در شکل جامع تر و موثرتری برگزار کند.

رفقا!

برگزاری دومین کنگره سازمان نشان داد که دموکراسی در سازمان
ماروندی بازگشت ناپذیر شده و همچنان در حال گسترش و تعمیق است.
شرایط دموکراتیک پیش از کنگره برای ایران دیدگاه ها، انتقادات و
پیشنهادات اعضا و هواداران سازمان و فضای دموکراتیک حاکم بر
کنگره، وضع مطلوبی را برای همه ما فراهم آورد تا در آن امکان
اندیشیدن و انتخاب آزادانه و آگاهانه، هر چه بیشتر به واقعیت بدل شود.
این امر، زمینه تقویت روحیه اعتماد متقابل و تنظیم مناسبات بر اساس
اهداف مشترک و افکار متنوع را فراهم آورده است. آموزش و تمرین
دموکراسی در درون سازمان، تضمین نیرومند در مبارزه صادقانه ما
برای استقرار دموکراسی در کشور و پاسداری از آن در جامعه است.

رفقا!

دومین کنگره سازمان در شرایطی برگزار شد که جهان ما شتابناک
دوره گذر را پشت سر می نهد و شاهد تلاطم های سیاسی دارای اهمیت
عظیم بین المللی است. این وضع، ما را به اندیشیدن جدی پیرامون آنچه
که در جهان میگذرد، دعوت میکند. کنگره بر آن است که سازمان باید با
وقاداری به آماج های اصلی و بنیادین خود یعنی دموکراسی، صلح، رشد و
پیشرفت و عدالت اجتماعی به تبیین روندهای چند سویه کنونی در جهان
بنشیند و جایگاه خود را برای تحقق این ارزش ها و مبارزه علیه موانع تحقق
آنها بدرستی باز یابد. کنگره همه اعضا و هواداران آگاه سازمان را فرا
می خواند تا در این مهم، سازمان راییاری دهند.

رفقا!

میهن ما همچنان از سطره استبداد فقهاتی رنج می برد. سرکوب
آزادی و آزادیخواهان کماکان در دستور روز رژیم است. اکنون شرایط
برای بهره گیری از روزنه هایی که در اثر قلبه مقاومت مردم آزادیخواه
بر رژیم سرکوبگر پدید می آید، بیش از هر زمان مساعد می شود. بر ماست
که در مبارزه برای تأمین آزادی های سیاسی و عقب نشاندن استبداد حاکم
از هر امکان موجود در جهت شاهانه اندیشه های آزادیخواهانه، تجدید
طلبانه و ترقیخواهانه بهره بگیریم. تصریح و تاکید کنگره بر آن است که
مبارزه برای آزادی های سیاسی و دموکراسی در کشور هر صه مقدم
مبارزه علیه رژیم است و وسیع ترین اتحاد عمل هارا باید حول مطالبه
آزادی ها و مخالفت با مظاهر استبداد حاکم شکل داد. کنگره شما فعالان
سازمان رابه تشدید فعالیت در این هر صه فرامی خواند.

رفقا!

رژیم، کشور ما را به ویرانی و افلاس کشانده و اقتصاد کشور را فلج
کرده است. فقر و فاقه، هر روز بیشتر می شود و بحران اقتصادی همه
جانبه کشور را به کام خود می کشد. وضع معیشتی میلیون ها انسان
زحمتکش غیرقابل تحمل میشود و اعتراضات توده ای علیه مظالم
ستمگران گسترش می یابد. در چنین شرایطی، توضیح دلایل عدم
صلاحیت و بی کفایتی رژیم در سرو سامان دادن به وضع اقتصاد کشور و
بهبود سطح زندگی مردم از یکسو و تشریح امکانات واقعی برای خروج
کشور از بن بست فاجعه بار کنونی و راه های مردم از شر این حاکمیت نالایق
از سوی دیگر، از اهم وظایف ماست. اکنون فعالان سازمان باید با شرکت
فعال در مبارزات مطالباتی بر حق مردم بکوشند تا سطح این اعتراضات را
ارتقا دهند و انواع تشکل های مردمی را سازمان داده و در جهت تحمیل
آن ها بر رژیم برآیند.

رفقا!

شرایط کنونی، از ما پامردی در اهداف و آماج سازمان؛ قاطعیت در
مبارزه با رژیم استبدادی و فلاکت آفرین؛ روحیه تشکل پذیرگی تلاش برای
تزدیکی بیشتر نیروهای چپ کشور در راستای تأمین وحدت آنها؛ کوشش
بخاطر تشکیل جبهه جمهوریخواهان آزادیخواه و دموکرات؛ و ابتکار در
شکل گیری انواع اتحادهای گسترده علیه مظاهر استبداد، حاکمیت دین
بر دولت و ستم اجتماعی را می طلبد؛ در اوضاع دشوار کنونی که سازمان ما
و دیگر نیروهای دموکرات، ترقیخواه و عدالت جو در آن به سر می برند،
تلاش برای تقویت اعتماد رفیقانه بر پایه روابط دموکراتیک و برقراری
ارتباط با نیروهای پراکنده سازمان و جنبش ها، شاخص ترین معیار بری
سنجش احساس مسئولیت همیق هر عضو و هوادار سازمان است. در این
موقعیت سخت، اهمیت حیاتی دارد که شعله باورمندی به پیروزی
آزادی، دموکراسی، تجدید و عدالت بر ارتجاع و استبداد و ستم حاکم را در
دل خود فروزان بداریم و نهال این امیدو آتقی را در دل مردم بنشانیم.

رفقا!

وحدت خود را مستحکم تر کنیم. دست همدیگر را بگیریم تا راه
پیروزی عدالت و دموکراسی با گام های بزرگ و استوار طی شود. با همه
آزادیخواهان کشور دست اتحاد به نشریم و سلب اعتماد توده وسیع
مردم از رژیم را با جلب اعتماد آنان به نیروهای جمهوریخواه و
دموکرات و جبهه ای که این نیروها موظف به تشکیل آند، گره بزنیم.
پیروز باشید.

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سوم شهریور ماه ۱۳۷۰

وضع اسفبار اقتصاد کشور از زبان رفسنجانی

هاشمی رفسنجانی اخیراً در خطبه نماز جمعه گزارشی از وضع اقتصادی کشور در سال ۶۷ و آثار مخرب جنگ بر اقتصاد کشور ارائه داد. این گزارش از نامه وزیر اقتصاد و مسئولان اقتصاد اخذ شده بود که در آن موعظ در اختیار هیئت دولت و خمینی قرار داده بودند. رفسنجانی اعلام کرد که بررسی‌ها نشان میداد که در دوران جنگ کشور به لحاظ معنوی تقویت شده ولی "از بعد مادی و اقتصادی وضع کشور دچار مشکلات بسیار جدی بود که من هم آنها را هنوز نمی‌توانم عرض کنم و فقط بخشی از آن را خدمت شما عرض می‌کنم و قسمتی از آن را کم کم تاریخ بازگو خواهد کرد. در پذیرش آتش‌بس هم یکی از عوامل همین بود که ما آن روز این مسئله را مطرح نکردیم و تا بحال نیز هنوز نتغیم." او اضافه کرد: "آن روز اعلام کردند که امکانات

اقتصادی و بودجه کشور به خط قرمز رسیده و مقداری نیز از خط قرمز عبور کرده است که دیگر برای جامعه قابل تحمل نیست. این نامه هست، حال شاید انتشارش اشکال نداشته باشد، البته آن موقع نمی‌شد مطرح کرد. رئیس بانک مرکزی آن وقت نامه‌ای نوشت و اعلام کرد ملا رقم اینکه به ما وام نمی‌دهند و از خارج قرض نمی‌کنیم، ولی حدود ۱۲ میلیارد دلار بدهی تعهد خارجی داریم. گشایش‌های خارجی است که باید بپردازیم." (کیهان شماره ۹۴۳).

این اظهارات نشان می‌دهد که سران رژیم در آن موقع مطابق معمول واقعیت‌ها را از مردم کتمان کرده‌اند و به کذب و دروغ توسل جسته‌اند. و امروز هم رفسنجانی فریبکارانه در سوین سالگرد دولت می‌خواهد مشکلات را به گردن دولت سابق بیاندازد و

اقدامات دولت خود را مثبت و سازنده جلوه دهد. او می‌گوید که اکنون ملی‌رغم مسائل و مشکلات "حرکت کلیه شاخص‌های اقتصادی مثبت و سازنده است" و "خوشبختانه شرایط جامعه و انقلاب شما در بهترین وضع ممکن و قابل انتظار قرار دارد و جامعه ما در مسیر بسیار مطلوب و قابل قبولی حرکت می‌کند". ولی این گزارش فریبکاری رفسنجانی را که جزو سرکردگان اصلی رژیم از ابتدای تشکیل دولت جمهوری اسلامی بود، آشکار می‌سازد. ما بخش‌هایی از این گزارش را نقل می‌کنیم. رفسنجانی می‌گوید: "مشکلاتی که ما آن روز جمع‌بندی کردیم:

۱ - حدود یک هزار میلیارد دلار خسارت جنگ. این رقم اخراج آمیز نیست بلکه به گونه‌ای

تجیه شده که ما بتوانیم در سازمان ملل از آن دفاع کنیم، که از این مبلغ نصفش مستقیم و بقیه غیرمستقیم است.

در نظر بگیریم یک هزار میلیارد دلار را بخواهیم در بیوریم چه قدر طول خواهد کشید. ما آن روزها کمتر از ده میلیارد دلار درآمد نفتی در سال داشتیم. یعنی حدود یک صد سال باید طول بکشد تا این مبلغ را در بیوریم. امروز که حدود ۱۸ تا ۱۷ میلیارد دلار است باز هم می‌شود حدود ۵۰ تا ۶۰ سال درآمد نفتی ما می‌تواند این مبلغ را جبران کند.

۲ - تعهدات و بدهی‌های نظام به دیگران.

گفتیم در خارج حدود ۱۲ میلیارد دلار تعهد ارزی داشتیم که اینها خریدهای نسبه و گشایش اعتبارات بود و بدهی به بانک مرکزی.

در طول این مدت که عراق از بیرون قرض می‌کرد، ما مخارجمان را از بانک مرکزی می‌گرفتیم و هر سال کسر بودجه داشتیم تا اینکه جمع و رقم وحشتناکی شد. این همه پول‌هایی که مردم در بانک مرکزی و بانک‌های دیگر دارند.

۳ - تعهداتی که به دیگران داشتیم.

مثلاً پول صندوق‌های بازنشستگی در طول سال‌های چند آن طور که لازم است به آنها پرداخت شود، پرداخت نشد و مشکلاتی که نیروهای نظامی باید می‌گرفتند بگرفته بودند و طلبکار بودند. خیلی از فوق‌العاده‌هایی که باید نظامیان می‌گرفتند نگرفتند.

۴ - طرح‌های نیمه‌تمامی که روی دست دولت مانده بود، شاید بدترین دردها بود. کسی هم احساس نمی‌کند. آن روز محاسبه کردیم دیدیم حدود ۵۰۰ میلیون تومان طرح نیمه ساخته روی دست دولت جمهوری اسلامی مانده است. رقم ۵۰۰ میلیارد تومان بدانید با بودجه عمرانی که ما آن زمان داشتیم یعنی ۶ برابر بودجه یک سال ما. یعنی به اندازه ۶ سال که ما بودجه بریزیم این طرح‌ها را می‌توانستیم در برنامه عمرانی قرار دهیم.

۵ - عقب‌ماندگی در زمینه امکانات زیربنایی بود که این ده سال یک مشکل بسیار سنگین و غیرقابل تحملی را بر دوش شما مردم گذاشته است.

خودتان میدانید یعنی مثلاً ما راه‌هایی که نساختیم، راه‌هایی که نساختیم، و نیروگاه‌هایی که نساختیم، و وسایل حمل و نقلی که نخریدیم، لوله‌کشی آب، گاز و لوله‌کشی‌های دیگر و چیزهایی از این قبیل، جنگل‌ها و مراتع که بنا ساختن شد در حال از بین رفتن است... شما ببینید از این ناحیه چه اشکالات عظیمی برای مردم فراهم شده است.

۶ - وضع شهرداری‌های کشور - حدود ۵۰۰ شهر در کشور است که در دوران جنگ نتوانسته‌اند خودشان را به نور برسانند. خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، آب، برق و - خوب در تهران زندگی می‌کنید و وضع شهرداری دیدید و شهرهای دیگر از این بدتر بود. باز قدری به تهران رسیدگی می‌شد. ۵۰۰ شهر را که و ۱۰ سال عقب مانده. که همه چیزشان عقب

بود. از سینما، ورزشگاه، کتابخانه، آب و برق و - آن چیزی که وسیله ضروری زندگی است عقب و راکد مانده بود. با اضافه اینکه ماشین‌آلات اینها به جبهه رفته بود. هر شهرداری در زمان جنگ اگر وسیله‌ای داشت برای کمک به جنگ به جبهه می‌فرستاد و خیلی از اینها بعد از عملیات بر نمی‌گشتند. مشکل بعدی که باز از اینها مهمتر است، ائت تولید است. تولید در کشور بشدت نزول کرده بود بعد از انقلاب ما در آن دو سال اول نتوانستیم تولید را سامان دهیم، مدیریت‌ها به هم خورد، خیلی از مدیران فرار کردند، کارخانه‌ها محاصره شد، سرمایه‌ها را بردند جنگ هم شروع شد و این ده سال ائت تولید جیب مردم را خالی کرد.

۷ - وضع تولید ناخالص این طوری شده بود که اگر یک نفر ایرانی قبل از جنگ و قبل از انقلاب از مجموعه تولیدات کشور، مثلاً ۴۰ هزار تومان سهمش می‌شد، در سال ۶۷ که ما برآمده را بررسی می‌کردیم، ۲۰ هزار تومان سهم می‌برد.

سهم سرانه ما از تولید در سال ۶۷ بیست و سه هزار ریال بود که در اوج بهبود وضعیت نزدیک به ۴۰ هزار تومان بوده است یعنی سال ۵۳ ما داشتیم و هر ایرانی در این دو سال جنگ چیزی صد تغییر شده بود. فقر واقعی یعنی این و بقیه چیزها آدم نمی‌فهمد.

اما فقر واقعی در اقتصاد کشور یعنی کم شدن تولید سرانه و ما دچار این مصیبت شده بودیم، یعنی جامعه ایرانی را بعد از جنگ وقتی محاسبه کردیم، درآمد هر فرد در مجموع تولیدات کشور، تقریباً نزدیک ۵۰ درصد کم شده بود، که این فقر را خیال می‌کنیم که با فشارها و تقسیم کار و سهمیه‌بندی‌ها و امثال اینها می‌توانیم جبران کنیم که فقر جبران نمی‌شود. اگر دولت موفق شود فقر را می‌تواند به صورت صحیح بین افراد تقسیم کند.

اگر نظام توزیع درست باشد، هنرش این است که این فقر را تقسیم کند و همه کم بخورند، کم بپوشند که ما این کار را در زمان جنگ نتوانستیم انجام دهیم. شما در زمان جنگ دیدید که یک عده زانو صفت ماندند و در جنگ شرکت نکردند و رفتند در بازار سیاه و از این نرخ‌ها استفاده کردند و آنها هم این فقر را نسبت به طبقه مستضعف غنی‌تر کردند. بنابراین طبقه مستضعف ما از دوران جنگ فقر مضاعف داشت این هم مصیبت ششم بود.

۷ - مشکل هفتم مسئله کار و اشتغال و نظایر آن بود.

در کشوری که تولید نیست، سرمایه‌گذاری هم نیست. یکی از ارقامی که خیلی سقوط کرده بود سرمایه‌گذاری بود. بخش خصوصی سرمایه‌گذاری جدی نمی‌کرد و دولت هم چیزی نداشت، لذا بیکاری بود. این خطرناکی است که عوارض آن از جاهای دیگر مشخص میشود. کارهای دلای رشد می‌کند که خودش ضرر دارد و کارهای دست‌فروشی و تکراری. یک کالا به جای اینکه از مزرعه بیاید و به دست مصرف‌کننده برسد، در این میان چند نفر نان خور پیدا میکنند تا به دست مردم برسد.

یکی با فروش آدامس خودش را سیر می‌کند، یکی با فروش سیگار، یکی با فروش یک تکه یخ خودش را دیگری با فروش دستمالی که از این مقازه می‌گیرد و در خیابان می‌فروشد خودش را سیر می‌کند.

خوب این که کار نیست، اینها تحصیل کردن مخارج اضافی بر مصرف‌کننده است. قاچاق به این دلیل رشد کرده آنجایی که به دنبال قاچاق می‌رفتند سرانشان فاسد و پول پرست بودند، اما عوامل اینها مردم مستاصل بودند که زندگی اینها را به قاچاق می‌رساند و این هم مشکل جدی دیگر.

۸ - مشکل هشتم مشکل اداری است

ما دچار یک تمرکز کمر شکن اداری شده‌ایم که به خاطر شرایط جنگ و سهمیه کردن کالاها و انحصاری کردن صادرات و واردات، زندگی اقتصادی دست دولت باید در همه جا باشد و دائماً برای اینکه مامورین را حفظ کنیم، قانون و آئین نامه و تفریبات گذرانیم.

۹ - مشکل مهم دیگری که ما گرفتار آن بودیم و هنوز حل نشده فرسودگی کارخانه‌هاست. این کارخانه‌هایی که حالا کار می‌کنند نوها در سال‌های ۵۰ تا ۶۰ شروع به بهره‌برداری کرده‌اند. اینها هم کهنه‌اند و هم قدیمی و هم نمیتوانند با کارخانه‌های جدیدی که در دنیا هست رقابت کنند و هم قطعات یدکی ندارند و این مشکلات، کارخانه‌ها را از بازدهی مناسب می‌اندازد.

۱۰ - در کنار این مسئله خالی بودن انبارها مشکل دیگری بود. یعنی مواد اولیه نداشت.

۱۱ - مشکل یازدهم مشکل وابستگی شدید مردم ما به سوئید و هزینه دولت بود. عمده زندگی مردم اهم از نااشنان، قندشان، چایشان و گوشتشان و شکر و روغن نباتی وابسته به کمک دولت شده بود. زندگی سوسیالیستی زندگی کوپنی حرکت را در جامعه کند کرد.

۱۲ - مسئله دوازدهم محرومیت شدید بخش‌های محروم کشور بود. نزدیک ۵۰ درصد جامعه ما محرومند. یعنی از استانداردی که ما در شهرها از آن برخورداریم، آنها برخوردار نیستند مثل آب، برق، آموزش، بهداشت، راه‌کار و امثال اینها.

۱۳ - اشکال بعدی ما حالت نه جنگ و نه صلح در جبهه‌ها و حضور دشمن در خاک ما بود. ما می‌باید نیروهایمان را نگاه میداشتیم، مخارج جنگ را می‌پرداختیم، فوق‌العاده‌ها را می‌پرداختیم، امکانات و مهمات داشته باشیم و بهر حال قسمت اعظم جنگ را داشته باشیم.

۱۴ - مشکل چهاردهم ادامه محاصره بود. آمریکا هنوز حاضر نیست پول‌های ما را بپردازد، اینکه فرانسه پول ما را نپرداخته، اینکه ژاپن حاضر نشد پتروشیمی تکمیل کند، اینها سندهای جدی محاصره ما است و بر همه اینها مشکلات و حوادث عجیبی که ما داشتیم زلزله، سیل و آوارگان عراقی و امثال اینها اضافه شد. شاخص‌ها در سال ۶۷ بدتر شد. ما بیشترین کسر بودجه را در سال ۶۷ پیدا کردیم. نصف بودجه ما در سال ۶۷ کسری داشت. مقایسه عملکرد بودجه عمرانی ما با بودجه جاری بسیار اسف‌انگیز است. در سال ۶۷ بودجه جاری حدود ۵/۵ برابر بودجه عمرانی بود و این مصیبت است.

در یک کشور در حال ساخت اثر چنین وضعیتی داشته باشد. یعنی ورشکستگی، یعنی هیچ. (کیهان هوایی - شماره ۹۴۳).

شکایت رژیم جمهوری اسلامی علیه کیهان (چاپ لندن)

قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد روزنامه کیهان (چاپ لندن) را در دادگاههای انگلیس تحت پیگرد قرار دهد. این خبر را رئیس یکی از دادگاه‌های کیفری تهران که مامور این پیگرد شده اعلام داشته است. مستمسک رژیم جمهوری اسلامی در اعلام شکایت از روزنامه کیهان، چاپ خبر

تروریسم دولتی جمهوری اسلامی همچنان جنایت می‌کند

کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران قتل نجیب دکتر شاپور بختیار رهبر نهفت مقاومت ملی ایران و همراهش را که روز چهارشنبه ۱۷ مرداد به ضرب چاقو در منزلش واقع در حومه پاریس بوقوع پیوست شدت محکوم می‌کند.

این ترور وحشیانه بدون تردید ادامه سئله قتل‌هایی است که تاکنون شخصیت‌هایی همچون دکتر سامی نکر نبدالرحمن قاسلو، دکتر کاظم رجوی، غلام کشاورز، دکتر برومند و... در داخل و خارج از کشور قربانیان آن بوده‌اند. تداوم این ترورها و نوع انتخاب قربانیان که هدف آن محو قیزیکی شخصیت‌های سرشناس و موثر اپوزیسیون جمهوری اسلامی است، جای هیچگونه تردیدی نمی‌گذارد که سررشته این جنایات در دست‌های تبهکار رژیم جمهوری اسلامی است.

ترور دکتر بختیار توسط آنکشان جبهه‌وری اسلامی ادعای مقامات رژیم مبنی بر رعایت حقوق بشر و پذیرش موازین بین‌المللی را حتی در ابعاد محدود آن زیر سوال می‌برد و کارنامه این رژیم را که اکنون ضمن تلاش برای

کسترش روابط خود، به ترور شخصیت‌های اپوزیسیون روی آورده است سیاه‌تر می‌کند.

جهان مدعی حقوق بشر بویژه دولت فرانسه نباید از کنار این جنایات بگذرد و جان شخصیت‌های سرشناس اپوزیسیون را وسیله معاملات خود با رژیم جمهوری اسلامی قرار داده و عملاً تروریسم دولتی این رژیم را تقویت نماید.

کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران به همه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد تا به هشیاری خود در برابر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی بیفزایند و از دولت‌های جهان می‌خواهیم تارزیم را برای رعایت حقوق و موازین بین‌المللی زیر فشار جدی قرار دهند.

ما یکبار دیگر از دولت سوئد می‌خواهیم که در عادی سازی و گسترش مناسبات خود با جمهوری اسلامی بر لزوم رعایت حقوق بشر و موازین بین‌المللی تاکید مجدانه نماید و همچنین به جای سیاست اخراج گسترده پناهنجویان ایرانی از سوئد، به بهانه رعایت حقوق بشر در ایران، حقوق پناهندگان و پناهنجویان ایرانی را محترم شمرده و از جان آنها محافظت نماید.

- کمیته همبستگی برای دمکراسی در ایران - سوئد
 - سازمان فدایی ایران - سوئد
 - سازمان فدائیان خلق ایران - سوئد
 - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد
 - کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن ایران - سوئد
 - حزب دمکرات کردستان ایران - سوئد
 - حزب دمکراتیک مردم ایران - سوئد
- ۱۲ مرداد ۱۳۷۰

کودتا و پیامدهای آن

بقیه از صفحه اول

گارباجف در مقاطعی از روند نوسازی نیز به تقویت این دو جریان منجر گردید.

نیروهای محافظه کار از طیف های گوناگونی تشکیل میشوند. در بین آنها هم نیروهای معتقد به کند کردن تحولات مشاهده میشود و هم نیروهای طرفدار استالین و عناصر فرصت طلب و سود جو. ولی همدتا نیروهای محافظه کار از کسانی تشکیل میشوند که از ادامه حیات سیستم سیاسی سابق در اتحاد شوروی سود می برند و در حفظ آن دینفع هستند.

پیروزی کودتا بدرجات معینی بازگشت به سیستم سابق بود. سران ارگانهای دست به کودتا زدند که پاسدار نظم قدیمی در جامعه بودند. آنها در سابق و در نبود دموکراسی، یک تاز میدان بودند. از موقعیت ها و امتیازهای مساعدی در جامعه برخوردار میشدند. دستگاہهای عظیم امنیتی و نظامی تنها در سایه مسابقه تسلیحاتی و جنگ سرد میتوانستند بیشترین حجم بودجه کشور را ببلعند و از امتیازات بالایی برخوردار گردند. روند نوسازی ایجاب میکرد که مسابقه تسلیحاتی مهار شود، بودجه ارگانهای نظامی و امنیتی شدیداً کاهش یابد و نقش آن هادر حیات سیاسی کشور محدودتر گردد. بالتجربه اکثر افسران رده بالای ارتش و کابگ ب نمیتوانستند با تحولات هم رای باشند.

کودتا آخرین حربه نیروهای محافظه کار برای متوقف کردن روند نوسازی در کشور بود. شکست کودتا نشان داد که اتحاد شوروی دیگر آن کشور سابق نیست و مردم نیز دیگر همانند گذشته نظاره گر بی تفاوت نسبت به رویدادهای کشور نیستند. بعلاوه ارتش نیز همانند گذشته دیگر در بست در اختیار ژنرالها قرار ندارد. نوسازی در اعماق جامعه شوروی ریشه دوانده و مردم را از کنج خانه ها به خیابانها کشانده است. اکنون مردم در صحنه سیاسی کشور حضور فعال دارند و مستقیماً بر رویدادهای کشور تاثیر میگذارند. ترس مردم از ارگانهای امنیتی ریخته است. آنها طعم شیرین دموکراسی را چشیده اند.

شکست کودتا، نیروهای محافظه کار را بشدت تضعیف کرد و امکان برگشت به گذشته را کاهش داد. ولی در عین حال بعد از شکست کودتا روند منفی و گرایشهای افراطی تشدید یافت.

جمهورها یکی پس از دیگری اعلام استقلال کردند و اتحاد شوروی تا آستانه فروپاشی پیش رفت. ولی سرانجام ده جمهوری پیمانی را امضا کردند که بموجب آن اتحاد شوروی بعد از این بصورت کنفدراسیونی از

گردید. در چند سال اخیر اتحاد شوروی از حالت تک حزبی درآمده و فعالیت احزاب سیاسی و سایر تشکلهای آزاد شده است. تعلیق فعالیت حزب کمونیست شوروی مقایره روند دموکراسی و تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی است. کسانی که باین اقدام دست یازیدند گر چه خود را اصلاح طلب رادیکال می نامند، ولی در حقیقت به همان شیوه های گذشته متوسل میشوند. حزب کمونیست اتحاد شوروی حدود ۱۴ میلیون نفر عضو داشت. سر نوشت حزب را باید اعضا آن تعیین میکردند. حکم این یا آن فرد و ارگان. اگر حزب قوانین شوروی را نقض کرده بود ارگانهای ذیربط میتوانستند بآن رسیدگی کنند. اتعام همکاری حزب با کودتاگران که توسط یلتسین و همکاران او مطرح شده بود، در هیچ ارگان قانونی مورد بررسی قرار نگرفت و به تائید نرسید. تعلیق فعالیت حزب همانند کودتا نقض قوانین و دموکراسی بود.

در جریان نوسازی در اتحاد شوروی گرایشهای افراطی نظیر ستیز با کمونیست ها و ناسیونالیسم افراطی رشد کردند و به هامل منتهی در گسترش دموکراسی در کشور تبدیل شدند. بعد از شکست کودتا موج وسیعی از ستیز با کمونیست هادر سراسر شوروی برخاست. در جمهوری های بالتیک "شکار رهبران" حزب کمونیست آغاز گردید و انتقام کشی گسترش یافت.

تعلیق فعالیت حزب با استیقال شدید نیروهای راست در شوروی و در جهان مواجه گردید و آنها را خوشحال ساخت. همزمان با توقف فعالیت حزب تمایل به کمک بیشتر به اتحاد شوروی از جانب کشورهای قریب افزایش یافت. بر اریان مارونی نخست وزیر کانادا اظهار عقیده کرد که انحلال حزب کمونیست به معنای کمک مالی بیشتر قریب برای اتحاد شوروی خواهد بود. بوش گفت بنظر میرسد تحولات مسکو به نفع امریکا پیش میرود.

شکست کودتا و تعلیق فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی، اوضاع رادر شوروی بکلی دگرگون کرد.

نیروهای موسوم به اصلاح طلبان رادیکال شدیداً تقویت شدند. یلتسین از این جریان پیروز و قدرتمند بیرون آمد و خطمشی او بدرجاتی در سطح کشور پیش رفت. یلتسین میخواست حزب کمونیست منحل شود، محافظه کاران طرد شوند، حکومت مرکزی بشدت تضعیف گردد، روسیه در موضع رهبری و یا برادر بزرگ سایر جمهوری ها قرار گیرد و به خواست های امریکا در قطع حمایت از کشورهای نظیر کوبا پاسخ مثبت داده شود.

رویدادهای اخیر شوروی مسائل متعددی را در سطح جهان بوجود آورده است. کودتا نگرانی جدی نیروهای دموکراتیک را برانگیخت و شکست کودتا آنها را شادمان ساخت. ولی وقایع بعد از شکست کودتا موجبات خوشحالی و سرور نیروهای راست و افراطی و نگرانی نیروهای دموکرات و چپ را برانگیخته و تشدید کرده است.

کشورهای مستقل در خواستهای امضایین قرار داد و تصویب آن در اجلاس کنگره خلق با اکثریت قریب باتفاق موجب شد روند تلاشی تا حدودی مهار گردد.

با شکست کودتا فشار برای متوقف کردن فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی تشدید یافت. م. گارباجف از دبیر کلی حزب کنار گرفت و از کمیته مرکزی خواست که خود را منحل کند و سر نوشت سازمانهای حزبی در جمهوری ها و مناطق رابه اعضا آن محول کند. بوریس یلتسین هم فرمان تعلیق حزب کمونیست روسیه را امضا کرد. دفتر کمیته مرکزی حزب در مسکو موقتا مهرو موم گردید.

حزب کمونیست شوروی بمثابه حزب در کودتا نقش نداشت و ارگانهای حزبی طراح کودتا نبودند. ولی در عین حال دبیر خانه و دفتر سیاسی حزب علیه کودتا موضع گیری نکردند و نیروهای حزب را برای مقابله با کودتا و دفاع از دموکراسی و قانونیت بسیج نمودند. یکی از اعضا هیئت سیاسی جزو کودتاگران بود و تعدادی از کمیته های حزبی و رسانه های گروهی از کودتاگران حمایت کردند.

حزب کمونیست شوروی مبتکر نوسازی و تفکر نوین سیاسی بود و نقش جدی در تحولات شوروی و جهان داشت، ولی در روند نوسازی از تحولات جامعه عقب ماند و نتوانست نقش پیشرو در سالهای اخیر ایفا نماید. نیروهای محافظه کار نقش جدی در عقب ماندگی حزب داشتند. آنان در مقابل تحولات جان سختی از خود نشان دادند و بالتجربه ساختار حزب بطور اساسی در این چند سال دگرگون نشد.

در حزب از مدتها قبل درگیری شدیدی بین گرایشهای مختلف جریان داشت. بعد از کنگره ۲۸ نیروهای موسوم به اصلاح طلبان رادیکال از حزب جدا شدند. بعد از آن نیروهای محافظه کار تلاش زیادی کردند که مانع دگرگونی حزب شوند و گارباجف را از دبیر کلی حزب کنار بگذارند.

در عین حال نیروهای اصلاح طلب تلاش جدی را برای نوسازی حزب آغاز نمودند. در پلنوم ۲۵ ژوئیه کمیته مرکزی حزب طرح برنامه و اساسنامه جدیدی به تصویب رسید. اجرای این برنامه و اساسنامه میتوانست تحولات جدی را در حزب بوجود آورد. با تصویب این اسناد، این امید بوجود آمده بود که حزب بتواند همگام با تحولات پیش برود ولی کودتا و بدنبال آن تعلیق فعالیت حزب امکان تحول آنرا بیک حزب دموکراتیک چپ از بین برد. گارباجف در سخنرانی خود در پارلمان شوروی گفت: "اهتمام من به میلیونها عضو ساده حزب بود که من این امید را میدادم که بتوانم حزب را از یک دستگاه استالینی بیک سازمان امروزی دموکراتیک تبدیل کنم. کودتا این امید را باداد."

صرفنظر از میزان پیشرفت تحولات در حزب تعلیق فعالیت آن مسائل متعددی را بوجود آورده است. در جریان نوسازی تماما تلاش میشد که دموکراسی و قانونیت جایگزین شیوه های استبدادی حکومت

متن استعفای گارباجف از دبیر کلی حزب کمونیست

جنایتکاران سیاسی حمایت کردند. این امر، میلیون ها کمونیست را دچار وضعیت متناقضی کرد. بسیاری از اعضای حزب، همکاری با توطئه گران را رد کردند، کودتا را محکوم کرده در مبارزه علیه آن شرکت جستند. هیچ کس حق ندارد همه کمونیست ها را بدون استثنا متهم کند. و من به عنوان رئیس جمهور، وظیفه خود می دانم که از آنها در برابر اتهامات بی اساس دفاع کنم. در این شرایط، کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. باید تصمیم دشوار، اما صادقانه ای درباره انحلال خود اتخاذ کند. سرنوشت

- ۱۶) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه بجای
- ۱۷) "زمینه اصلی بجای" "صلی" در سطر ۲۱
- ۱۸) و فراموشی در قید نام بنده بعنوان نگارنده نوشته
- ۱۹) مطلب با عنوان در باره "خطمشی انتخابات آزاد"
- ۲۰) مندرج در نشریه شماره ۱۸ کار
- ۲۱) عبارت... منظورشان از "سیاست های جدید دول بزرگ" چیست؟ در سطر ۴ از آخر ستون دوم جا افتاده است.
- ۲۲) مشی سیاسی بجای "مشی سیایی" در سطر ۳ از آخر ستون دوم.
- ۲۳) بی آنکه بجای "یا آنکه" در سطر ۲۸ ستون سوم.
- ۲۴) دو فاکتور بجای "دو فاکتور" در سطر ۳۵ ستون سوم.
- ۲۵) سوی بجای "سی" در سطر ۴۵ ستون سوم.
- ۲۶) دوام بجای "دام" در سطر ۱۴ از آخر ستون سوم.
- ۲۷) نیز یکی "نیز یکی" در سطر ۱۳ ستون چهارم.
- ۲۸) عبارت... تشریح شده اند، مجدداً تکرار شود. در سطر ۲۹ ستون چهارم جا افتاده است.
- ۲۹) و پیشرفت بجای "پیشرفت" در سطر ۳۳ ستون چهارم.
- ۳۰) عبارت... که چه بسا زمامداران "استحاله ناپذیر" از طریق مبارزه مسالمت آمیز برکن شده اند

بقیه در صفحه ۱۵

خواست تا با انتشار اعلامیه ای مواضع خود را دال بر محکومیت کودتا، منتشر کند. متن اعلامیه صادر شده توسط شورای مرکزی (اکثریت) در جریان بود، کنگره از شورای مرکزی سازمان

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت): درباره

وقایع اخیر شوروی

روز گذشته در اتحاد شوروی کمیته ای مرکب از سران ارتش، کمیته امنیت دولتی (کابگ، ب) و سیاستمداران محافظه کار، با برکنار کردن گارباجف رئیس جمهور این کشور از مقام خود و اعلام وضعیت فوق العاده، بحران جامعه شوروی را وارد مرحله تازه ای کرد. کمیته مذکور با تسخیر رسانه های گروهی، استقرار قوای مسلح در پایتخت و شهرهای بزرگ و برقراری سانسور، آزادیهای دموکراتیک را معلق نموده، انجام تظاهرات و اقدامات اعتراضی از سوی مردم را ممنوع اعلام کرده است. جامعه شوروی در تلاش برای رهایی از بحران و عوارض استبداد فراگیر، با دشواری های عظیمی روبروست و مردم این کشور بزرگ همسایه ما در مسیر دستیابی به دموکراسی تجارب رنجباری را

توضیح

نامه زیر از طرف رفیق بهزاد کریمی به شورای سردبیری نشریه نوشته شده و در آن اشتباهات متعدد چاپی در دو مطلب درج شده از ایشان تید شده است. ضمن پوزش از خوانندگان و تصحیحات مربوطه می پردازیم. به شورای سردبیری محترم نشریه کار! ضمن تقدیر از زحمات شما برای انتشار نشریه

کار، باید بر وجود اشتباهات چاپی متاسفانه بحد و نور در نشریه اشاره کنم. میخواهم امیدوار باشم که این نقیصه و ضعف جدی در نشریه کار هر چه زودتر بر طرف شود و خوانندگان یگانگی بیشتری با نشریه و مطالب منتشره در آن احساس کنند. نظر بر اینکه دو مطلب تحریر شده از سوی اینجانب در شماره های ۱۷ و ۱۸ نشریه کار، حاوی اشتباهات هدیده چاپی است و تصحیح آنها برای دوستانی که بهر دلیل قصد استفاده و یا نقد و بررسی این دو نوشته را داشته باشند ضروری است، لذا تقاضا دارم تصحیحات زیرین مینادر نشریه چاپ شود. مطلب با عنوان "از نامه های میرزا فتحعلی

مصاحبه اشپیکل با والنتین فالین

والنتین فالین در کنگره بیست و هشتم حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش.) به سمت دبیری کمیته مرکزی حزب برگزیده شد. هفته نامه آلمانی اشپیکل مصاحبه‌ای با فالین پیرامون کودتای نافرجام اخیر و مواضع ح.ک.ا.ش. در قبال آن به چاپ رساند که ترجمه آن را درج می‌کنیم.

اشپیکل: والنتین میخائیلویچ، این نخستین بار است که ما برای دیدن شما از ورودی پشت ساختمان می‌آیم. ورودی جلو را با نرده بسته‌اند. چه اتفاقی افتاده است؟

فالین: این برای من هم تازگی دارد. تا دیروز نرده‌ها نبودند. به نظر می‌رسد اینها تدابیر احتیاطی است. زیرا دیروز در اینجا تظاهراتی برگزار شده که با درگیری‌هایی همراه بود. من چنین فرض می‌کنم که این تدابیر، موقتی باشد.

اشپیکل: تا دیروز از این ساختمان، مجسمه فلیکس دزرژینسکی رئیس پلیس مخفی لنین دیده می‌شد. دیشب این مجسمه را بریز کشیدند. آیا در مسکو جای چیزی خالی است؟

فالین: البته، جای بسیاری چیزهای گذشته، خالی است. یک مسئله دیگر، این است که محو آثار دوران گذشته هنگام تحولات سیاسی با سنت کشورهای متمدن وفق می‌دهد.

اشپیکل: روی دیوارهای این ساختمان نوشته‌اند: «ح.ک.ا.ش. را به محاکمه بکشید». آیا انتقام‌گیری از حزب کمونیست فراموشی رسد.

فالین: ظرف یک سال و نیم گذشته ما در اینجا شاهد موجی از کمونیسم‌ستیزی بوده‌ایم که گسترده‌تر از همه جاست. در لنین‌گراد یک عضو انجمن شعر حتی گفته است: «اگر همه ۱۹ میلیون کمونیست را تیرباران کنیم، هیچ‌کس برافروخته نخواهد شد». در آن زمان هنوز ۱۹ میلیون نفر عضو حزب بودند.

اشپیکل: اما اگر اکنون باریس یلتسین مردنیرومند جدید اتحاد شوروی حزب کمونیست را طلی یک فرمان منحل کند چه میشود؟

فالین: این امر طبق قانون فقط زمانی ممکن است که یک حزب، قانون اساسی یا قوانین موجود را نقض کند. قانون اساسی ما و بیانیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، به صراحت حق شهروندان در تشکیل احزاب و سازمان‌ها را به رسمیت می‌شناسند. اگر این حقوق نقض شود، این بدان معنی است که ما مانند گذشته با دولت مبتنی بر قانون فاصله زیادی داریم.

اشپیکل: حزب، از آن رو خشم مردم را برانگیخت که به مدتی طولانی در قبال کودتا سکوت اختیار کرد. این امر مردم بدین سادگی فراموش نمی‌کنند.

فالین: لطفا مردم را با برخی سیاستمداران که مدعی نمایندگی مردم‌اند، اشتباه نکنید. اما درباره اصل مطلب: حزب، ربطی به این کودتا نداشت. فقط یک عضو دفتر سیاسی، اولگ شنین، راسا و بدون نمایندگی از سوی دفتر سیاسی یا دبیرخانه کمیته مرکزی از شنین پرسید که چه اتفاقی افتاده است و امروز یا فردا چه خواهد شد. اما شنین پاسخ این پرسش را نداد. حزب با سایر کودتاپچیان هیچ تماسی نداشت.

اشپیکل: اما آیا این عجیب نیست که دبیرکل حزب و رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (ا.ج.ش.س.) به لحاظ سیاسی نه توسط حزب، بلکه توسط فردی نجات یافت که از حزب استعفا داده است؟

فالین: آری، بدیهی است که این امر به نوعی حیرت‌آور است.

اشپیکل: آیا این امر نشانه‌ای نیست؟

فالین: من با این گفته شما مخالفت نمی‌ورزم. اما هلت این امر این است که اخیراً تماس میان دبیرکل و حزب ضعیف شده بود. دیگر تماس منظمی برای اینکه رهبر ما بتواند امیدها، تمایلات و خواست‌های خود را به طور مستقیم به افرادی در حزب که به کمک آنها نیاز داشت و می‌دانست که به او پشت نمی‌کنند، برساند، وجود نداشت.

اشپیکل: دبیرخانه کمیته مرکزی چه کرد؟

فالین: دبیرخانه تقریباً این موضع را داشت: تا وقتی نمی‌دانیم چه شده است نمی‌توانیم موضع قطعی بگیریم.

اشپیکل: آیا موضع دبیرخانه نمی‌باید این میبود که صرف نظر از اینکه چه شده است، نباید اجازه داد علیه دبیرکل ح.ک.ا.ش. کودتا شود؟

فالین: بدیهی است که از نظر ما دبیرکل، همچنان دبیرکل بود. ما در بیانیه خود بر این امر تأکید کردیم. ما به مثابه حزب او را از وظایف خود معاف نکردیم. اما ما موضع او را نمی‌دانستیم. بنابراین، ایواشکو معاون دبیرکل را مأمور کردیم از گارباچف

بیرسد نظرش درباره مقررات فوق العاده چیست و آیا به معاون رئیس جمهور اختیار داده است که وظایف رئیس جمهور را موقتاً بر عهده بگیرد. دیانه.

از این رو ایواشکو از گنادی یانایف خواست او را با یک هواپیمای ویژه نزد گارباچف بفرستد. پاسخ، منفی بود.

اشپیکل: کودتاپچیان چه دلیلی برای پاسخ منفی خود آوردند؟

فالین: آنها گفتند لازم نیست ایواشکو با گارباچف ملاقات کند زیرا مسئله، مربوط به دولت است و نه حزب. خواست دبیرخانه بر دیدار فوری ایواشکو با میخائیل گارباچف فوراً منتشر شد تا موضع حزب برای همه روشن شود.

اشپیکل: این از حزب، تا آنجا که به ارتش مربوط میشود، آیا ارتش از این رو از کودتاپچیان پیروی نکرد که آنها تا آن حد غیر مصمم و غیر ماهرانه عمل کردند، یا اینکه موضع ارتش بود که کودتاپچیان را چنان غیر مصمم کرد؟

فالین: میدانید، وقتی من به آن روزها بر میگردد، باید بگویم که نظر به خطری که وجود داشت و هوای بی‌ثباتی که بدنبال آورد، این حادثه یک تراژدی بود. اما اجرای آن، یک نمایش ارزان آماتوری پیش نبود.

اشپیکل: رهبری تکرری کودتا از زمره هشت عضو کمیته وضعیت فوق العاده بود یا خارج از جمع آنها؟

فالین: حتماً این خود آنها بود، اما من نمی‌خواهم در این باره حدس و گمان‌های مختلف درباره اینکه چه کسی بود، شرکت کنم.

اشپیکل: آیا شما می‌توانید افکار کودتاپچیان را درک کنید؟

فالین: باید وضعیت کشور را، بحران اقتصادی و ناامنی حتمی را در نظر گرفت. چقدر میان مردم بسیار متشنج است. مردم از رئیس جمهور ناراضی‌اند اما هنگام کودتا، مردم دچار این نگرانی بزرگ شدند که موج جدیدی از استالیانیسم ممکن است فرارسد. این نگرانی، در نهایت مهمترین نکته بود.

اشپیکل: ادوارد شوارنادزه در مورد کودتا، احتمال تکرار کننده‌ای را بر سر زبان‌ها آورده است. او می‌گوید دبیرکل حزب احتمالاً نه تنها قربانی، بلکه عامل کودتای نیز بوده و کل جریان را صحنه‌سازی کرده است. آیا این ادعا به همان اندازه که به نظر می‌رسد عجیب و غریب است؟

فالین: مادر گفتگوهای خود هنوز بقدر کافی درباره تکرار شدن این حادثه بحث نکرده‌ایم. اما نشانه‌های مبنی وجود داشت که دبیرکل، به کمک پزشکی نیاز پیدا کرده است. حقایق پراکنده، احتمالاً بهانه برداشت‌های مختلف را به دست داده است. اما تکرار می‌کنم: آنگونه که شوارنادزه مسئله را طرح کرده و گفته است که این، توطئه‌ای بود که در آن، تقسیم کار کرده بودند...

اشپیکل: ... در آن، قربانی در همین حال نقش‌های کودتاپچیان را بازی کرد.

فالین: ... اینگونه مسئله را مورد بحث قرار نداده‌ایم. در آن هنگام بسیاری از مسائل برای ما بی‌جواب مانده بود: نظر دبیرکل چیست؟ امروز چه اتفاقی افتاده است و این اتفاق چرا دیروز یا پریروز به وقوع نپیوست؟ ما فکر می‌کردیم که اول باید حقایق روشن شود و بعد نتیجه‌گیری کنیم.

اشپیکل: آیا گارباچف بدین خاطر که اکثر کسانی را که به او خیانت کردند، خود برگزیده بود، در مسئولیت کودتا سهیم نیست؟

فالین: این سؤال به طور غیر مستقیم به شخصیت میخائیل گارباچف مربوط می‌شود که برای او احترام زیادی قائلم. متأسفانه بسیاری از انسان‌های مستعد، شخصیت متناقضی دارند. آنها اگر یک بار به کسی اعتماد کنند، دیگر کنترل نمی‌کنند که این اعتماد درست است یا نه، و به فرد مورد اعتماد، بیش از حد اختیار می‌دهند.

اشپیکل: چرا دبیرکل اجازه داد که دوست قدیمی‌اش الکساندر یاکوف از سوی کمیسیون تفتیش حزب مورد تعدی اخراج قرار گیرد و از این رو حزب را خودترک کند؟

فالین: این برای من تجربه شخصی بسیار شگفت‌انگیزی بود. من مدت‌هاست که الکساندر نیکلایویچ را میشناسم و با او همکاری بسیاری داشته‌ام، از جمله در سیاست خارجی. او درباره خود چنین می‌گوید که مانند مشت زنی است که نمی‌تواند ضربه را بی‌جواب بگذارد. اگر کسی متعرض او شود، واکنشی احساسی نشان میدهد، احساس می‌کند که همه او را ترک کرده‌اند، حتی رئیس جمهور.

اشپیکل: چرا دبیرکل به کمیسیون تفتیش حزب نگفت که نباید با یاکوف چنین رفتاری داشته باشد؟

فالین: زیرا کمیسیون تفتیش، تابع دبیرکل نیست. این کمیسیون علیه شوارنادزه نیز به گونه‌ای مشابه اقدام کرد. یاکوف، دومین مورد تصمیم‌گیری مستقل این کمیسیون بود.

اشپیکل: یاکوف به ما گفت اکنون باید هر عضو حزب کمونیست از خود بیرسد که می‌تواند در این حزب بماند یا نه. اما گارباچف بار دیگر گفته است که کماکان معتقد به اصلاح‌پذیری حزب است. نظر شما چیست؟

فالین: پلنوم آوریل ۱۹۹۱ کمیته مرکزی را حتماً بیاد دارید. در آن پلنوم، گارباچف تعدی به استعفا کرد. روز بعد او بطور خصوصی به من گفت: «والنتین، دیروز چه روز سختی را گذراندم». پاسخ من این بود: «میخائیل سرگیویچ، هیچ چیز بد، هاری از نکات مثبت نیست». برای نخستین بار پس از مرگ لنین، موضوع دبیرکل دیگر تابو نیست. من این را نشانه‌ای واقعی از این امر می‌دانم که حزب در حال تحول یافتن است.

اشپیکل: پس شما خوش‌بینید؟

فالین: نه، من خوش‌بین نیستم، بلکه در حال حاضر حتی بسیار بدبینم، مثلاً وقتی می‌بینم چگونه تلاش می‌شود که حزب را به کودتا ربط دهند. این تلاش‌ها آنقدر گسترده است که من نمی‌توانم

ایراکلی زرتلی رهبر حزب ناسیونال دمکرات گفت: «ما اگر می‌توانستیم در مطبوعات یا تلویزیون سخن بگوییم، نیازی به این گردهمایی‌ها نداشتیم. اما اکنون این تظاهرات تنها ابزار ما برای رساندن مواضع خود به مردم است». در تظاهرات همه روزه اپوزیسیون، ده تا پانزده هزار نفر شرکت می‌کنند.

رهبران اپوزیسیون گرجستان امیدوارند گام‌ها خود را از طرف چند روز وادار به استعفا کنند. در حال حاضر رئیس جمهوری گرجستان از اختیارات فوق العاده‌ای برخوردار است. تنها با رای دو سوم نمایندگان پارلمان، می‌توان رئیس جمهوری را به اتهام خیانت برکنار کرد. گام‌ها خوردیا اعلام کرده است مخالفان علیه امنیت کشور اقدام کرده‌اند. بدین ترتیب معلوم نیست که نمایندگان اپوزیسیون بتوانند در اجلاس بعدی پارلمان گرجستان شرکت کنند. علاوه بر این، فراخواندن نشست مجلس نمایندگان در اختیار رئیس جمهوری است. گام‌ها خوردیا اجلاس پارلمان را که قرار بود هفته گذشته تشکیل شود، به تعویق آنگذارد.

بخشی از گارد ملی گرجستان، از جمله تنگیس کوتوانی فرمانده این نیرو، به گفته منابع اپوزیسیون از اطاعت از گام‌ها خوردیا سرپیچی کرده‌اند. رهبر حزب ناسیونال دمکرات گفت تعدادی از واحدهای گارد ملی اجرای دستور بازگشت به پادگان‌ها در حومه تفلیس را متوقف کرده‌اند. این واحدها می‌گویند که در جنگ قدرت بیطرفند اما می‌خواهند از حق تظاهرات دفاع کنند. گام‌ها خوردیا به گارد ملی دستور بازگشت به پادگان‌ها را داده است اما به گزارش یک خبرنگار، تنها بخشی از این نیرو، از این دستور پیروی کرده است. گارد ملی گرجستان متشکل از چهار هزار نفر است. به گزارش اپوزیسیون، تنگیس سیکوا نخست‌وزیر پیشین گرجستان که اخیراً از سوی گام‌ها خوردیا برکنار شده، نزد واحدهای گارد ملی در نزدیکی پایتخت به سر می‌برد.

خبرگزاری تاس گزارش داد واحدهایی از گارد ملی در حومه تفلیس مستقرند و گام‌ها خوردیا از مذاکره با نمایندگان آنها تحت این عنوان که آنها «اشرار» و «دشمنان گرجستان» اند، خودداری می‌کند. گام‌ها خوردیا مدعی است که مخالفان او «بمامل کرملین» اند و با ادوار دشوار دناذره وزیر خارجه پیشین شوروی تماس دارند.

و چه بسا قدرتمندان استعفا بپذیر از طریق قهر استعفا یافته‌اند! علاوه بحث روی چند و چون موضوع استعفا، بحث ناوارد و نازلی است و نباید وارد آن شد. خوشبختی بزرگی نصیب مردم ایران خواهد شد اگر همین زمامداران، استعفا بپذیرند و سر عقل بیایند و... در سطور ۴۸ و ۴۹ ستون چهارم جا افتاده است.

(۱) هجرت... از مقاله تنها چند یادآوری ضروری میدانم. در سطور ۴۸ و ۴۹ ستون پنجم جا افتاده است.

(۱۲) در بجای «از» در سطر ۲۹ ستون پنجم.

(۱۳) هجرت... و مصالحه رژیم با اپوزیسیون منوط

بیکند. بجای «مصالحه رژیم با» در سطر ۸ از آخر ستون پنجم.

(۱۴) هجرت... نیروی راهگشای دموکراسی و آلترناتیو دموکراتیک را پدید آورند بدون تردید وجود دارند. مشاهدات دقیقی است، ولی چرا پدیداری چنین نیرویی به گشایش فضای سیاسی منوط میشود؟ در سطور ۲ و ۳ ستون ششم جا افتاده است.

(۱۵) جدابجای «حاد» در سطر ۲۸ ستون ششم.

(۱۶) ... هر چه بیشتر متکی بر شعور... بجای «هر چه بیشتر بر شعور» در سطر پنجم از آخر ستون ششم.

باسلام و احترام

بهزاد کریمی

اول سپتامبر ۱۹۹۱

توضیح

از صفحه ۱۴

و چه بسا قدرتمندان استعفا بپذیر از طریق قهر استعفا یافته‌اند! علاوه بحث روی چند و چون موضوع استعفا، بحث ناوارد و نازلی است و نباید وارد آن شد. خوشبختی بزرگی نصیب مردم ایران خواهد شد اگر همین زمامداران، استعفا بپذیرند و سر عقل بیایند و... در سطور ۴۸ و ۴۹ ستون چهارم جا افتاده است.

(۱) هجرت... از مقاله تنها چند یادآوری ضروری میدانم. در سطور ۴۸ و ۴۹ ستون پنجم جا افتاده است.

(۱۲) در بجای «از» در سطر ۲۹ ستون پنجم.

(۱۳) هجرت... و مصالحه رژیم با اپوزیسیون منوط

شوروی استقلال جمهوری های بالتیک را به رسمیت شناخت

مقدونیه نیز خواهان استقلال است

شورای دولتی اتحاد شوروی که از سوی کنگره نمایندگان خلق، مامور اداره کشور تاجیک را انتخاب شده است، در نخستین نشست خود، استقلال و حاکمیت جمهوری های بالتیک را به رسمیت شناخت. در شورای دولتی شوروی، رهبران جمهوری های این کشور نقش اصلی را بر عهده دارند.

لستانی در لیتوانی در ترس و وحشت به سر می برند. در مقابل، نمایندگی لیتوانی در ورشو مدعی شده که این نمایندگان در گذشته از کمونیست های طرفدار مسکو حمایت کرده اند و کماکان با دولت لیتوانی مخالفت می ورزند. وزارت خارجه لهستان از اظهار نظر پیرامون این مسئله خودداری کرد.

پارلمان جمهوری تاجیکستان

شوروی روز دوشنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) طی یک اجلاس ویژه، استقلال این جمهوری را اعلام کرد. اکثریت نمایندگان پارلمان، تصویب کردند که تاجیکستان "یک دولت مستقل، دمکراتیک و مبتنی بر قانون" است. تاجیکستان، یازدهمین جمهوری شوروی است که استقلال خود را اعلام می کند.

پافشاری شوارندادزه

بر اتهامات خود علیه گارباچف

ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه اسبق شوروی بار دیگر انتقاد خود از رفتار گارباچف رئیس جمهوری شوروی در آستانه کودتای ۱۹ اوت را تکرار کرد. وی در مصاحبه ای با یک نشریه چاپ مسکو خواهان محاکمه هلنی کودتاچیان شد و گفت حتی اگر در این محاکمه "چیزهایی شنیده شود که میخائیل گارباچف رئیس جمهوری را در مظان اتهام قرار دهد"، دادگاه باید هلنی باشد.

شوارندادزه در همین حال گفت که مطمئن است گارباچف از تدارک کودتا خبر نداشته، بلکه "نوعی تدرت در سایه" در پشت سر او فعال بوده است. وزیر خارجه پیشین شوروی در همین حال اظهار داشت رئیس جمهوری تا حدی مسئول و تاییدی است که رخ داد، و زندانی شدن او در شبه جزیره کریمه، او را از اتهامات تبرئه نمی کند.

شوارندادزه در دسامبر ۱۹۹۰ اعلام کرد که خطر دیکتاتوری شوروی را تهدید میکند و از مقام خود کناره گرفت. اندکی پس از وقوع کودتا در مسکو، شوارندادزه گارباچف

بذنبال کودتای نافرجام در مسکو، جمهوری روسیه اعلام کرد که استونی، لتونی و لیتوانی را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت می شناسد. بلافاصله پس از این اقدام جمهوری روسیه، کشورهای اروپای غربی و پس از مدتی آمریکا سه جمهوری مزبور را به رسمیت شناختند. شناسایی این جمهوری ها از سوی تعداد فزاینده ای از کشورها، سرانجام رهبری دولت شوروی را واداشت که استقلال سه کشور بالتیک را که در سال ۱۹۴۰ ضمیمه خاک شوروی شده بودند، بپذیرد.

یکی از نخستین اقدامات دولت لتونی پس از کسب استقلال، ممنوع کردن حزب کمونیست و سازمان های وابسته بدان بود. اواخر اوت، پارلمان لتونی در ریگای پایتخت این کشور طی مصوبه ای فعالیت حزب کمونیست را به حالت تعلیق در آورد، و سپس روز یازده سپتامبر (۲۰ شهریور) پارلمان لتونی این تعلیق را به سطح ممنوعیت دائمی حزب کمونیست ارتقا داد. پارلمان لتونی کمونیست ها را متهم کرد که از کودتای نافرجام در مسکو در ماه اوت و اعمال تخریب ارتش شوروی در لتونی در ژانویه سال جاری حمایت کرده اند.

در میان سازمان هایی که همراه حزب کمونیست در لتونی ممنوع شدند، سازمان جوانان کامسامول، یک گروه اپوزیسیون متشکل از روسها و اتحادیه های سربازان جنگ جهانی دوم دیده می شوند. دولت لتونی می خواهد اموال این سازمان ها را ضبط کند.

به گزارش رادیوی روسیه، قرار است آلفرد روبیکس رهبر حزب کمونیست لتونی به اتهام توطئه برای کسب قدرت در لتونی محاکمه شود. خطر اعدام، روبیکس را تهدید می کند.

در لیتوانی، اتحادیه اقلیت لهستانی ساکن این کشور از دولت لهستان خواست در اختلافات دولت لیتوانی از لهستانی ها حمایت کند. به گزارش خبرگزاری لهستان، هفته گذشته صدجا لهستانی ساکن منطقه خودمختار سولژنیکی واقع در جنوب ویلنیوس پایتخت لیتوانی در اعتراض به لغو خودمختاری این منطقه در برابر پارلمان لیتوانی دست به تظاهرات زدند. توجیه مقامات لیتوانی برای لغو خودمختاری لهستانی ها این است که گویا نشانه هایی از حمایت رهبران اتحادیه لهستانیها از کودتای نافرجام در مسکو در دست است. در لیتوانی نزدیک به ۲۵۰ هزار لهستانی زندگی می کنند. تقریباً نیمی از آنها ساکن ویلنیوس است. این شهر پیش از جنگ جهانی دوم متعلق به لهستان بود.

در یک بیانیه، هشت نماینده فراکسیون لهستانی در پارلمان ویلنیوس آمده است اقلیت

مردم جمهوری مقدونیه یوگسلاوی طی یک referendum با اکثریت نیرومندی خواهان استقلال جمهوری خود از یوگسلاوی شدند. بدنال برگزاری این referendum در روز هشت سپتامبر (۱۷ شهریور) در اسکوپیه پایتخت مقدونیه اعلام شد که ۷۴ درصد از ۱/۳ میلیون نفر واجدین شرایط در رای گیری به سود استقلال جمهوری مقدونیه رای داده اند. این گزارش حاکی است ۷۵ درصد از واجدین شرایط در رای گیری شرکت کرده اند. برخلاف کرواسی و اسلوونی، مقدونیه نه خواهان جدایی فوری از یوگسلاوی، بلکه خواستار مذاکرات در باره تبدیل دولت کثیر الملله یوگسلاوی به یک اتحادیه داوطلبانه کشورهای مستقل است.

نتایج referendum در مقدونیه نشان می دهد که تقریباً همه شرکت کنندگان در referendum به نفع استقلال جمهوری مقدونیه رای داده اند. اقلیت آلبانیایی ساکن مقدونیه که در حدود سی درصد جمعیت مقدونیه واقع در جنوب یوگسلاوی را تشکیل می دهد، از سوی رهبران خود به تحریم referendum دعوت شده بود.

قرار است پارلمان مقدونیه ظرف روزهای آتی بر نتیجه referendum با اعلام رسمی استقلال صحنه بگذارد. اسکوپیه پایتخت مقدونیه شامگاه روز referendum شاهد ابراز شادمانی هزاران تن از طرفداران استقلال مقدونیه بود. علیرغم تشکیل کنفرانس صلح یوگسلاوی در لاهه، در هفته های اخیر درگیری میان نیروهای کروات و صرب در دهها شهر و روستای کرواسی ادامه یافت.

شوروی و از نزدیکان چندین ساله گارباچف است. برخی لوکیانف را متهم می کنند که در پشت پرده، کودتار را رهبری کرده است. وکیل مدافع لوکیانف گفت این سیاستمدار ۱۶ ساله دچار بیماری سختی شده و به بیمارستان زندان انتقال یافته است. سخنگوی دادستانی روسیه گفت گارباچف در تحقیقات حکم شاهد را دارد و مانند هر شهروند دیگر، موظف به ادای شهادت است. این سخنگو افزود هنوز موعدی برای بازپرسی از گارباچف تعیین نشده است.

آزادی ۵۱ زندانی لبنانی از زندان اسرائیل

وی افزود امیدوار است سر نوشت یک نظامی دیگر اسرائیلی که در لبنان ناپدید شده است طی روزهای آتی روشن شود.

مطبوعات اسرائیل نوشتند احتمال دارد اسرائیل در آزادی کسب اطلاع از سر نوشت یک سرباز که در سال ۱۹۸۳ در لبنان به اسارت در آمده، به یک تبعیدی فلسطینی اجازه بازگشت به مناطق اشغالی را بدهد. ارتش اسرائیل طی بیانیه ای اعلام کرد ۵۱ زندانی آزاده شده، در زندان خیام واقع در منطقه ای از جنوب لبنان که در اشغال اسرائیل است، نگهداری می شدند. این زندان رسماً در اختیار "ارتش جنوب لبنان" به فرماندهی ژنرال اتوان لحد متحد اسرائیل است. به گفته مقامات اسرائیل ۲۵۰ تا ۳۰۰ زندانی در این زندان اسیرند. علاوه بر این تعداد، اسرائیل زندانیان دیگری نیز در اسارت دارد که ربایندگان گروگانهای غربی در لبنان خواهان آزادی آنها شده اند. از جمله این زندانیان، شیخ عبدالکریم عبید است که در سال ۱۹۸۹ توسط کماندوهای اسرائیلی در لبنان ربوده شد.

در میان ۵۱ زندانی آزاد شده لبنانی، پنج زن دیده می شوند. اسرائیل می گوید هنوز سر نوشت شش نظامی اسرائیلی در لبنان نامعلوم است. تحولات هفته گذشته، یک ماه پس از آغاز فعالیت میانجی گرانه خاور پرز دو کوئینار در بحران گروگانها صورت گرفت. در طول این مدت کشورهای غربی به اسرائیل فشار آوردند تا با آزادی اسرای لبنانی به پیشرفت تلاشهای دبیر کل سازمان ملل کمک کند. پرز دو کوئینار در آستانه مذاکرات هفته گذشته خود در تهران گفت اگر مقامات جمهوری اسلامی بخواهند مسئله گروگانها را حل کنند، او برای حرفهای آنها گوش شنوا خواهد داشت.

در نتیجه نبردهای هفته گذشته، یک پل ارتباطی که تقریباً راه اتصال جمهوری کرواسی به بخش اعظم سواحل آن در کرانه دریای آدریاتیک است، بسته شد. مطبوعات غربی گزارش دادند بسته شدن این پل در پی حمله شبه نظامیان صرب برای جدا کردن سواحل کرواسی از مابقی خاک آن صورت گرفت.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا که هفته گذشته برای شرکت در کنفرانس حقوق بشر در چارچوب کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا به مسکو رفت، در پایتخت شوروی در مورد یوگسلاوی هشدار داد: "ما به آنجایی که در تحدید و اعمال تهر پانشاری می کنیم، می گوئیم این اقدام آنها نه اختیاری بدنال خبرشنشیمپایداری چندین ماهی... بیکر افزود: "میدوارم به همه طرفها، و بویژه رهبری صربستان و ارتش ندرال یوگسلاوی، فغانده باشم که با هر مورد توسل به تهر، آنها خود را در اروپای نوین بیشتر دچار انزوا میکنند و بار بحران موجود اقتصادی را بر دوش مردم خود سنگین تر می سازند." گفته بیکر را می توان به تحدید اعمال مجازات اقتصادی علیه صربستان تعبیر کرد.

با اینکه با میانجی گری بازار مشترک اروپا، رسماً در کرواسی آتش بس برقرار شده است، نبردها میان صرب ها و کروات ها ادامه دارد. صرب ها و کروات ها یکدیگر را متهم به آغاز درگیری های می کنند. به گزارش منابع دولت های کرواسی و اسلوونی، از هنگام اعلام استقلال این دو جمهوری در نبردها در خاک آنها ۴۶۰ تن کشته شده اند. کرواسی ۴/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که از این تعداد، ۶۰ هزار نفر دارای ملیت صرب اند.

توضیح

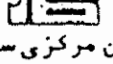
بعثت برگزاری دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در فاصله ۲۷ مرداد الی ۳ شهریور (۲۵-۱۸ اوت) و وظایف تدارکاتی ضرور شماره ۱۹ نشریه کار در تاریخ مقرر انتشار نیافت ضمن پوزش از خوانندگان به اطلاع می رسانیم نشریه ای که در دست دارید اولین شماره انتشار یافته پس از برگزاری کنگره می باشد.

همانگونه که در گزارش کنگره آمده است، شورای مرکزی منتخب کنگره دوم در اجلاس پایانی کنگره به اطلاع نمایندگان رساند که "بنا به ضرورت های موجود دوره تناوب انتشار نشریه تغییر خواهد یافت" شورای مرکزی سازمان در اجلاس ۷ و ۸ سپتامبر خود تصمیم به تعیین دوره تناوب پانزده روزه برای انتشار نشریه کار گرفت. بدین ترتیب نشریه کار هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه انتشار خواهد یافت. شماره ۲۰ نشریه روز چهارشنبه ۱۰ مهر ماه (۲۰ اکتبر) منتشر خواهد شد.

با انتشار دو هفته یکبار نشریه، بر متوسط تعداد صفحات آن افزوده خواهد شد. بر این مبنا، از این پس قیمت هر شماره نشریه از معادل ۲ مارک آلمان به معادل ۲/۵ مارک افزایش می یابد. فرم جدید آبونمان نیز در همین شماره نشریه چاپ شده است. برای مشترکین قبلی، بر مبنای دوره تناوب جدید مدت آبونمان محاسبه شده و برای آنان نشریه ارسال خواهد شد.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک (شش ماهه) ۴۵ مارک ۵۲ مارک	نشریه "کار" ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک
آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):	

KAR Vol.3 No.19 Wed 18 Sep. 1991	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: Address: M.ABD RUZBEH NR-35263011 POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	کد بانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY